روزنامه پیام ما
| سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۷۴ | شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |
www.payamema.ir

تغییر اقلیم نیاز ساختمان‌های ایران به گرمایش و سرمایش را دگرگون می‌کند

خانه‌های ایران در اقلیم آینده

تا سال ۲۱۰۰ ارومیه گرم‌تر می‌شود و بندرلنگه به سرمایش بیشتری نیاز پیدا می‌کند. کرمان در اقلیم آینده از کولر آبی بی‌نیاز و به سرمایش دومرحله‌ای نیازمند می‌شود

۶

شهرداری «الیگودرز» حدود ۱۵ هزار مترمربع از بستر رودخانه داخل شهر را آسفالت کرده است

قیر، رودخانه را پوشاند

عضو شبکه محیط زیست و منابع طبیعی لرستان: این اتفاق جدید نیست و حدود دو دهه است که به‌دلیل ساخت سد و کانال‌کشی برای کشاورزی، آبی از این منطقه رد نمی‌شود؛ رودخانه به زباله‌دانی بدل شده و روی آن آسفالت ریخته‌اند

۳

آتش در قلب بافت تاریخی گرگان

زنگ خطر ایمنی به صدا درآمد

فیلم سوختن بخشی از بافت تاریخی گرگان در حریق، یکی از دردناک‌ترین فیلم‌های منتشرشده در فضای مجازی در هفته گذشته بود. همزمانی این حادثه با درخواست «بابک زنجانی» برای سرمایه‌گذاری و واگذاری بیش از ۵۰ هکتار از بافت تاریخی گرگان، بسیار پرسش برانگیز است

۴

«حبله‌رود»؛ اختلاف آب میان تهران و سمنان

رودخانه‌ای که سهم پایین‌دستش روزبه‌روز کوچک‌تر می‌شود

۵

دارو در مسیر گرانی بیشتر

خبرهای جدید درباره تغییر گروه ارزی برخی مواد اولیه داروگرانی‌ها را افزایش داد

۲

کودکان در محاصره خطرهای آشنا

«پیام ما» مرگ‌های قابل پیشگیری کودکان کرمانی را روایت می‌کند

۷

| یادداشت |

متروی مجانی برای چیست؟

| احسان امینائی چترودی |
| پژوهشگر حوزه توسعه اجتماعی |

۷

| دیدگاه |

دانشجویان سفیران سبزِ محیط‌زیست

| یونس خسروبیگی |
| کنشگر محیط‌زیست |

۸

| تحلیل |

دماوند را نمی‌توان فقط با پرونده یونسکو نجات داد

| پیام ما | سال‌هاست وقتی از دماوند حرف می‌زنیم، دو تصویر متفاوت پیش چشم ما قرار می‌گیرد؛ یک تصویر، همان قله سپید و باشکوهی است که از اسطوره و ادبیات تا حافظه جمعی ایرانیان امتداد پیدا کرده و تصویر دیگر، دامنه‌ای است که زیر فشار معدن، جاده، زباله، ساخت‌وساز و حضور بی‌ضابطه انسان آرام‌آرام تغییر شکل داده است. فاصله میان این دو تصویر، شاید همان مسئله اصلی دماوند باشد؛ کوهی که در ذهن ما نماد استواری است، اما در واقعیت برای حفاظت از آن هنوز باید با مجموعه‌ای از تعارض‌های مدیریتی و بهره‌برداری دست‌وپنجه نرم کرد.

حالا خبر توقف فعالیت معادن در ارتفاعات بالاتر از ۱۷۰۰ متر، از این جهت اهمیت دارد که یکی از همین تعارض‌های قدیمی را هدف گرفته است. سازمان منابع طبیعی اعلام کرده فعالیت معادن موجود در این محدوده متوقف شده و برای معدن جدید یا احداث راه دسترسی تازه نیز مجوزی صادر نخواهد شد. در نگاه نخست، این تصمیم را می‌توان یک خبر اداری یا بخشی از روند آماده‌سازی پرونده ثبت جهانی دماوند دانست؛ اما مسئله کمی فراتر از این است. پرسش مهم این است که آیا نگاه ما به دماوند واقعاً تغییر کرده یا فقط یکی از موانع پرونده‌ای که قرار است روی میز یونسکو قرار گیرد، کنار رفته است؟

ثبت جهانی دماوند بدون تردید اتفاق مهمی است. قرار گرفتن این کوه در فهرست میراث جهانی می‌تواند توجه عمومی، تعهد نهادهای مسئول و حساسیت نسبت به حفاظت از آن را افزایش دهد. فعالیت معدنی نیز یکی از موانع جدی این مسیر بوده است. بنابراین توقف معدن‌کاری در ارتفاعات بالا را نمی‌توان دست‌کم گرفت. معدن فقط به معنای برداشت سنگ یا مواد معدنی نیست. هر معدن به جاده نیاز دارد، ماشین‌آلات وارد عرصه می‌کند، سیمای طبیعی را تغییر می‌دهد و دامنه مداخله انسانی را تا مناطقی گسترش می‌دهد که گاهی امکان بازگرداندن آنها به وضعیت پیشین بسیار دشوار است.

از همین منظر، ممنوعیت ایجاد راه دسترسی جدید شاید به اندازه توقف خود معادن اهمیت داشته باشد. تجربه بسیاری از مناطق طبیعی نشان داده است که جاده، آغازیک زنجیره از مداخلات بعدی است. راه که باز شد، دسترسی آسان‌تر می‌شود؛ بعد پای خودرو، ساخت‌وساز، گردشگری ناموزون و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر به عرصه باز می‌شود. در زیست‌بوم‌های حساس کوهستانی، گاهی یک جاده کوچک می‌تواند مقدمه تغییراتی بسیار بزرگ‌تر باشد.

اما اگر توقف معادن را پایان مسئله دماوند بدانیم، احتمالاً همان خطایی را تکرار کرده‌ایم که سال‌ها در حفاظت از میراث طبیعی کشور دیده‌ایم: حل یک مسئله و نادیده گرفتن شبکه‌ای از مسائل دیگر. دماوند امروز تنها با معدن تهدید نمی‌شود. زباله در مسیرهای صعود، حضور انبوه گردشگران در دوره‌های خاص، فرسایش خاک، خودروهایی که تا ارتفاعات بالا پیش می‌روند، کمبود زیرساخت‌های متناسب با ظرفیت اکولوژیک منطقه و پراکندگی مسئولیت میان دستگاه‌های مختلف، هرکدام بخشی از یک مسئله بزرگ‌ترند. اگر معدن متوقف شود اما هزاران نفر بدون ضابطه وارد عرصه شوند، اگر راه‌های موجود همچنان زمینه گسترش فعالیت‌های مخرب را فراهم کنند و اگر هر دستگاه تنها محدوده مسئولیت خودش را ببیند، نمی‌توان گفت حفاظت از دماوند به سرانجام رسیده است.

اینجاست که موضوع «پلان مدیریتی» اهمیت پیدا می‌کند؛ عبارتی که شاید در نگاه اول فنی و اداری به نظر برسد، اما در واقع قلب ماجرای ثبت جهانی دماوند است. پلان مدیریتی باید پاسخ دهد که چه میزان حضور انسانی در هر بخش از این کوه قابل تحمل است، گردشگری چگونه باید ساماندهی شود، کوهنوردان از چه مسیرهایی عبور کنند، پسماند چگونه مدیریت شود، چه فعالیت‌هایی ممنوع باشد، توسعه زیرساخت تا کجا مجاز باشد و مسئولیت حفاظت از هر بخش دقیقاً برعهده کدام نهاد قرار گیرد.

مشکل بسیاری از مناطق طبیعی ایران دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که همه از اهمیت یک پهنه طبیعی حرف می‌زنند اما هنگام مدیریت، مرز مسئولیت‌ها مبهم می‌شود. یک نهاد مسئول منابع طبیعی است، دیگری گردشگری را دنبال می‌کند، نهادی دیگر جاده یا زیرساخت می‌سازد و مجموعه‌ای دیگر مجوز فعالیت اقتصادی صادر می‌کنند. نتیجه چنین وضعیتی می‌تواند این باشد که هر دستگاه تصمیم خود را قانونی بداند اما حاصل جمع این تصمیم‌ها به زیان طبیعت تمام شود.

تعیین تکلیف مالکیت عرصه‌های دماوند و صدور اسناد رسمی و کاداستر از این جهت اتفاق مهم دیگری است. حفاظت از سرزمینی که حدود مالکیت و مسئولیت در آن روشن نیست، دشوار است. با این حال، سند مالکیت نیز به خودی خود کوه را حفظ نمی‌کند. سند زمانی اهمیت پیدا می‌کند که به ابزار جلوگیری از تعرض، تغییر کاربری و بهره‌برداری مخرب تبدیل شود. همان‌طور که توقف معدن زمانی ارزش واقعی پیدا می‌کند که در میدان اجرا شود، نه فقط در بخشنامه‌ها.

ثبت جهانی نیز نباید به هدفی مستقل از حفاظت تبدیل شود. یونسکو قرار نیست برای ما از دماوند مراقبت کند. عنوان «میراث جهانی» می‌تواند اعتبار بین‌المللی ایجاد کند، حساسیت‌ها را افزایش دهد و چارچوب‌های حفاظتی سخت‌گیرانه‌تری به همراه بیاورد، اما مسئولیت اصلی همچنان برعهده مدیریت داخلی است. اگر یک اثر طبیعی فقط برای رسیدن به فهرست جهانی پاک‌سازی، ساماندهی یا محدود شود و پس از ثبت دوباره به چرخه بهره‌برداری بی‌ضابطه بازگردد، عنوان جهانی چیزی را در واقعیت تغییر نداده است.

شاید مهم‌ترین ارزش پرونده دماوند این باشد که ما را وادار کند درباره معنای حفاظت دوباره فکر کنیم. حفاظت از یک کوه به معنای بستن کامل آن به روی انسان نیست؛ همان‌طور که به معنای آزاد گذاشتن هر نوع بهره‌برداری نیز نیست. مسئله پیدا کردن نقطه‌ای است که در آن گردشگری، کوهنوردی، معیشت جوامع محلی و استفاده عمومی از طبیعت، از ظرفیت اکولوژیک منطقه عبور نکند.

دماوند در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان میراث طبیعی ملی ثبت شده است. همین سابقه یک پرسش جدی پیش روی ما می‌گذارد: اگر ثبت ملی به‌تنهایی نتوانسته همه تهدیدها را متوقف کند، چرا تصور کنیم ثبت جهانی به‌تنهایی چنین خواهد کرد؟ ارزش یک عنوان حقوقی به سازوکار اجرایی پشت آن وابسته است. دماوند بیش از آنکه به یک عنوان تازه نیاز داشته باشد، به مدیریتی نیاز دارد که میان حفاظت، گردشگری و توسعه مرز روشن بکشد و بتواند از آن مرز دفاع کند.

توقف معادن بالاتر از ۱۷۰۰ متر را باید یک گام مهم دانست؛ گامی که هم به کاهش فشار بر عرصه طبیعی کمک می‌کند و هم یکی از موانع ثبت جهانی را کنار می‌زند. اما اهمیت واقعی این تصمیم زمانی آشکار خواهد شد که بخشی از یک سیاست پیوسته باشد، نه اقدامی مقطعی برای تکمیل یک پرونده.

دماوند ممکن است اکنون یک قدم به یونسکو نزدیک‌تر شده باشد، اما فاصله اصلی هنوز جای دیگری است؛ فاصله میان «شناختن ارزش یک میراث» و «پذیرفتن هزینه حفاظت از آن». اگر قرار باشد این قله برای نسل‌های بعد نیز همان دماوندی باشد که امروز در حافظه ما ایستاده است، باید پذیرفت که حفاظت گاهی به معنای محدود کردن بهره‌برداری، مهار توسعه و حتی چشم‌پوشی از برخی منافع کوتاه‌مدت است. ثبت جهانی می‌تواند پایان یک مسیر اداری باشد، اما برای دماوند باید آغاز یک تعهد باشد.

| یادداشت |

از خودروی فرسوده تا هوای پاک

| ارضا بیات |
| دکتری مدیریت کیفیت هوا |

۱. آلودگی هوا؛ مسئله‌ای چندوجهی با راهکارهای متعدد

آلودگی هوا همچنان یکی از مهم‌ترین مسائل محیط زیستی و سلامت عمومی کشور است و در تهران، به‌دلیل تراکم بالای جمعیت، حجم گسترده سفرهای روزانه، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی، ابعاد مسئله جدی‌تر است. در روزهایی که سکون هوا و وارونگی دما شکل می‌گیرد، آلاینده‌های منتشرشده از منابع مختلف در لایه‌های نزدیک سطح زمین تجمع پیدا می‌کنند و میلیون‌ها نفر را در معرض آلودگی قرار می‌دهند.

بااین‌حال، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که آلودگی هوا مسئله‌ای چندعلتی است و نمی‌توان انتظار داشت با اقدامی منفرد حل شود. مدیریت کیفیت هوا نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ است؛ از توسعه حمل‌ونقل عمومی و نوسازی اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها گرفته تا کنترل موتورسیکلت‌ها، بهبود کیفیت سوخت، ارتقای استاندارد خودروها، معاینه فنی، مدیریت ترافیک و تقاضای سفر، کنترل انتشار صنایع و نیروگاه‌ها، مدیریت گردوغبار و جلوگیری از سوزاندن پسماند و بقایای کشاورزی.

در میان این اقدامات، نوسازی ناوگان و خارج کردن وسایل نقلیه فرسوده از چرخه تردد، یکی از اقداماتی است که می‌تواند هم‌زمان چند هدف را دنبال کند: کاهش انتشار آلاینده‌ها، کاهش مصرف سوخت، افزایش ایمنی و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل.

از این منظر، اسقاط خودرو نباید صرفاً موضوعی مربوط به صنعت خودرو یا مراکز اسقاط تلقی شود، بلکه باید آن را بخشی از سیاست ملی مدیریت کیفیت هوا و انرژی کشور دانست.

۲. چرا اسقاط یکی از مهم‌ترین اهرم‌های کاهش آلودگی است؟

خودروی فرسوده صرفاً خودرویی قدیمی نیست. با افزایش سن و کارکرد خودرو، احتمال افت عملکرد موتور و سامانه‌های کنترل انتشار، افزایش مصرف سوخت و کاهش کارایی تجهیزات کنترل آلایندگی بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، برخی خودروهای فرسوده، به‌ویژه خودروهایی که پیمایش بسیار بالایی دارند، ممکن است چندین برابر یک خودروی معمولی در معرض استفاده روزانه باشند.

به همین دلیل، خارج کردن یک خودروی فرسوده از چرخه تردد می‌تواند بیش از اقدامی برای نوسازی ناوگان باشد و منافع آن در چند حوزه ظاهر شود.

نخست، کاهش آلودگی هوا. هرچه خودروهای دارای فناوری قدیمی‌تر و عملکرد نامناسب‌تر، کمتر در معابر تردد کنند، ظرفیت انتشار آلاینده‌های ناشی از ناوگان متحرک نیز کاهش می‌یابد.

دوم، کاهش مصرف سوخت. در شرایطی که کشور با ناترازی انرژی و رشد مصرف سوخت مواجه است، کاهش مصرف خودروهای پرمصرف می‌تواند منفعتی اقتصادی و راهبردی باشد. حتی گزارش‌هایی درباره اسقاط در سال ۱۴۰۳، صرفه‌جویی قابل‌توجهی در مصرف سوخت را به این فرایند نسبت داده‌اند؛ هرچند این ارقام باید در مطالعات دقیق و مستقل راستی‌آزمایی شوند.

سوم، افزایش ایمنی. خودروهای بسیار قدیمی معمولاً از فناوری‌های ایمنی خودروهای جدید برخوردار نیستند و خروج آن‌ها می‌تواند، علاوه بر محیط زیست، آثار مثبتی بر ایمنی تردد داشته باشد.

چهارم، نوسازی ناوگان. اسقاط زمانی بیشترین اثر را دارد که با جایگزینی وسیله نقلیه جدید، کم‌مصرف و کم‌آلاینده همراه شود. این موضوع، به‌ویژه در مورد تاکسی‌ها، اتوبوس‌ها، خودروهای باری و سایر وسایل نقلیه با پیمایش بالا، اهمیت بیشتری دارد.

در واقع، اسقاط را می‌توان یکی از معدود سیاست‌هایی دانست که هم‌زمان به مسئله آلودگی هوا، ناترازی انرژی، ایمنی و فرسودگی ناوگان پاسخ می‌دهد.

۳. رکورد اسقاط در سال ۱۴۰۳؛ چرا این اتفاق مهم است؟

روند اسقاط خودروهای فرسوده در ایران طی سال‌های گذشته بسیار پرنوسان بوده است. طبق آمارهای منتشرشده، در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، تعداد اسقاط در سطح بسیار پایینی قرار داشت. در سال ۱۴۰۲ نیز حدود ۷۷ هزار دستگاه خودروی فرسوده اسقاط شد، اما در سال ۱۴۰۳ این رقم به بیش از ۳۴۹ هزار دستگاه رسید؛ یعنی رشدی حدود ۳۵۵ درصدی نسبت به سال قبل و بالاترین رقم ثبت‌شده در این زمینه. این رقم حتی رکورد اسقاط حدود ۳۲۰ هزار دستگاه در سال ۱۳۹۳ را نیز پشت سر گذاشت.

بااین‌حال، رکورد سال ۱۴۰۳ هنوز به روندی پایدار تبدیل نشده است. در سال ۱۴۰۴، آمار اعلام‌شده از سوی مدیر امور مصرف شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی نشان می‌دهد حدود ۲۰۴ هزار دستگاه خودرو در تمام کاربری‌های سواری، تاکسی، نیسان و خودروهای سنگین و دیزلی اسقاط شده است؛ رقمی که همچنان فاصله قابل‌توجهی با هدف ۵۰۰ هزار دستگاه در سال دارد. این فاصله نشان می‌دهد مسئله اصلی را نمی‌توان صرفاً در ظرفیت فنی مراکز اسقاط جست‌وجو کرد، بلکه سازوکار اقتصادی، حقوقی و سیاستی استمرار اسقاط نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

جهش سال ۱۴۰۳ را باید جدی گرفت، زیرا نشان می‌دهد اگر سازوکار اقتصادی و قانونی مناسب ایجاد شود، ظرفیت کشور برای اسقاط بسیار بیشتر از ارقام سال‌های رکود است. اما این تجربه، در عین حال، نشان داد که رکوردهای مقطعی کافی نیستند و اثر واقعی اسقاط زمانی ایجاد می‌شود که این فرایند به‌شکلی پایدار، مستمر و قابل‌پیش‌بینی ادامه یابد.

۴. اقتصاد اسقاط؛ گرهی که باید باز شود

یکی از عوامل مهم در موفقیت یا شکست برنامه‌های اسقاط، اقتصاد آن است. مالک یک خودروی فرسوده معمولاً با مسئله‌ای ساده مواجه نیست. ارزش خودروی فرسوده برای او ممکن است بخش مهمی از سرمایه زندگی‌اش باشد، درحالی‌که خرید خودروی جایگزین نیازمند منابع مالی بسیار بیشتری است. بنابراین، اگر سیاست‌گذار صرفاً مالک را به اسقاط تشویق کند، اما امکان واقعی جایگزینی را فراهم نکند، بخش مهمی از فرایند متوقف می‌شود.

در این میان، افزایش اخیر ارزش گواهی اسقاط می‌تواند تحولی مهم باشد. به‌گفته نایب‌رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده، براساس ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو، نرخ گواهی اسقاط خودروی سواری از ۱۰ خرداد ۱۴۰۵، از ۳۵ میلیون تومان به ۶۰ میلیون تومان افزایش یافته است. گواهی خودروهای دیزلی سبک و سنگین نیز از ۶۰ میلیون تومان به ۱۲۰ میلیون تومان و گواهی موتورسیکلت از ۸ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان به ۱۵ میلیون تومان افزایش یافته است. (خبرگزاری تسنیم)

افزایش ارزش گواهی می‌تواند انگیزه اقتصادی مالکان و مراکز اسقاط را تقویت کند، اما به‌تنهایی کافی نیست. برای شکل‌گیری چرخه‌ای پایدار، باید میان قیمت گواهی اسقاط، ارزش واقعی خودروی فرسوده، قیمت خودروی جایگزین، تسهیلات بانکی و منافع حاصل از کاهش مصرف سوخت و آلودگی هوا ارتباطی منطقی برقرار شود. اصلاحیه جدید آیین‌نامه ماده ۱۰ نیز با پیش‌بینی سازوکار گواهی صرفه‌جویی سوخت برای برخی خودروهای سنگین، این ظرفیت را ایجاد کرده است که بخشی از منفعت کاهش مصرف سوخت در ارزش اقتصادی اسقاط منعکس شود.

از این منظر، اسقاط نباید تنها هزینه‌ای برای خودروساز یا مالک خودرو تلقی شود. بخشی از منافع آن به کل جامعه بازمی‌گردد؛ بنابراین، منطقی است که دولت نیز از محل منافع عمومی حاصل از کاهش مصرف سوخت و کاهش هزینه‌های اجتماعی آلودگی هوا، در تأمین مالی این فرایند نقش داشته باشد.

موضوع اسقاط، در شرایطی که بحث اصلاح قیمت و افزایش احتمالی بهای بنزین نیز مطرح است، اهمیت اقتصادی بیشتری پیدا می‌کند. خودروهای فرسوده معمولاً مصرف سوخت بالاتری نسبت به خودروهای جدید دارند و در نتیجه، افزایش هزینه سوخت می‌تواند هزینه استفاده از این خودروها را برای خانوارها و صاحبان ناوگان افزایش دهد. بنابراین، اگر سیاست اصلاح قیمت سوخت بدون سیاست مکمل نوسازی ناوگان اجرا شود، می‌تواند فشار بیشتری بر دارندگان خودروهای فرسوده وارد کند. در مقابل، پیوند دادن اصلاحات قیمتی با تسهیلات نوسازی و اسقاط می‌تواند به‌تدریج مصرف سوخت، هزینه خانوار و انتشار آلاینده‌ها را کاهش دهد. به‌بیان دیگر، اصلاح قیمت سوخت و اسقاط خودرو نباید دو سیاست جداگانه دیده شوند، بلکه می‌توان آن‌ها را در قالب سیاستی هماهنگ برای کاهش مصرف انرژی و نوسازی ناوگان طراحی کرد.

۵. اسقاط هدفمند؛ همه خودروهای فرسوده ارزش یکسانی ندارند

یک نکته مهم در سیاست آینده اسقاط این است که تعداد خودروهای اسقاط‌شده، به‌تنهایی، شاخص مناسبی برای ارزیابی موفقیت سیاست نیست. فرض کنیم دو خودروی فرسوده داریم؛ یکی روزانه چندصد کیلومتر در تهران و در محدوده‌های پرتراکم شهری تردد می‌کند و دیگری در منطقه‌ای کم‌تراکم و با پیمایش بسیار پایین استفاده می‌شود. از منظر کاهش مواجهه جمعیت با آلودگی هوا، اسقاط این دو خودرو ارزش یکسانی ندارد.

بنابراین، بهتر است سیاست اسقاط از رویکرد صرفاً «تعدادمحور» به‌سمت اسقاط هدفمند حرکت کند.

در چنین رویکردی می‌توان اولویت را به وسایل نقلیه‌ای داد که:

انتشار آلاینده بیشتری دارند؛

مصرف سوخت بالاتری دارند؛

پیمایش سالانه بیشتری دارند؛

در مناطق پرتراکم شهری تردد می‌کنند؛

سهم بیشتری در حمل‌ونقل عمومی یا باری دارند؛

جمعیت بیشتری را در معرض انتشار آلاینده‌های خود قرار می‌دهند.

این نگاه، به‌ویژه برای تهران، اهمیت دارد. اگر هدف اصلی کاهش مواجهه مردم با آلودگی هوا باشد، باید منابع محدود به‌سمت وسایل نقلیه‌ای هدایت شوند که بیشترین اثر را بر انتشار آلاینده‌ها و مواجهه جمعیت دارند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

خبرهای جدید درباره تغییر گروه ارزی برخی مواد اولیه دارو نگرانی‌ها را افزایش داد

دارو در مسیر گرانی بیشتر

ارز ترجیحی دارو که طی سال‌های گذشته بارها محل مناقشه میان دولت، مجلس و فعالان حوزه سلامت بوده، با تغییر گروه ارزی برخی مواد اولیه و پیش‌سازهای دارویی و حرکت آن‌ها به‌سمت ارز توافقی، نگرانی‌های جدیدی درباره حذف تدریجی این ارز ایجاد کرده است. اگرچه سازمان غذا و دارو تأکید می‌کند تصمیم اخیر به‌معنای حذف ارز ترجیحی دارو نیست، تجربه «دارویار»، افزایش قیمت دارو و هشدار نمایندگان مجلس درباره پیامدهای این سیاست، نگرانی‌ها از دشوارتر شدن دسترسی بیماران به دارو را افزایش داده است.

| یاسر مختاری |
| روزنامه‌نگار |

ماجرای ماندن یا حذف ارز ترجیحی دارو، درحالی‌که قیمت دارو هر روز رکوردهای جدیدی را ثبت می‌کند، به یکی از نگرانی‌های اصلی این روزهای جامعه ایران تبدیل شده است.

اواخر پاییز ۱۴۰۴، زمانی که کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ از سوی دولت به مجلس ارائه شد، یکی از موارد مهم آن حذف ارز ترجیحی کالاهای ضروری، از جمله دارو، بود؛ ارزی که از فروردین ۱۳۹۷ و در دولت دوازدهم برقرار شد. در پی جهش نرخ ارز، دولت دوازدهم در ۲۰ فروردین ۱۳۹۷ اعلام کرد که نرخ دلار برای تأمین نیازهای ارزی کشور ۴۲۰۰ تومان تعیین شده است. براساس این سیاست، دولت تلاش کرد با اختصاص ارز با نرخی پایین‌تر از بازار، هزینه واردات کالاهای ضروری و در ادامه کالاهای اساسی را کنترل و از افزایش قیمت آن‌ها جلوگیری کند.

در نخستین مرحله، تقریباً تمامی نیازهای قانونی ارزی مشمول نرخ ۴۲۰۰ تومانی می‌شدند، اما با تغییر سیاست ارزی دولت در ماه‌های بعد، دامنه تخصیص این ارز محدود شد و عمدتاً کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات پزشکی و نهاده‌های کشاورزی و دامی را دربر گرفت.

این سیاست ارزی که به‌منظور حمایت از مصرف‌کنندگان و کنترل قیمت کالاهای ضروری اتخاذ شده بود، در سال‌های بعد بارها دستخوش تغییر شد و سرانجام در سال ۱۴۰۱ و در دولت سیزدهم، برای بخش عمده‌ای از کالاها حذف شد، اما برای بسیاری از کالاها همچنان باقی ماند.

محمد هاشمی سخنگوی سازمان غذا و دارو: تغییر ارزی اخیر به‌معنای حذف ارز ترجیحی همه داروها یا آغاز موج جدید گرانی نیست موضوع اعلام‌شده صرفاً مربوط به تغییر نرخ ارز برخی مواد واسطه و پیش‌سازهای مورد استفاده در تولید مواد اولیه دارویی است

دارویار؛ نخستین مرحله حذف ارز ترجیحی دارو

تیرماه ۱۴۰۱، دولت سیزدهم با هدف اصلاح شیوه پرداخت یارانه دارو و انتقال آن از ابتدای زنجیره تأمین به مصرف‌کننده و بیمه‌ها، طرح «دارویار» را راه‌اندازی و ارز ۴۲۰۰ تومانی بخشی از داروها و مواد اولیه آن‌ها را حذف کرد. دولت وقت بر این اعتقاد بود که چندنرخی بودن ارز، زمینه ایجاد رانت، فساد، قاچاق معکوس و اختلال در زنجیره تأمین دارو را فراهم کرده است.

بر این اساس، دولت تصمیم گرفت ارز ترجیحی دارو را حذف و مابه‌التفاوت آن را از طریق افزایش پوشش بیمه‌ای جبران کند. در چارچوب «دارویار»، قیمت رسمی بسیاری از داروها افزایش یافت، اما قرار شد افزایش پرداخت از جیب بیماران با اختصاص یارانه به بیمه‌ها جبران شود.

اجرای این طرح با مشکلاتی مانند تأخیر در پرداخت مطالبات بیمه‌ها، کمبود نقدینگی، مشکلات تأمین ارز و مواد اولیه و پوشش ناکافی برخی داروها همراه شد. دولت چهاردهم نیز در سال ۱۴۰۴ و در قالب لایحه بودجه ۱۴۰۵، ارز ترجیحی کالاهای اساسی را حذف کرد. قرار بود این اقدام شامل دارو نیز باشد که نگرانی‌های بسیاری را برانگیخت. «محمدرضا ظفرقندی»، وزیر بهداشت، در نامه‌ای به «مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهور، خواستار تداوم ارز ترجیحی دارو و حذف نشدن آن شد. این موضوع با موافقت پزشکیان روبه‌رو شد و ارز ترجیحی دارو باقی ماند.

اگرچه ارز ترجیحی دارو به‌صورت رسمی باقی ماند، هر از گاهی خبرهایی درباره حذف آن منتشر می‌شد که دولت هر بار آن‌ها را تکذیب می‌کرد. بااین‌حال، پس از انتشار نامه سازمان غذا و دارو درباره تغییر گروه ارزی برخی مواد اولیه دارویی، مواد حدواسط و پیش‌سازهای تولید دارو، نگرانی‌ها درباره آینده ارز ترجیحی دارو دوباره شدت گرفت. براساس این نامه، از ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ گروه ارزی برخی از این اقلام تغییر کرده و تأمین آن‌ها به‌سمت ارز توافقی رفته است. این موضوع ابتدا از طریق اطلاعیه برخی شرکت‌های تولیدکننده مواد اولیه دارویی در سامانه «کدال» علنی شد و نگرانی‌هایی را درباره احتمال آغاز فرایند حذف تدریجی ارز ترجیحی از زنجیره دارو ایجاد کرد.

کارزار اعتراض به حذف ارز ترجیحی دارو

نگرانی درباره حذف ارز ترجیحی دارو، موجب ثبت کارزاری اعتراضی در پلتفرم «کارزار» شد. نویسنده نامه اعتراضی این کارزار، خطاب به رئیس‌جمهور، وزیر بهداشت، رئیس سازمان غذا و دارو و رئیس سازمان تأمین اجتماعی، با اشاره به بیماری التهاب روده و مصرف مداوم دارو نوشت: «اینجانب، به‌عنوان بیماری مبتلا به بیماری خودایمنی کرون (التهاب روده) که از سال ۱۴۰۲ تحت درمان هستم و به‌صورت دوماهه ناچار به تزریق آمپول رمی‌کید هلندی هستم، به‌همراه امضاکنندگان این کارزار، نگرانی و اعتراض شدید خود را نسبت به حذف ارز ترجیحی دارو که مستقیماً بر قیمت و فراهمی داروهای حیاتی تأثیر گذاشته است، ابراز می‌داریم.»

این بیمار در کارزار خود همچنین تأکید کرد: «این تصمیم نه‌تنها به بیماران مبتلا به کرون، بلکه به تمامی مبتلایان به بیماری‌های خودایمنی آسیب جدی وارد خواهد کرد و سلامت و جان بیماران را در معرض خطر قرار می‌دهد. چنانچه تأمین این داروها به‌دلیل افزایش بی‌رویه قیمت‌ها ناممکن شود، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای جمع کثیری از هم‌وطنان بیمارتان به‌همراه خواهد داشت.»

او یادآور شد: «ما امضاکنندگان این کارزار، از مسئولان محترم درخواست داریم نسبت به بازنگری در این تصمیم و بازگرداندن ارز ترجیحی به داروهای حیاتی بیماران خاص، اقدامات عاجل و مؤثر انجام گیرد تا بیماران از حق حیات و دسترسی منصفانه به درمان محروم نشوند.»

تضاد سیاست‌های ارزی با سلامت مردم

«فاطمه محمدبیگی»، نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، نیز با انتقاد از سیاست حذف ارز ترجیحی دارو، غذا و تجهیزات پزشکی گفت: «بارها در دولت‌های قبل موضوع حذف ارز ترجیحی مطرح شد، اما کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با برگزاری نشست‌های متعدد با دستگاه‌های اطلاعاتی، دستگاه‌های زیرساختی، شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور، مسئولان وزارت بهداشت و تولیدکنندگان حوزه‌های دارو، غذا و تجهیزات پزشکی، به این نتیجه رسید که این گروه کالایی به‌دلیل اهمیت استراتژیک در تأمین سلامت مردم، حفظ جان بیماران و نجات بیماران نباید مشمول حذف ارز ترجیحی شود.»

او افزود: «متأسفانه با وجود تذکرهای متعدد کمیسیون بهداشت، این سیاست در حال اجراست و ما معتقدیم چنین اقدامی با حوزه حفظ صحت و امنیت مردم در تضاد است؛ چراکه سلامت یکی از عوامل مهم در حفظ امنیت و یکی از زیرساخت‌های امنیت واقعی کشور محسوب می‌شود.»

محمدبیگی ادامه داد: «ما همواره بر این موضوع تأکید کرده‌ایم که به‌جای حذف کامل ارز ترجیحی، باید نظارت بر نحوه استفاده از ارزهای ترجیحی افزایش پیدا کند و با نشان‌دار کردن ارز ترجیحی، اطمینان حاصل شود که این منابع به گروه‌های واقعی و هدف می‌رسد.»

به گزارش «پیام ما» و به نقل از خانه ملت، نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با اشاره به سهم پایین سلامت از تولید ناخالص داخلی کشور گفت: «متأسفانه این اقدام در کشوری در حال انجام است که سهم سلامت از تولید ناخالص داخلی حدود ۴ درصد است. اگر سهم سلامت از تولید ناخالص داخلی حدود ۸ درصد و دو برابر میزان فعلی بود، چنین اقدامی به‌نوعی پوشش داده می‌شد یا امکان جبران آثار آن وجود داشت، اما اکنون شرایط متفاوت است.»

این نماینده مجلس تصریح کرد: «تفاوت ارز توافقی با ارز ترجیحی به‌قدری بالاست که عملاً در برخی گروه‌های دارویی شاهد افزایش قیمت بین ۸۰ درصد تا حتی ۱۱۰۰ درصد هستیم و این افزایش قیمت هم از توان تولیدکننده خارج است و هم مصرف‌کننده توان پرداخت چنین هزینه‌های سنگینی را ندارد.»

محمدبیگی تأکید کرد: «ضمن اینکه مخالفت خودمان را مجدداً اعلام می‌کنیم، نسبت به شیوه اجرای این سیاست و بالا بردن قیمت‌ها نیز انتقاد داریم. سلامت شوخی‌بردار نیست. بیماری که نیازمند درمان سرطان یا مبتلا به بیماری‌های مزمن است، ناگزیر به استفاده از دارو و خدمات درمانی است و نمی‌تواند مصرف این اقلام را در روند درمان خود متوقف کند.»

واکنش سازمان غذا و دارو

شدت گرفتن نگرانی‌ها، سازمان غذا و دارو را به واکنش واداشت. «محمد هاشمی»، سخنگوی این سازمان، با تأکید بر نادرست بودن تعمیم تغییر گروه ارزی مواد اولیه دارویی به کل بازار دارو اظهار کرد: «تغییر ارزی اخیر، به‌معنای حذف ارز ترجیحی همه داروها یا آغاز موج جدید گرانی نیست. موضوع اعلام‌شده صرفاً مربوط به تغییر نرخ ارز برخی مواد واسطه و پیش‌سازهای مورد استفاده در تولید مواد اولیه دارویی است و نباید آن را به حذف یکباره ارز ترجیحی کل زنجیره دارو تعمیم داد.»

او با اشاره به تخصیص ارز برای صنایع دارویی افزود: «ارز مواد اولیه و پیش‌ساز مورد نیاز صنایع دارویی به میزان برابر سال گذشته تخصیص داده شده است.»

سخنگوی سازمان غذا و دارو درباره اظهارات اخیر برخی شرکت‌های دارویی و ارتباط آن با فضای رسانه‌ای ایجادشده توضیح داد: «به‌نظر می‌رسد گلایه‌های برخی شرکت‌های دارویی ناشی از نقدینگی ناکافی آن‌ها برای تأمین ارز و مواد اولیه است. این بیانات علامت شوک قیمتی نیست، بلکه نشان‌دهنده وضعیت تولید در شرایط «نه جنگ، نه صلح» است. از سوی دیگر، هزینه مواد واسطه تنها بخشی از بهای تمام‌شده داروی نهایی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین تغییر نرخ ارز این مواد به‌معنای افزایش قابل‌توجه هزینه درمان بیماران نخواهد بود.»

هاشمی تصریح کرد: «سیاست وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو همچنان بر تأمین پایدار دارو، حمایت از تولید داخل و جلوگیری از انتقال فشار مالی به بیماران استوار است. اهمیت این سیاست در شرایط تحریمی و محدودیت‌های منطقه‌ای دوچندان می‌شود.»

او همچنین با دعوت از شرکت‌های دارویی برای استفاده از ظرفیت‌های مختلف به‌منظور حفظ پایداری تولید، یادآور شد: «انتشار تیترهایی مانند «حذف ارز ترجیحی دارو و آغاز موج جدید گرانی»، تصویر دقیقی از واقعیت ارائه نمی‌کند و تنها می‌تواند موجب نگرانی غیرضروری بیماران و خانواده‌ها شود؛ ازاین‌رو انتظار می‌رود در انتشار اخبار این حوزه، دقت کافی صورت گیرد.»

| خبر |

افزایش شیوع آنفلوانزا در کشور

«قباد مرادی»، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، از افزایش موارد علائم عفونت‌های تنفسی و موارد مثبت آنفلوانزا در کشور خبر داد و گفت: «در هفته بیست‌ویکم سال جاری، ۲.۷ درصد نمونه‌های تنفسی بیماران بستری از نظر آنفلوانزا مثبت بوده و تایپ B همچنان نوع غالب این ویروس است.»

مرادی اظهار کرد: «بنابر اعلام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت و براساس داده‌های نظام مراقبت دیده‌وری تنفسی، دو پاتوژن تنفسی آنفلوانزا و کووید-۱۹ در هفته بیست‌ویکم سال جاری، منتهی به مردادماه، نسبت به موارد دارای علائم عفونت‌های تنفسی در مراجعان سرپایی و بستری افزایش یافته است؛ به‌نحوی‌که ۶.۱ درصد از مراجعان سرپایی دارای علائم شبه‌آنفلوانزا و ۶.۴ درصد از مراجعان بستری دارای علائم تنفسی شدید هستند. میزان عفونت‌های تنفسی در مراجعان سرپایی و بستری در هفته گذشته، به‌ترتیب ۴.۴ و ۵.۷ درصد بود.»

او افزود: «نسبت نمونه‌های مثبت از نظر آنفلوانزا طی هفته بیست‌ویکم سال جاری در بیماران بستری و سرپایی افزایش یافته است. این نسبت در هفته مشابه سال قبل یک درصد بود. نسبت نمونه‌های تنفسی مثبت از نظر کووید-۱۹ نیز همچنان در سطح پایینی قرار دارد؛ این نسبت در هفته مشابه سال قبل ۱۱.۴ درصد بود.»

مرادی یادآور شد: «در مجموع، ۲۶۶۰ نمونه تنفسی، معادل ۹۵.۵ درصد از نمونه‌های اخذشده از بیماران بستری، آزمایش شده است که ۷۲ مورد آن از نظر آنفلوانزا مثبت بوده و معادل ۲.۷ درصد است. ۷۸.۹ درصد موارد مثبت آنفلوانزا را تایپ B تشکیل می‌دهد و همچنان تایپ غالب به حساب می‌آید. آنفلوانزای نوع A، تایپ غالب در مقطع زمانی مشابه سال گذشته بود.»

به گفته او، دو استان بوشهر و خوزستان به‌ترتیب با ۲۹.۳ و ۱۱.۱ درصد موارد مثبت آنفلوانزا، بالاتر از آستانه هشدار بالا قرار دارند. همچنین چهارمحال‌وبختیاری با ۵.۶ درصد موارد مثبت آنفلوانزا، پایین‌تر از آستانه هشدار پایین است.

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت در پایان گفت: «۴۱.۶ درصد موارد مثبت آنفلوانزا به گروه سنی کودکان تعلق دارد؛ ۶.۹ درصد موارد مثبت آنفلوانزا مربوط به گروه سنی کمتر از ۲ سال است. همچنین گروه‌های سنی ۲ تا ۵ سال و ۶ تا ۱۵ سال، به‌ترتیب ۱۳.۹ و ۲۰.۸ درصد از موارد مثبت آنفلوانزا را به خود اختصاص داده‌اند.» | ایلنا

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان گیلان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۵۵۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مرتضی بخشی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۶۸ صادره از کرج در ششدانگ یکقطعه زمین مشتمل بر یک باب انباری به مساحت ۳۵۶/۷۷ مترمربع پلاک فرعی ۸۴۸ از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۳ فرعی از ۴۹ اصلی بخش ۲۴ گیلان واقع در قریه چکوسر خریداری از مالک رسمی آقای میرزا حسن کاظم‌زاده چکوسری (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۳۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۱۵
نعمت ذوقی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۲۵۶۱۰۳ م الف: ۹۷۵

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک شفت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی واراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۲۷۸۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالخالق مقتدر عثماوندانی فرزند حسین شماره شناسنامه ۲ صادره از شفت در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب انباری به مساحت ۵۰۰ مترمربع می‌باشد.

به شماره پلاک ثبتی فرعی ۷۹ مجزی شده از پلاک ۱۰ و غیره فرعی واقع در قریه مبارک‌آباد شفت سنگ اصلی ۵۰ بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی ابراهیم علی همتی بجارسری گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت
از طرف ابوذر زرین پورحسن کیاده
شناسه آگهی: ۲۲۵۵۹۲۳ م الف: ۹۷۲

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک شفت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۲۲۴۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن صدقی فرزند رمضانعلی شماره شناسنامه ۱۰۷۰ در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب انباری به مساحت ۷۶۲/۹۵ مترمربع می‌باشد. به شماره پلاک ثبتی فرعی ۲۳۱ مجزی شده از پلاک ۳ فرعی واقع در قریه کوزه‌گران شفت سنگ اصلی ۵۶ بخش ۲۴ گیلان خریداری از مالکیت رسمی داود میرزائی گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت
از طرف ابوذر زرین پورحسن کیاده
شناسه آگهی: ۲۲۵۵۷۵۰ م الف: ۹۶۸

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۵۶۶۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامرضا شیبانی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۴ صادره از تربت‌حیدریه نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت کل ۱۷۴/۴۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۴/۳۹/۵۰۰ فرعی از پلاک شماره ۲۴۲ اصلی واقع در اراضی منصوریه دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه خریداری و انتقال ملک از محل مالکیت مشاعی متقاضی و برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۵۶۶۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم خدیجه باقری قلعه جوقی فرزند عباسعلی به شماره شناسنامه ۳۸۵ صادره از تربت‌حیدریه نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت کل ۱۷۴/۴۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۴/۳۹/۵۰۰ فرعی از پلاک شماره ۲۴۲ اصلی واقع در اراضی منصوریه دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک غلامرضا شیبانی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶
سید امین موسوی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک تربت‌حیدریه
شناسه آگهی: ۲۲۵۵۸۰۷ م الف: ۴۰۵۵۴۰

نوبت دوم

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سندرسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۴۰۰۰۲۸۲۹ - ۱۴۰۵/۰۴/۱۱ مستقر در واحد ثبتی جویبار به کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۰۰۱۴۰۰۰۲۲۰ ماده یک قانون مذکور، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی منصوره فلاحی سیدزین العابدینی فرزند محمود نسبت به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۱۶۱/۰۷ مترمربع قسمتی از پلاک --- فرعی از ۱۰- اصلی واقع در قریه جویبار -کلاگرمحله بخش هفت ثبت جویبار خریداری از سیدرضی دونچالی محرز گردید.

لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نماید در غیر اینصورت اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
رییس ثبت جویبار - قدیر یوسفی‌نیا
شناسه آگهی: ۲۲۴۶۳۶۴

نوبت دوم

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۴۰۰۰۳۴۰۱ - ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ مستقر در واحد ثبتی جویبار به کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۰۰۱۴۰۰۰۳۰۹ ماده یک قانون مذکور، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مجید نهاری فرزند فیض اله نسبت به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با کاربری زراعی باغی بمساحت ۷۱ متر مربع قسمتی از پلاک --- فرعی از ۸-اصلی واقع در قریه سراجکلا بخش هفت ثبت جویبار خریداری از سید محمد ساداتیان جویباری محرز گردید. لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نماید در غیر اینصورت اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
رییس ثبت جویبار - قدیر یوسفی‌نیا
شناسه آگهی: ۲۲۴۶۳۸۴

نوبت اول

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم‌شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه آبمال پلاک ۳۲ اصلی بخش ۱۶

۲۹۴ فرعی بنام آقای/ خانم منصور یوسفیان قادیکلائی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۳۳ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای/ خانم باباعلی یوسفیان مالک رسمی

- لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نماید در غیر اینصورت اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
مرتضی قاسم‌پور
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم‌شهر
شناسه آگهی: ۲۲۴۹۴۶۸

شهرداری الیگودرز حدود ۱۵ هزار مترمربع از بستر رودخانه داخل شهر را آسفالت کرده است

قیـــر، رودخانه را پوشاند

عضو شبکه محیط زیست و منابع طبیعی لرستان: این اتفاق جدید نیست و حدود دو دهه است که به‌دلیل ساخت سد و کانال‌کشـــی برای کشاورزی، آبی از این منطقه رد نمی‌شود؛ رودخانـــه به زباله‌دانی بدل شده و روی آن آسفالت ریخته‌اند

| فارس |

| فروغ فکری |
| روزنامه‌نگار |

شهرداری الیگودرز حدود ۱۵ هزار مترمربع از بستر رودخانه داخل شهر را آسفالت کرده است. استدلال مدیریت شهری این است که این بخش از رودخانه در بیشتر ایام سال خشک است و می‌توان از آن برای ایجاد فضای شهری، پارکینگ فصلی، ساماندهی دست‌فروشان و برخی فعالیت‌های خدماتی استفاده کرد. شهردار الیگودرز همچنین گفته است که برای اجرای این طرح از تجربه برخی شهرهای دیگر استفاده شده و در این زمینه به شهر قم اشاره کرده است. اما در صحبت‌های او نیامده است که بستن راه رودخانه با آسفالت چه تبعاتی برای شهر و محیط زیست شهری دارد. در هیچ‌یک از این صحبت‌ها نیامده است که چطور و بر اساس چه برآوردی راه یک رود با ریختن آسفالت بسته می‌شود. اتفاقاً تجربه قم و شیراز در این زمینه تا چه میزان منفی بوده و هنگام سیلاب چه وضعی برای این مناطق پیش آمده است. رئیس اداره حفاظت محیط زیست لرستان هم به «پیام ما» می‌گوید این کار بدون مطالعه و استعلام از دستگاه‌های متولی انجام شده و به همین دلیل، کار متوقف شده است.

«قیر ارزان است، پس آسفالت می‌کنند.» این را «حمید کاویان»، عضو شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی استان لرستان، در واکنش به آسفالت کردن رود فصلی از سوی شهرداری الیگودرز می‌گوید؛ کسی که ناامید است و هر روز، دیدن وضعیت مدیریت شهری و محیط زیست بیش‌ازپیش آزارش می‌دهد. او می‌گوید با شهردار صحبت کرده و آن‌ها توانایی رسیدگی به این رود را ندارند. رودخانه به محل ریختن زباله بدل شده و بهترین راه از نظر آن‌ها، پوشاندن رود با آسفالت بوده است. اما این اتفاق جدید نیست و حدود دو دهه است که به‌دلیل ساخت سد و کانال‌کشی برای کشاورزی، آبی از این منطقه رد نمی‌شود؛ رودخانه به زباله‌دانی بدل شده و روی آن آسفالت ریخته‌اند: «این رود پرآب نبود، اما این اتفاق جدید نیست. قبلاً هم کف رودخانه خرم‌آباد بتن ریخته شد؛ حالا بتن گران است و از آسفالت در این نقطه استفاده شده است.»

چون این رود به محل ریختن زباله بدل شده و مردم از این وضعیت ناراضی بودند، حالا به‌جای آنکه مسئله زباله و فاضلاب حل شود، روی رود را پوشانده‌اند: «داخل رود پر از زباله بود، رودی هم در جریان نبود و این‌ها بهترین راه را به‌جای پاک‌سازی و لایروبی، پوشاندن سطح رود دانستند. متأسفانه مردم هم رعایت نمی‌کردند و زباله‌هایشان را اینجا رها می‌کردند، اما چطور به روش ریختن آسفالت رسیده‌اند، نمی‌دانم.»

کاویان می‌گوید وضعیت در شهرهای دیگر هم بهتر نیست و رودهای استان وضعیت نامناسبی دارند. نمونه‌اش تیره‌رود در شهر دورود است: «فاضلاب ۲۵۰ هزار نفر به این رود می‌ریزد و این رود مستقیم به آبشار بیشه می‌رود. مردم هم به کنار این آبشار می‌روند و درون آن شنا می‌کنند. همه‌چیز این وضعیت فاجعه است.»

«کامران فرمانپور»، رئیس اداره حفاظت محیط زیست لرستان، اما متولی این کار را اداره امور آب می‌داند و تأکید می‌کند که این کار بدون هماهنگی و استعلام از سازمان‌های ذی‌ربط، از سوی شهرداری انجام گرفته و بعد از اعتراض فعالان شهری متوقف شده است: «درحال‌حاضر کار متوقف شده است، اما هنوز نمی‌دانیم برای آن میزانی که آسفالت شده، چه برنامه‌ای قرار است اجرا شود؛ آیا قرار است آسفالت برداشته شود یا خیر.»

به‌گفته او، این رود از وسط شهر می‌گذشته و رودخانه‌ای فصلی بوده که در زمان بارش، قدرت مهار سیل را داشته است: «در سال‌های اخیر پر از کثیفی و لجن بود و منظر شهر را از بین برده بود، اما نکته اصلی اینجاست که در هیچ کجا نباید تغییری در بستر رودخانه ایجاد شود. این تغییر اکولوژیکی، چرخه طبیعی آب را برهم می‌زند و نباید این اتفاق بیفتد. در این مورد خاص هم این کار بدون مطالعه و هماهنگی با ارگان‌های متولی انجام شده و به همین دلیل، اعتراض همه دستگاه‌ها را به‌دنبال داشته و کار متوقف شده است.»

دست‌کاری بستر رودخانه شیراز، عامل تشدید سیلاب

شهرداری الیگودرز برای آسفالت کردن رودخانه فصلی این شهر به تجربه شهرهای دیگر اشاره کرده است و چون آن‌ها را موفق ارزیابی کرده، انجام چنین کاری را بدون مانع دانسته است. حال آنکه وقتی صحبت از تجربه شهرهایی چون قم یا شیراز به میان می‌آید، هم‌زمان نقدهای بسیاری هم مطرح می‌شود که نادیده گرفته شده‌اند.

در شیراز، رودخانه‌ای که در بخش‌هایی از سال به‌دلیل نبود جریان دائمی آب خشک بود، برای برخی کاربری‌های ترافیکی مورد استفاده قرار گرفت. در سال‌های گذشته، شهرداری شیراز ایجاد کنارگذر در حاشیه بستر رودخانه خشک را در دستور کار قرار داده است. معاون فنی و عمرانی شهرداری شیراز نیز در سال ۱۳۸۷ اعلام کرده بود که این کنارگذرها برای استفاده در فصل‌های خشک سال در نظر گرفته شده‌اند و در زمان بارندگی و سیلاب باید بسته شوند.

این تجربه البته بدون هشدار و پیامد نبود. پس از سیلاب‌های شیراز، موضوع دست‌کاری بستر رودخانه خشک بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. در گزارش‌های منتشرشده درباره سیل شیراز، به آسفالت و تبدیل بخشی از مسیرهای مرتبط با رودخانه و مسیل به مسیرهای شهری اشاره شده است. همچنین فرج‌الله رجبی، شهردار وقت شیراز، در توضیح عوامل مؤثر بر سیل دی‌ماه ۱۳۸۰، ازجمله به کاهش شیب رودخانه و تنگ بودن دهانه پل‌ها اشاره کرده بود.

امروز نیز مدیریت شهری شیراز در زمان بارندگی، کنارگذرهای رودخانه خشک را می‌بندد. برای نمونه، سخنگوی شهرداری شیراز در فروردین ۱۴۰۳ اعلام کرد که با افزایش ورودی آب به رودخانه، کنارگذرهای آن برای حفظ ایمنی شهروندان مسدود شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که حتی در مدلی که استفاده از بستر رودخانه برای تردد شهری پذیرفته شده، مدیریت شهری ناچار است در زمان افزایش جریان آب، این مسیرها را از دسترس خارج کند.

سیلاب در بستر قم‌رود، پارکینگ را با خطر مواجه کرد

قم اما نمونه صریح‌تری از تغییر کاربری بستر رودخانه است. در قم، بخشی از بستر رودخانه در سال‌های گذشته برای کاربری‌های شهری، ازجمله خیابان، بلوار و پارکینگ، مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۳۸۸، محمد درویش، فعال و کارشناس محیط زیست، با اشاره به این موضوع هشدار داده بود که تبدیل بخشی از بستر رودخانه به پارکینگ و ایجاد سازه‌های شهری، مسیر طبیعی عبور سیلاب را تنگ کرده است. او گفت پیش از آن نیز این موضوع را با مسئول پارکینگ شهرداری قم مطرح کرده و درباره خطر وقوع سیلاب هشدار داده است. به‌گفته درویش، حتی کارشناسان امور آب استان نیز با این طرح مخالف بودند.

این هشدارها چندان بی‌دلیل نبود. در فروردین ۱۳۸۸، سیلاب وارد بستر قم‌رود شد و پارکینگ‌ها و خودروهای مستقر در این محدوده را با خطر جدی مواجه کرد. سال‌ها بعد نیز احمد حاج‌حسینی مسگر، مدیرعامل وقت شرکت آب منطقه‌ای قم، اعلام کرد که وجود پارکینگ خودرو در رودخانه قم و انبوه سازه‌های ساختمانی هنگام سیلاب، مدیریت بحران را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. او همچنین گفت چهار پل موجود در بخش مرکزی رودخانه قم در وضعیت بحرانی قرار دارند و در صورت وقوع سیلاب شدید، توان عبور آب را ندارند.

اهمیت تجربه قم از این جهت است که تغییر کاربری بستر رودخانه صرفاً یک مسئله محیط زیستی باقی نماند و مستقیماً به موضوع ایمنی شهری و مدیریت سیلاب تبدیل شد. حتی در بررسی‌های تخصصی درباره رودخانه‌های شهری، مداخله شهرداری قم در رودخانه فصلی قم و اقداماتی مانند آسفالت و پارکینگ‌سازی، از نمونه‌های تعارض میان مدیریت شهری و مدیریت منابع آب عنوان شده است.

در نتیجه، آنچه امروز در الیگودرز اتفاق افتاده است را نمی‌توان کاملاً بی‌سابقه دانست، اما نمی‌توان هم گفت که در شهرهای دیگر دقیقاً همین میزان آسفالت‌ریزی در کف رودخانه انجام شده است. نمونه شیراز بیشتر به استفاده ترافیکی از بستر و حاشیه رودخانه خشک مربوط می‌شود و قم نمونه‌ای از تبدیل بستر رودخانه به پارکینگ، خیابان و سایر کاربری‌های شهری است.

وجه مشترک هر سه تجربه اما یک پرسش اساسی را مطرح می‌کند: آیا خشک بودن رودخانه در بخش عمده‌ای از سال، مجوز تبدیل بستر آن به فضای شهری است؟ تجربه قم نشان داده است که پاسخ به این سؤال نمی‌تواند فقط بر مبنای وضعیت رودخانه در روزهای خشک داده شود؛ زیرا همان بستری که در تابستان پارکینگ یا مسیر تردد است، ممکن است در زمان بارش شدید به مسیر عبور سیلاب تبدیل شود.

از این منظر، پرونده الیگودرز بیش از آنکه صرفاً درباره «آسفالت یک رودخانه» باشد، درباره نحوه مواجهه شهرهای ایران با رودخانه‌های فصلی و بسترهای سیلابی درون‌شهری است؛ اینکه آیا می‌توان برای چنین بسترهایی کاربری شهری تعریف کرد و درعین‌حال، ظرفیت عبور سیلاب و کارکرد طبیعی رودخانه را حفظ کرد یا نه. پرسش‌هایی که مسئولان شهری صرفاً با اشاره به تجربه سایر شهرها از پاسخ به آن‌ها درمی‌مانند و البته در این میان، نگرانی از سیلاب در آینده این شهرها هم همچنان بالاست.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست لرستان: در هیچ کجا نباید تغییری در بستر رودخانه ایجاد شود این تغییر اکولوژیکی چرخه طبیعی آب را برهم می‌زند و نباید این اتفاق بیفتد. در این مورد خاص هم این کار بدون مطالعه و هماهنگی با ارگان‌های متولی انجام شده و به همین دلیل اعتراض همه دستگاه‌ها را به‌دنبال داشته و کار متوقف شده است

حمید کاویان، فعال محیط زیست: وضعیت در شهرهای دیگر هم بهتر نیست و رودهای استان وضعیت نامناسبی دارند نمونه‌اش تیره‌رود در شهر دورود است فاضلاب ۲۵۰ هزار نفر به این رود می‌ریزد و این رود مستقیم به آبشار بیشه می‌رود مردم هم به کنار این آبشار می‌روند و درون آن شنا می‌کنند همه‌چیز این وضعیت فاجعه است

| گزارش |

چرا خرس‌های یتیمی که به‌خوبی تغذیه شده‌اند در طبیعت می‌میرند؟

اپیام ماا دانشمندان شگفت‌زده شدند وقتی دریافتند از میان ۱۲ خرس گریزلی، به‌جز دو خرس، همه ظرف یک سال پس از رهاسازی تلف شدند. آن‌ها نتوانستند رژیم غذایی پرکالری خود را در طبیعت ادامه دهند و تمایل داشتند به انسان‌ها نزدیک شوند.

توله‌خرس‌های گریزلی یتیم با رژیمی سرشار از لاشه حیوانات کشته‌شده در جاده، هندوانه، غذای سگ و خوراکی‌هایی که مردم اهدا می‌کردند، به‌خوبی تغذیه و فربه شده بودند. تماس آن‌ها با مراقبان نیز به دو نفر محدود بود. سپس، پس از گذراندن حداکثر یک سال در مراکز توان‌بخشی، دوباره به زیستگاه طبیعی خود در «بریتیش‌کلمبیا» بازگشتند.

دکتر «لانا ام. چیارنیلو»، متخصص خرس که در مطالعه اخیر سرنوشت این خرس‌های یک‌ساله کانادایی را دنبال کرده است، می‌گوید: «این کار حس خوبی ایجاد می‌کند؛ وقتی در قفس باز می‌شود، مردم احساس خوبی پیدا می‌کنند.»

به‌گفته او، این تصور وجود دارد که خرس‌ها پس از بازگشت به زیستگاه طبیعی خود، به‌خوبی زندگی می‌کنند. اما «واقعیت این است که دیگر کسی سرنوشتشان را پیگیری نمی‌کند.»

وقتی چیارنیلو سرنوشت این خرس‌ها را بررسی کرد، یافته‌های تلخ او را شگفت‌زده کرد. از ۱۲ خرسی که امکان پایش آن‌ها وجود داشت، همه به‌جز دو خرس ظرف یک سال مردند. بیشتر آن‌ها حتی پیش از نخستین زمستان و دوره خواب زمستانی‌شان تلف شدند.

او نتیجه گرفت که ممکن است این خرس‌های جوان، ناخواسته، از همان ابتدا برای شکست آماده شده باشند.

این خرس‌ها آن‌قدر تغذیه شده بودند که وزنشان به ۳٫۵ برابر خرس‌های یک‌ساله‌ای رسیده بود که در طبیعت رشد کرده‌اند. ظاهراً جثه بسیار بزرگشان به عاملی محدودکننده تبدیل شده بود و پس از رهاسازی نمی‌توانستند کالری مورد نیاز بدنشان را تأمین کنند.

برخی از خرس‌ها نیز ظاهراً ترسی از انسان‌ها نداشتند. یکی از ماده‌خرس‌ها بارها به کارگران معدن نزدیک می‌شد تا غذا پیدا کند.

یادگیری زندگی در طبیعت از مادر

پروژه‌های نجات و رهاسازی حیوانات معمولاً با استقبال زیادی از سوی مردم روبه‌رو می‌شوند، اما این مطالعه هشدار می‌دهد که اگر چنین پروژه‌هایی خرس‌هایی را تولید کنند که توانایی لازم برای زندگی در طبیعت را ندارند، این اقدامات بیشتر نوعی «مدیریت دلسوزانه» هستند تا ابزاری مؤثر برای حفاظت.

آموزش دادن به یک توله‌خرس برای پیدا کردن غذا و دوری از خطرها، در شرایطی که مراقبت مادری بسیار کمی دریافت کرده یا اصلاً چنین مراقبتی نداشته است، بسیار دشوار است؛ به‌خصوص وقتی هم‌زمان باید مراقب بود حیوان به تماس با انسان عادت نکند.

«کریس سروین»، رئیس مشترک تیم تخصصی خرس‌های آمریکای شمالی در «اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت» (IUCN)، می‌گوید خرس‌ها شیوه زندگی را طی دو تا سه سال از مادرشان یاد می‌گیرند.

او می‌گوید: «مادر به آن‌ها یاد می‌دهد چه چیزی بخورند و در زمان‌های مختلف سال برای پیدا کردن غذا به کجا بروند، از چه چیزهایی دوری کنند و از چه چیزهایی بترسند.»

او اضافه می‌کند: «وقتی یک حیوان یتیم می‌شود، مردم می‌خواهند از آن مراقبت کنند. مشکل اینجاست که ما انسان‌ها در نگهداری از بچه‌حیوانات چندان کارآمد نیستیم.»

آیا تغذیه بیش از حد می‌تواند خرس را برای زندگی در طبیعت نامناسب کند؟ راهنمای کلی که بر اساس پژوهش‌های مربوط به خرس سیاه آمریکایی تدوین شده، نشان می‌دهد جثه بزرگ‌تر می‌تواند برای خرس‌های توان‌بخشی‌شده در برابر شکارچیان مزیت ایجاد کند. بر این اساس، وزن مناسب برای رهاسازی حدود ۱٫۵ برابر وزن یک خرس هم‌سن‌وسال است که در طبیعت رشد کرده کرده باشد.

اما مطالعه چیارنیلو نشان می‌دهد عبور از این حد ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد.

خرس‌هایی که او بررسی کرد، ۳٫۵ برابر خرس‌های یک‌ساله وحشی وزن داشتند و دریافت کالری زیاد باعث افزایش تمام شاخص‌های بدنی آن‌ها، از جمله طول بدن، دور قفسه سینه و دور گردن، شده بود.

چیارنیلو می‌گوید: «آن‌ها فقط یک مشت خرس چاق و تپل نیستند. مسئله ساختار اسکلتی است. وقتی چنین جثه بزرگی پیدا می‌کنید، حالا باید آن را حفظ کنید.»

او این وضعیت را یک «تله متابولیک» می‌نامد.

دو ماده‌خرس که در مناطقی بدون دسترسی به ماهی سالمون رها شده بودند، به‌طور میانگین روزانه ۰٫۴۸ کیلوگرم وزن از دست دادند. حتی در مناطقی که منابع غذایی فراوان بود، خرس‌ها نمی‌توانستند به‌اندازه کافی غذا بخورند.

چیارنیلو که رئیس مشترک تیم تخصصی تعارض انسان و خرس در IUCN نیز هست، می‌گوید ایجاد یک ذخیره وزنی اندک برای خرس‌ها منطقی است، اما تغذیه بیش از حد می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.

خرس‌هایی که هنوز انسان را با غذا مرتبط می‌دانستند

پیش از این، کارشناسان تصور می‌کردند اگر خرس‌ها پس از رهاسازی به مدت دو هفته با انسان تماس نداشته باشند، آشنایی ایجادشده میان آن‌ها و انسان از بین می‌رود.

اما این خرس‌ها حتی پس از دوره‌های بسیار طولانی‌تر زندگی در طبیعت و بدون تماس با انسان، همچنان انسان را با غذا مرتبط می‌کردند.

خرسی ماده به نام «سیگی» (Siggi)، ۵۹ روز را در منطقه‌ای کوهستانی و دورافتاده سپری کرد تا اینکه با کارگران یک معدن روبه‌رو شد. او به سراغ ذخایر غذایی کارگران رفت و غذاهایشان را غارت کرد.

حتی صدای بلند یک هلیکوپتر هم نتوانست او را منصرف کند. پس از این حادثه، سیگی کشته شد. او یکی از پنج خرسی بود که در درگیری با انسان‌ها جان باختند.

از میان خرس‌های باقی‌مانده نیز دو خرس به‌صورت غیرقانونی کشته شدند و سه خرس دیگر به دست خرس‌های وحشی کشته شدند.

چیارنیلو می‌گوید پرورش این خرس‌ها باید تا حد امکان بدون دخالت مستقیم انسان انجام شود: «ما نمی‌توانیم با آن‌ها مثل سگ‌هایی که غذا می‌دهیم یا بزرگ می‌کنیم، رفتار کنیم. نمی‌توانیم ساعت هشت صبح و پنج عصر، روزی دو بار، وارد محوطه‌شان شویم و به آن‌ها غذا بدهیم؛ حتی اگر فقط یک نفر این کار را انجام دهد.»

چگونه می‌توان خرس‌ها را بدون عادت دادن به انسان‌ها پرورش داد؟ پروژه‌های توان‌بخشی در نقاط دیگر جهان در حال پیدا کردن راه‌هایی برای حل این مشکل هستند.

مؤسسه «فری د برز» (Free the Bears) که در «لائوس» و «کامبوج» پناهگاه‌هایی برای خرس‌های سیاه آسیایی و خرس‌های آفتاب دارد و احتمال رهاسازی برخی از آن‌ها را بررسی می‌کند، از تیرکمان برای رساندن غذا به خرس‌ها استفاده می‌کند.

همچنین یک سامانه ویژه، صداهای فرکانس بالایی را که از قلاده خرس‌ها منتشر می‌شود، دریافت می‌کند و به کارکنان اجازه می‌دهد حرکت حیوانات را ردیابی کنند.

زمانی که قرار است وزن خرس‌ها اندازه‌گیری شود، مقداری عسل روی ترازویی درون محوطه چکانده می‌شود تا خرس تشویق شود روی آن برود.

آیا بازگرداندن خرس‌های یتیم به طبیعت کار درستی است؟

بازگرداندن خرس‌های یتیم به طبیعت موضوعی بحث‌برانگیز است؛ به‌ویژه در مناطقی که جمعیت خرس‌ها در معرض تهدید نیست.

برخی زیست‌شناسان معتقدند بهتر است منابع مالی در جای دیگری هزینه شود؛ مثلاً برای پیشگیری از تعارض میان انسان و خرس و جلوگیری از یتیم شدن خرس‌ها از همان ابتدا.

اما برخی دیگر معتقدند ما باید تا حد ممکن درباره روش‌های توان‌بخشی و رهاسازی خرس‌ها اطلاعات جمع کنیم.

دکتر «زکری دیوید»، مدیر برنامه پژوهشی مؤسسه «فری د برز»، می‌گوید: «این در آینده به یک ابزار ضروری حفاظت تبدیل می‌شود و به‌ویژه برای گونه‌هایی مانند خرس آفتاب که وضعیت خوبی ندارند، باید مورد استفاده قرار گیرد.»

«بنیاد خرس گریزلی» اعلام کرده است که یافته‌های این پژوهش، که قرار است در قالب گزارشی درباره بهترین شیوه‌های اجرایی نیز منتشر شود، کمک می‌کند تا علم و پژوهش در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات آینده در «بریتیش‌کلمبیا» ـ جایی که بازگرداندن خرس‌ها به طبیعت در حال حاضر امکان‌پذیر است ـ و همچنین در سایر مناطقی که درباره روش‌های موجود تصمیم‌گیری می‌کنند، نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

خرس قهوه‌ای، که گریزلی یکی از زیرگونه‌های آن است، در سطح جهان در معرض خطر انقراض قرار ندارد. اما جمعیت‌های کوچک و منزوی زیادی از این گونه وجود دارند که در معرض تهدید هستند.

چیارنیلو امیدوار است نتایج تحقیقاتش بتواند به تلاش‌ها برای حفاظت از جمعیت‌های خرس در «اروپا» و «آسیا» نیز کمک کند.

او می‌گوید: «نگرانم که اگر نتوانیم راه‌حل این مسئله را پیدا کنیم، آن خرس‌ها از بین بروند.» | گاردین

این خرس‌ها آن‌قدر تغذیه شده بودند که وزنشان به ۳٫۵ برابر خرس‌های یک‌ساله‌ای رسیده بود که در طبیعت رشد کرده‌اند ظاهراً جثه بسیار بزرگشان به عاملی محدودکننده تبدیل شده بود و پس از رهاسازی نمی‌توانستند کالری مورد نیاز بدنشان را تأمین کنند

| خبر |

انسان‌ها یاد گرفته‌اند از «حشرات» بترسند

کریس پکام، طبیعت‌شناس و فعال محیط زیست: ما بیش از حد بسیاری از جانوران را «حشره» یا «موجود موذی» تلقی می‌کنیم. اگر چیزی حشره به حساب بیاید، خیلی زود ممکن است به «آفت» تبدیل شود. بسیاری از ما ترسی آموخته‌شده و نه ذاتی از هر چیزی داریم که شش پا یا شاخک داشته باشد.

من از طرفداران پروپاقرص بی‌مهرگان هستم و رقابت «بی‌مهره سال» «گاردین» را دوست دارم، چون توجه مردم را به موجودات کوچک جلب می‌کند، نه ستاره‌های معمول دنیای حیوانات، یعنی پانداها، ببرها و اورانگوتان‌ها. بیش از یک میلیون گونه بی‌مهره روی سیاره ما زندگی می‌کنند و این موجودات، با تنوع و بوم‌شناسی گوناگونشان، اغلب زندگی‌هایی بسیار پیچیده‌تر و جالب‌تر از جانوران بزرگ و مهره‌دار مثل ما دارند.

ما فوراً باید آگاهی بسیار گسترده‌تری درباره زیبایی و اهمیت این موجودات ایجاد کنیم. همه این موجودات کوچک، به همان اندازه حیوانات پشمالویی که شاید دوست داشته باشیم تصویرشان را روی تقویم‌هایمان ببینیم، بخش جدایی‌ناپذیر اکوسیستم‌های ما هستند.

من همیشه در برنامه «Springwatch» تلاش کرده‌ام از بی‌مهرگان دفاع کنم. یکی از بزرگ‌ترین لذت‌هایم در سال‌هایی که مشغول فیلم‌برداری این مجموعه بودم، آشنایی با یک طبیعت‌شناس بود که درباره لیسه‌های درختی اطلاعات داشت. تمام عمرم درختانی را دیده بودم که رد لزج این جانوران روی تنه‌شان بالا می‌رفت، اما هرگز به ذهنم نرسیده بود که نردبانی بردارم و دقیق‌تر بررسی کنم. اینکه فهمیدم این لیسه‌ها هر شب بیرون می‌آیند، خودشان را به بالای درختان بلوط می‌رسانند و پیش از طلوع آفتاب دوباره به پایین می‌خزند، شگفت‌انگیز بود. همه این اتفاق‌ها هم درست آن طرف حصار خانه‌مان رخ می‌داد.

من ۶۵ سال دارم و چند روز پیش در آشپزخانه‌ام حشره‌ای را گرفتم که پیش از آن هرگز به فکر شناسایی‌اش نیفتاده بودم. معلوم شد یک زنبور انگلی است؛ یکی از بیش از ۳۳۰ گونه جنس «Netelia»، از خانواده زنبورهای ایکنومون.

این زنبور به رنگ دارچینی بود و چشم‌های بسیار بزرگی داشت، چون شب‌فعال است و روی لارو پروانه‌های بزرگ انگل می‌شود. حتی برای انسان نیش بسیار قدرتمندی دارد که من اصلاً از آن خبر نداشتم.

ما دائماً در حال کشف جهان‌های شگفت‌انگیز و متفاوتی هستیم که درست در اطرافمان در حال شکل‌گیری‌اند. در این جهان بی‌مهرگان، گنجینه‌ای عظیم از شگفتی و جذابیت وجود دارد که فقط منتظر است آن را کشف کنیم.

یک بار به ساحلی در فلوریدا رفتم که خرچنگ‌های نعل‌اسبی برای تخم‌ریزی به آنجا آمده و مرده بودند. تعدادشان آن‌قدر زیاد بود که نمی‌توانستی روی ساحل راه بروی. انگار با نوعی آخرالزمان ژوراسیک روبه‌رو شده بودی. واقعاً شگفت‌انگیز بود.

درباره برنده امسال، یعنی گوسفند دریایی برگ‌مانند، تا پیش از آنکه نامش در فهرست نهایی «گاردین» قرار بگیرد، چیز زیادی نمی‌دانستم. بعد کمی درباره‌اشاش مطالعه کردم. از نظر ظاهری، این جانور از آن موجوداتی است که انگار مستقیماً از سیاره‌ای دیگر آمده است؛ ساختار بدن و چرخه زندگی فوق‌العاده‌ای دارد.

اینکه جلبک را وارد بدن خود کنی و از آن برای تأمین انرژی استفاده کنی؛ فقط چهار و نیم میلیارد سال تکامل می‌توانسته چیزی تا این حد عجیب‌وغریب به وجود بیاورد. واقعاً فوق‌العاده است.

شناختن این جانوران و جشن گرفتن وجودشان مهم است، اما می‌خواهیم بدانیم برای کمک به آن‌ها چه کاری می‌توانیم انجام دهیم.

وسوسه‌انگیز است که بگوییم منابع شهد ایجاد کنید و اگر آن‌قدر خوش‌شانس هستید که باغ دارید، اجازه دهید باغتان کمی وحشی و دست‌نخورده بماند. ما از ایجاد فضا برای این موجودات در محله‌های محل زندگی‌مان لذت می‌بریم و این خودش یک مبارزه است؛ اما با این کار نمی‌توانیم در جنگ پیروز شویم.

زمان دارد از دست می‌رود و ما در بریتانیا باید برای وضع مقررات بهتر درباره آفت‌کش‌ها تلاش کنیم. فرانسه این کار را انجام داده و مصرف آفت‌کش‌ها در زمین‌های کشاورزی را کاهش داده است.

ما در سال ۲۰۱۸ استفاده از حشره‌کش را ممنوع کردیم، اما امسال دوباره استفاده از آن‌ها برای «مصرف اضطراری» در مزارع چغندرقند مجاز اعلام شده است. این موضوع باید با اعتراض گسترده روبه‌رو شود.

ما به مردم نیاز داریم تا دولت را تحت فشار بگذارند تا مصرف آفت‌کش‌ها را اصلاح و کاهش دهد. ما اکنون در نقطه‌ای از بحران مطلق در رابطه‌مان با جهان طبیعی قرار داریم و باید از بی‌مهرگان محافظت کنیم.

اگر می‌خواهیم حیات بی‌مهرگان و در نتیجه خفاش‌ها، پرندگان و همه موجودات دیگر، از جمله خود ما، بتوانند به حیات و شکوفایی ادامه دهند، باید آگاهی عمومی گسترده‌تری درباره آن‌ها و اهمیتشان ایجاد کنیم.

آگاهی خوب است، اما کافی نیست. ما باید دست به عمل بزنیم. | گاردین

| خبر |

صالحی‌امیری در اجلاس گردشگری بریکس ۲۰۲۶:

جهان امروز بیش از اقتصادهای تاب‌آور به جوامع تاب‌آور نیاز دارد

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با تأکید بر ضرورت بازتعریف مفهوم تاب‌آوری در گردشگری گفت: «جهان امروز بیش از اقتصادهای تاب‌آور، به جوامع تاب‌آور نیاز دارد و گردشگری باید به پلی میان ملت‌ها تبدیل شود؛ پلی که فرهنگ‌ها را به یکدیگر پیوند دهد، امید را احیا کند، از جوامع حمایت کند و به صلح پایدار یاری رساند.» سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی جمهوری اسلامی ایران، در سخنرانی خود در اجلاس وزرای گردشگری بریکس ۲۰۲۶ در هند، از دولت جمهوری هند برای میزبانی شایسته این نشست قدردانی کرد. او همچنین از سازمان بریکس برای قرار دادن مفاهیمی همچون تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و پایداری و رویکرد «مردم‌مدار به آینده مشترک بشریت» در کانون مباحث اجلاس قدردانی کرد و بر ضرورت تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای شکل‌دهی به آینده‌ای انسان‌محور در صنعت گردشگری تأکید کرد. او با اشاره به شرایط پیچیده و پرتنش حاکم بر جهان اظهار کرد: «این مفاهیم در شرایطی که جهان با بحران‌ها و منازعات ویرانگر و عمیقی مواجه است، معنایی بسیار فراتر و عمیق‌تر پیدا می‌کنند.» وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در ادامه، تجاوز نظامی به ایران را محکوم کرد و گفت: «در این فرصت، تجاوز ویرانگر دشمنان ملت ایران به وطن عزیزم را با صراحت و قاطعیت محکوم می‌کنم؛ جنگی که رنج عمیقی بر ملت ایران تحمیل کرد و بیش از چهار هزار انسان بی‌گناه، از جمله ۱۶۸ کودک بی‌دفاع و مظلوم در مدرسه شجره طیبه میناب، همچنین غیرنظامیان و شماری از چهره‌های برجسته علمی، فکری و فرهنگی را به شهادت رساند.» صالحی‌امیری افزود: «این تجاوز همچنین به ۱۴۹ اثر و محوطه تاریخی و فرهنگی، از جمله پنج اثر ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی، آسیب جدی وارد کرد و نگرانی‌های مهمی را درباره حفاظت از میراث‌فرهنگی به وجود آورد.» او تأکید کرد: «این تجربه تلخ، توجه ما را بیش‌ازپیش به اهمیت واقعی رویکرد «مردم‌مدار به آینده مشترک بشریت» معطوف می‌کند. اگر آینده بشریت را در اولویت قرار داده‌ایم، حفاظت از جان انسان‌ها، پاسداشت کرامت انسانی، صیانت از جوامع و حفاظت از میراث‌فرهنگی مشترک باید در مرکز همکاری‌های بین‌المللی ما قرار گیرد.» وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با اشاره به جایگاه تاریخی و تمدنی ایران گفت: «ایران به‌عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان، در این ای ایام این رسالت جهانی را عمیقاً درک می‌کند و اینجاست که مفهوم تاب‌آوری اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.» صالحی‌امیری تصریح کرد: «تاب‌آوری نباید فقط به‌معنای توانایی یک مقصد گردشگری برای عبور از یک بحران باشد. تاب‌آوری واقعی به‌معنای توانایی انسان‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها برای حفظ هویت خود، بازسازی معیشت و زندگی و بازیابی توان و کرامت خویش است.» او با بیان اینکه آینده گردشگری در گرو توجه به جامعه و انسان است، گفت: «جهان امروز بیش از اقتصادهای تاب‌آور، به جوامع تاب‌آور نیاز دارد.» وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ادامه داد: «جهان به همکاری به‌جای تقابل، گفت‌وگو به‌جای تفرقه و تفاهم فرهنگی به‌جای خصومت نیاز دارد.»

| ایسنا |

آتش در قلب بافت تاریخی گرگان

زنگ خطر ایمنی به صدا درآمد

فیلم سوختن بخشی از بافت تاریخی گرگان در حریق، یکی از دردناک‌ترین فیلم‌های منتشرشده در فضای مجازی در هفته گذشته بود. همزمانی این حادثه با درخواست «بابک زنجانی» برای سرمایه‌گذاری و واگذاری بیش از ۵۰ هکتار از بافت تاریخی گرگان، بسیار پرسش‌برانگیز است.

| صبا رضایی |
| روزنامه‌نگار |

حریقی که به‌سرعت وسعت گرفت

آتش‌سوزی در ضلع شمال‌غربی میدان شهرداری گرگان، بیش از ۲۰ مغازه در محدوده بازار نعلبندان را درگیر کرد؛ حریقی که به‌دلیل وجود سقف‌ها و عناصر چوبی، پیوستگی واحدهای تجاری و ویژگی‌های معماری این بناها، به‌سرعت گسترش یافت و عملیات اطفای آن را دشوار کرد. حریق حدود ساعت ۱۹:۱۵ دوشنبه ۲۶ مرداد از یکی از واحدهای تجاری آغاز شد و به مغازه‌های مجاور سرایت کرد. نیروهای آتش‌نشانی گرگان از شش ایستگاه به محل اعزام شدند و نیروهای آتش‌نشانی شهرهای قرق و جلین نیز برای پشتیبانی به عملیات پیوستند. تراکم ساختمان‌ها، محدودیت عرض معابر و توقف خودروها در حاشیه خیابان، دسترسی خودروهای سنگین آتش‌نشانی را دشوار کرد. همزمانی آتش‌سوزی با حضور شهروندان در میدان شهرداری نیز به حضور نیروهای انتظامی، بسیج و دیگر دستگاه‌های خدمات‌رسان برای مدیریت شرایط منجر شد.

این بخش از شهر در مجاورت بازار تاریخی نعلبندان و در قلب بافت تاریخی گرگان قرار دارد؛ محدوده‌ای با بناهای عمدتاً سنتی که در ساختار برخی از آن‌ها عناصر چوبی و مصالح قدیمی به‌کار رفته است.

آسیب به سقف و عناصر چوبی

«مسعود زیارتی»، مدیر روابط‌عمومی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان گلستان، درباره میزان آسیب واردشده به بافت تاریخی گرگان می‌گوید: «حریق در بخش تجاری رخ داده و به‌سرعت کنترل شده و به بخش‌های دیگر سرایت نکرده است.»

او با اشاره به وضعیت جداره اصلی میدان شهرداری گرگان می‌افزاید: «جداره اصلی آسیب جدی ندیده و عمده آسیب‌ها مربوط به سوختگی در بخش‌هایی از سقف و عناصر چوبی بوده است.»

زیارتی درباره علت اولیه آتش‌سوزی نیز می‌گوید: «براساس اطلاعاتی که تاکنون اعلام شده، موضوع سیم‌کشی و سیم‌های برق مطرح بوده است، اما علت دقیق حادثه باید از سوی مراجع کارشناسی مشخص شود.»

او درباره اقدامات پس از حادثه نیز می‌افزاید: «برآورد خسارت در حوزه معاونت میراث فرهنگی در حال انجام است و برای بازسازی و مرمت نیز برنامه‌هایی در دست پیگیری قرار دارد.»

مدیر روابط‌عمومی اداره‌کل میراث فرهنگی استان گلستان ادامه می‌دهد: «در حوزه معاونت میراث فرهنگی، طرح‌های حمایتی برای مرمت وجود دارد و کسبه‌ای که برای اجرای طرح‌های مرمتی و حفاظتی نیاز به حمایت داشته باشند، می‌توانند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند.»

ایمنی بافت تاریخی؛ مسئله‌ای فراتر از مرمت

آتش‌سوزی اخیر بار دیگر مسئله ایمنی در بافت تاریخی گرگان را مطرح کرده است. در محدوده‌ای که فعالیت‌های تجاری در ساختمان‌های قدیمی جریان دارد، دسترسی محدود خودروهای امدادی، فرسودگی برخی بناها، وضعیت سیم‌کشی و وجود عناصر چوبی می‌تواند هنگام وقوع حادثه، خطر گسترش آتش را افزایش دهد. حفاظت از بافت تاریخی تنها به جلوگیری از تخریب یا تغییر شکل بناها محدود نمی‌شود. ایمن‌سازی ساختمان‌ها، اصلاح زیرساخت‌های فرسوده، ساماندهی شبکه برق و آب و فراهم‌کردن مسیر مناسب برای دسترسی نیروهای امدادی نیز بخشی از این فرایند است.

اکنون با مهار آتش و آغاز بررسی میزان خسارت، مسئله اصلی به مرحله بعدی رسیده است؛ اینکه وضعیت ایمنی ساختمان‌های قدیمی این محدوده چگونه ارزیابی می‌شود و چه اقداماتی برای کاهش خطر حوادث مشابه در بافت تاریخی گرگان در نظر گرفته می‌شود.

آتش‌سوزی به جداره اصلی میدان شهرداری گرگان آسیب جدی نزده است

فرسودگی سیم‌کشی در بافت تاریخی گرگان، به‌عنوان علت احتمالی آتش‌سوزی خطرناکی مطرح شده است که آسیب‌هایی به بافت تاریخی و بازار گرگان وارد کرد.

مسعود زیارتی میگوید:«جداره اصلی میدان شهرداری گرگان آسیب جدی ندیده و عمده آسیب‌های ایجادشده مربوط به سوختگی در بخش‌هایی از سقف است. با توجه به اینکه در قسمت‌هایی از این بنا از چوب استفاده شده، بیشتر خسارت نیز به‌شکل سوختگی در سقف و عناصر چوبی بوده است.»

زیارتی درباره علت وقوع آتش‌سوزی نیز می‌گوید: «طبق اطلاعات اولیه‌ای که اعلام شده، موضوع به سیم‌کشی و سیم‌های برق مربوط بوده که از مدت‌ها پیش در این محل وجود داشته است.»

او درباره اقدامات پس از حادثه و برنامه‌های مرمتی بیان می‌کند: «در حال حاضر، برآورد خسارت در حوزه معاونت میراث فرهنگی در حال انجام است و پس از مشخص‌شدن میزان خسارت، اقدامات لازم برای بازسازی و مرمت دنبال می‌شود.»

مدیر روابط‌عمومی اداره‌کل میراث فرهنگی استان گلستان ادامه می‌دهد: «در حوزه معاونت میراث فرهنگی، طرح‌های حمایتی برای مرمت بناهای تاریخی وجود دارد و اگر کسبه این محدوده برای مرمت و اجرای طرح‌های حفاظتی نیاز به حمایت داشته باشند، این طرح‌ها در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد.»

او درباره وضعیت زیرساخت‌های محدوده تاریخی می‌گوید: «برای ساماندهی زیرساخت‌هایی مانند برق و آب، همکاری شهرداری گرگان و سایر دستگاه‌های متولی ضروری است. انتقال و اصلاح این زیرساخت‌ها نیازمند اجرای عملیات عمرانی و در برخی موارد حفاری در کف معابر است و باید با هماهنگی دستگاه‌های مربوط انجام شود.» زیارتی درباره وضعیت دسترسی خودروهای امدادی و تجهیزات آتش‌نشانی نیز بیان می‌کند: «با توجه به اینکه معابر این محدوده چندان عریض نیستند، تردد برخی تجهیزات آتش‌نشانی با محدودیت‌هایی مواجه است. بااین‌حال، سیستم آبرسانی آتش‌نشانی در بخش‌هایی از محدوده اجرا شده و اقدامات لازم در این زمینه در حال پیگیری است.»

او تأکید می‌کند: «در حال حاضر، برآورد دقیق خسارت در دست انجام است و همزمان برنامه‌های لازم برای اقدامات مرمتی و حفاظتی نیز در حال پیگیری است.»

جداره اصلی میدان شهرداری گرگان آسیب ندیده است

زیارتی درباره امکان سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی گرگان می‌گوید: «ما نیز مانند سایر دستگاه‌ها این ظرفیت را در نظر گرفته‌ایم که سرمایه‌گذار بتواند در این محدوده فعالیت کند. ایجاد کافه، رستوران، مراکز اقامتی و کافه‌گالری از جمله کاربری‌هایی است که می‌تواند در چارچوب ضوابط بافت تاریخی شکل بگیرد. حتی دولت نیز در حال تعریف مسیری فرهنگی در این محدوده است و طبیعتاً می‌توان برای حضور سرمایه‌گذاران در چنین طرح‌هایی برنامه‌ریزی کرد.» زیارتی درباره همزمانی مطرح‌شدن موضوع سرمایه‌گذاری بابک زنجانی در محدوده بافت تاریخی گرگان و وقوع آتش‌سوزی می‌گوید: «بخشی که آتش‌سوزی در آن رخ داده، عمدتاً در مالکیت مردم است و بسیاری از مالکان نیز تمایلی به فروش املاک خود ندارند. این محدوده در مرکز شهر و در مسیر اصلی طلافروشان قرار دارد و ارزش املاک در آن بالاست؛ بنابراین، اینکه کسی بخواهد به‌راحتی ملک خود را بفروشد، موضوعیت چندانی ندارد.» او ادامه می‌دهد: «در حال حاضر، ملکی در این محدوده نداریم که به‌عنوان ملک قابل‌فروش در اختیار ما باشد. حتی پس از آتش‌سوزی نیز بسیاری از مالکان همان املاک را در حال مرمت هستند و تاکنون کسی برای دریافت کمک یا تسهیلات مرمتی به ما مراجعه نکرده است. خود مالکان در حال انجام اقدامات لازم هستند.»

هنوز خسارت واقعی برآورد نشده است

مدیر روابط‌عمومی اداره‌کل میراث فرهنگی استان گلستان درباره میزان خسارت واردشده به بافت تاریخی می‌گوید: «اگر بخواهیم ابعاد حادثه را در مقایسه با کل بافت در نظر بگیریم، میزان خسارت بسیار محدود است. کل بافت تاریخی حدود ۱۵۰ هکتار وسعت دارد و محدوده آسیب‌دیده بخش کوچکی از این بافت است.»

او درباره علت وقوع آتش‌سوزی اظهار می‌کند: «براساس آنچه تاکنون از سوی آتش‌نشانی اعلام شده و در اخبار نیز منتشر شده، موضوع سیستم‌های برق و سیم‌کشی مطرح بوده است.»

ورود بابک زنجانی برای سرمایه‌گذاری

از زمانی که طرح همکاری و سرمایه‌گذاری بابک زنجانی مطرح شد، آتش‌سوزی و وقایع ناگوار نیز در بافت تاریخی گرگان رخ داد؛ آن‌هم برای کسبه‌ای که قصد فروش مغازه خود را به هیچ سرمایه‌داری نداشتند.

زیارتی درباره احتمال سرمایه‌گذاری بابک زنجانی در این محدوده می‌گوید: «اگر بخواهیم فارغ از حواشی درباره این موضوع صحبت کنیم، در حد صحبت و مذاکره مطرح شده که شرکت مربوط برای سرمایه‌گذاری وارد گفت‌وگو شود، اما اینکه این موضوع به مرحله عملیاتی برسد، نیازمند طی‌شدن مراحل قانونی و بررسی‌های لازم است.» زیارتی درباره ظرفیت بناهای تاریخی بافت گرگان برای سرمایه‌گذاری می‌گوید: «در این محدوده بناهای تاریخی متعلق به دوره‌های قاجار، پهلوی اول و پهلوی دوم وجود دارد و امروز نیز نمونه‌هایی از سرمایه‌گذاری در همین بناها قابل‌مشاهده است.»

او درباره موضوع مطرح‌شده پیرامون ورود بابک زنجانی به حوزه سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی گرگان تأکید می‌کند: «برای شفاف‌شدن موضوع باید میان صحبت درباره سرمایه‌گذاری و ورود قطعی یک سرمایه‌گذار تفاوت قائل شد. اگر قرار باشد سرمایه‌گذاری در این محدوده انجام شود، باید تمام مراحل و ضوابط قانونی رعایت شود.» زیارتی می‌افزاید: «دستگاه‌های نظارتی و مجموعه‌های مسئول در حوزه معماری، شهرسازی و میراث فرهنگی نمی‌توانند ضوابط مربوط به بافت تاریخی را صرفاً به‌دلیل نام یا سابقه یک فرد کنار بگذارند. هر سرمایه‌گذاری که وارد این محدوده شود، باید مطابق قوانین، طرح‌ها و ضوابط مصوب فعالیت کند.»

حریق از یک مغازه شروع شد

«حیدر آسیابی»، رئیس‌کل دادگستری استان گلستان، درباره این حادثه می‌گوید: «آتش‌سوزی از یکی از مغازه‌های قدیمی اطراف میدان شهرداری آغاز شد و به‌دلیل شرایط خاص این واحدها، از جمله وجود سقف‌های چوبی، به مغازه‌های اطراف سرایت کرد.»

او می‌افزاید: «با حضور نیروهای آتش‌نشانی گرگان و شهرهای اطراف، عملیات اطفای حریق انجام و آتش کنترل شده است. پس از مهار حریق نیز عملیات لکه‌گیری و بررسی محل برای اطمینان از خاموش‌شدن کامل آتش ادامه داشته است.»

آسیابی درباره علت وقوع حادثه می‌گوید: «بررسی‌های اولیه، اتصالات برق را به‌عنوان علت احتمالی و اولیه آتش‌سوزی نشان می‌دهد. با توجه به تشکیل پرونده قضایی، علت دقیق حادثه و مسئولیت احتمالی افراد یا دستگاه‌های مرتبط پس از انجام بررسی‌های کارشناسی مشخص می‌شود.»

بسیج دستگاه‌های اجرایی

در پی این حادثه، «علی‌اصغر طهماسبی»، استاندار گلستان، دستور بسیج امکانات دستگاه‌های اجرایی، امدادی و خدماتی استان برای مهار آتش و ایمن‌سازی محدوده را صادر کرد.

«مجید طاهری»، شهردار گرگان، نیز با اشاره به حضور نیروهای آتش‌نشانی در محل می‌گوید: «نیروهای آتش‌نشانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به محل حادثه رسیدند و با توجه به شرایط خاص منطقه، عملیات اطفا را مدیریت کردند.»

او با بیان اینکه این حادثه تلفات جانی نداشته است، می‌افزاید: «یکی از نیروهای آتش‌نشانی به‌دلیل دودگرفتگی و مشکلات تنفسی دچار آسیب شد که بلافاصله تحت درمان قرار گرفت.»

به گفته شهردار گرگان، ساختمان محل وقوع حادثه دارای پروانه بوده و پیش‌ازاین نیز موضوع تجدید بنا و احداث ساختمان جدید در آن مطرح شده بود.

درخواست بابک زنجانی برای واگذاری ۵۰ هکتار

«فریدون فعالی»، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گلستان، درباره حضور شرکت تحت مدیریت بابک زنجانی در این محدوده می‌گوید: «این شرکت پس از بازدید از بافت تاریخی گرگان برای سرمایه‌گذاری اعلام آمادگی کرده، اما این موضوع به‌معنای واگذاری ۵۰ هکتار از بافت تاریخی نیست.»

او می‌افزاید: «سرمایه‌گذار می‌تواند در حوزه‌هایی مانند احیای محله، جداره‌سازی، مرمت و اجرای پروژه‌های گردشگری فعالیت کند، اما تمام اقدامات باید براساس ضوابط بافت تاریخی و پس از طی مراحل قانونی انجام شود. اقامتگاه سنتی، بوتیک‌هتل، بازارچه صنایع‌دستی و فروشگاه از جمله کاربری‌های قابل‌اجرا در این محدوده هستند.»

بافت تاریخی گرگان حدود ۱۵۷ هکتار وسعت دارد و به‌دلیل ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، ظرفیت قابل‌توجهی برای احیا و سرمایه‌گذاری دارد. بخشی از این محدوده با مشارکت میراث فرهنگی، شهرداری و بخش خصوصی احیا شده و امروز در کنار سکونت، کاربری‌های گردشگری، اقامتی و صنایع‌دستی نیز در آن فعال است.

زیارتی، مدیر روابط‌عمومی اداره‌کل میراث گلستان: بخشی که آتش‌سوزی در آن رخ داده عمدتاً در مالکیت مردم است و بسیاری از مالکان نیز تمایلی به فروش املاک خود ندارند این محدوده در مرکز شهر و در مسیر اصلی طلافروشان قرار دارد و ارزش املاک در آن بالاست؛ بنابراین اینکه کسی بخواهد به‌راحتی ملک خود را بفروشد، موضوعیت چندانی ندارد

نوبت دوم

آگهی های نوبتی سه ماهه اول سال ۱۴۰۵ حوزه ثبتی منطقه ۱ اراک

بخش یک اراک
۱ـ پلاک ۲ فرعی از ۳۴۴۰ اصلی خانم اعظم احمدی فرزند غلامرضا به شماره ملی ۰۵۳۲۸۵۶۳۲۵ نسبت به ششدانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۳۵/۰۱۸ متر مربع واقع در بخش یک اراک
۲ـ پلاک ۱۵۷ فرعی از ۳۹۳۴ اصلی اقای عطاالله آله یاری فرزند غلامحسین به شماره ملی ۰۶۲۰۹۷۹۵۹۳ نسبت به ششدانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۰۰/۴۰ متر مربع واقع در بخش یک اراک
۳ـ پلاک ۱ فرعی از ۴۰۲۹ اصلی اقای علی اصغر واشقانی فراهانی فرزند جعفر به شماره ملی ۵۴۴۹۷۳۴۷۸۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۳/۱۳۷ متر مربع واقع در بخش یک اراک
۴ـ پلاک ۱۷ فرعی از ۴۰۲۹ اصلی اقای جعفر رفیعی فرزند علی مردان به شماره ملی ۶۱۷۹۶۲۸۳۴۳ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۰۶ متر مربع واقع در بخش یک اراک
حومه بخش یک اراک
۵ـ پلاک ۳۰۵ فرعی از ۱۵ اصلی اقای حسینعلی صالحی فرزند حبیب به شماره ملی ۰۵۳۱۷۴۷۱۱۵ نسیت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۱۵/۸۲ متر مربع واقع در حومه بخش یک اراک
بخش سه اراک
۶ـ پلاک ۲۶۹ فرعی از۶ اصلی اقای داود کریمی فرزند ولی اله به شماره ملی ۰۵۳۰۸۶۶۲۸۵ نسبت به ۸۲ شعیر از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۳۲/۹۷ متر مربع واقع در بخش سه اراک *
(بخش ۷)
۷ـ پلاک ۳۶ فرعی از ۹۳ اصلی اقای علی عباسی فرزند محمد به شماره ملی ۰۵۳۴۰۰۸۷۹۸ نسبت به چهار شعیر و یک / چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۳۲۹/۶۵ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۸ـ پلاک ۳۸۳ فرعی از ۹۳ اصلی اقای علی عباسی فرزند محمد به شماره ملی ۰۵۳۴۰۰۸۷۹۸ نسبت به چهار شعیر و یک / چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۶۳/۱۴ مترمربع واقع در بخش هفت اراک
۹ـ پلاک ۴۴۹ فرعی از ۹۳ اصلی اقای محمدرضا دهنمکی فرزند محمد حسن به شماره ملی ۰۵۲۱۰۴۱۱۳۱ نسبت به چهار شعیر و دو / سوم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۶۷۲/۳۰ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۱۰ـ پلاک ۴۵۰ فرعی از ۹۳ اصلی اقای محمدرضا دهنمکی فرزند محمد حسن به شماره ملی ۰۵۲۱۰۴۱۱۳۱ نسبت به چهار شعیر و دو / سوم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۸۵۸/۱۸ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۱۱ـ پلاک ۴۵۹ فرعی از ۹۳ اصلی اقای امین امینی راد فرزند مصطفی به شماره ملی ۰۵۳۴۷۴۷۰۴۳ نسبت به چهارشعیر و دو/سوم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۲۶۳/۲۶ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۱۲ـ پلاک ۴۷۷ فرعی از ۹۳ اصلی اقای ابولفضل زندیه فرزند ابراهیم به شماره ملی ۰۵۳۳۸۷۹۶۳۹ نسبت به چهارودوسوم شعیر از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۵۴۱/۱۶۷ مترمربع واقع در بخش هفت اراک
۱۳ـ پلاک ۴۷۸ فرعی از ۹۳ اصلی اقای محمد شفیع شریفی فرزند ربیع اله به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۴۸۴ نسبت به چهار شعیر و دو سوم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۳۹۲/۰۱ متر مربع واقع در بخش هفت اراک.
۱۴ـ پلاک ۴۹۰ فرعی از ۹۳ اصلی اقای جابر حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۴۲۰۳۹۷۳ نسبت به چهار و یک چهارم شعیر از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۸۰۹/۱۰ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۱۵ـ پلاک ۴۹۷ فرعی از ۹۳ اصلی اقای بخش علی دهنمکی فرزند علی به شماره ملی ۰۵۳۱۰۳۸۰۷۶ نسبت به چهار و یک چهارم شعیر از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۱۱۵/۹۲ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۱۶ـ پلاک ۵۰۶ فرعی از ۹۳ اصلی اقای محمد نمکی فرزند محمد صادق به شماره ملی ۰۵۳۴۲۴۹۹۸۱ نسبت به چهار و یک چهارم شعیر از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۲۴/۶۵ متر مربع واقع در بخش هفت اراک *
۱۷ـ پلاک ۵۰۷ فرعی از ۹۳ اصلی اقای داود زندی فرزند نعمت اله به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۳۴۰۱ نسبت به چهار و یک چهارم شعیر ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۴۳۶۹/۸۰ متر مربع واقع در بخش هفت اراک *
۱۸ـ پلاک ۳۷ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه /یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۳۱/۷۱ متر مربع واقع در بخش هفت اراک*
۱۹ـ پلاک ۳۸ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه / یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۶۳/۶۱ مترمربع واقع در بخش هفت اراک*
۲۰ـ پلاک ۳۹ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه / یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۳۶/۴۴ متر مربع واقع در بخش هفت اراک*
۲۱ـ پلاک ۴۰ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه / یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۷۱/۱۶ متر مربع واقع در بخش هفت اراک*
۲۲ـ پلاک ۴۱ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر وهفتاد و نه / یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۱۲/۴۹ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۲۳ـ پلاک ۴۲ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه /یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱۹۴/۶۰ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۲۴ـ پلاک ۴۳ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر هفتاد و نه /یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۵۷۵/۵۷ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۲۵ـ پلاک ۴۴ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه /یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۴۰۳/۸ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۲۶ـ پلاک ۴۵ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه/یکصد و بیستم از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۹۸/۹۲ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۲۷ـ پلاک ۴۶ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه / یکصد و بیستم از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۷۴۲/۹۲ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۲۸ـ پلاک ۴۷ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه /یکصد و بیستم شعیر از۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۶۴/۵۶ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۲۹ـ پلاک ۴۸ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه /یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۸۳/۸۱ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۳۰ـ پلاک ۴۹ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه / یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۷۳۲/۴۱ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۳۱ـ پلاک ۵۰ فرعی از ۹۴ اصلی اقای محمد حاج محمدی فرزند یعقوب به شماره ملی ۰۵۳۱۰۴۱۶۵۴ نسبت به بیست و پنج شعیر و هفتاد و نه / یکصد و بیستم شعیر از ۱۱۲ شعیر هفت دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۳۲۹/۵۶ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۳۲ـ پلاک ۱۲۸ فرعی از ۱۰۱ اصلی اقای محمد تقی علی هادی فرزند جعفر به شماره ملی ۰۵۳۴۰۴۶۰۹۶ نسبت به ۹۳ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۹۴۶/۷۷ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۳۳ـ پلاک ۱۲۹ فرعی از ۱۰۱ اصلی اقای محمد تقی علی هادی فرزند جعفر به شماره ملی ۰۵۳۴۰۴۶۰۹۶ نسبت به ۹۳ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۰۲/۹۳ متر مربع واقع در بخش هفت اراک
۳۴ـ پلاک ۱۳۰ فرعی از ۱۰۱ اصلی اقای محمد تقی علی هادی فرزند جعفر کد ملی ۰۵۳۴۰۴۶۰۹۶نسبت به ۹۳ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۳۰/۹۰ متر مربع واقع در بخش هفت اراک

ادامه آگهی در صفحه ۵

رودخانه‌ای که سهم پایین‌دستش روزبه‌روز کوچک‌تر می‌شود

«حبله‌رود»؛ اختلاف آب میـان تهران و سمنان

کمیته مشترک تهـران و سمنان برای اختصاص اعتبار سردهنـــه‌ها و پیگیری تکمیل «سد نمرود» تشکیل شده است تا مدیریت یکپارچه حبله‌رود از مرحله اختلاف و جلسه به مرحله اجرا برسد

ایبنا

«حبله‌رود» در استان سمنان فقط با خشکسالی دست‌وپنجه نرم نمی‌کند. برداشت‌های بی‌رویه در بالادست، توسعه کشت‌های پرمصرف، برداشت مستقیم از رودخانه، تغییر کاربری اراضی، ضعف نظارت بر کانال‌های انتقال آب و اختلاف بر سر تخصیص منابع سدها، زنجیره‌ای از فشارها را بر این رودخانه وارد کرده است. در پایین‌دست، گرمسار با رودخانه‌ای مواجه است که به گفته فعالان و کشاورزان این حوزه، در برخی مقاطع عملاً آبی برای رسیدن به آن باقی نمی‌ماند. در چنین شرایطی، تجربه سال‌ها مطالعه برای «مدیریت یکپارچه حوضه آبریز حبله‌رود» نیز هنوز نتوانسته است به یک سازوکار اجرایی پایدار تبدیل شود.

اوجیهه رضویان
روزنامه‌نگار

سرچشمه حبله‌رود از بالادست فیروزکوه عبور می‌کند و در ادامه مسیر به دشت گرمسار و ایوانکی می‌رسد. اما طی سال‌های گذشته، افزایش تقاضا در بالادست و پایین‌دست، در کنار کاهش منابع آب، این رودخانه را به یکی از کانون‌های اختلاف بر سر آب میان تهران و سمنان تبدیل کرده است.

مسئله فقط کم‌شدن بارش نیست. توسعه باغ‌ها و کشت‌های آبی در بالادست، تغییر کاربری اراضی، برداشت مستقیم از رودخانه و کانال‌ها و تصرف حریم رودخانه، از جمله عواملی است که فعالان محلی و مسئولان به‌عنوان بخشی از فشارهای واردشده بر حوضه مطرح می‌کنند.

کشاورزان گرمساری می‌گویند کاهش جریان حبله‌رود، امکان کشت را محدود و وابستگی آن‌ها به چاه‌های زیرزمینی را افزایش داده است.

آب سهم حقابه‌داران

«اسماعیل شاه‌حسینی»، کشاورز گرمساری، معتقد است طی دست‌کم دو دهه گذشته، در باغ‌های اطراف رودخانه و حریم آن تخلفاتی شکل گرفته است که بخشی از آن‌ها، با وجود صدور احکام قضایی، همچنان تعیین تکلیف نشده است.

شاه‌حسینی همچنین از برداشت مستقیم آب با پمپ در مسیر رودخانه انتقاد می‌کند و می‌گوید این برداشت‌ها سهم کشاورزان پایین‌دست را کاهش داده است.

او تأکید می‌کند: «اگر حقابه‌ای برای منطقه‌ای تعیین شده است، باید در عمل نیز همان سهم به کشاورزان برسد و برداشت‌های خارج از چارچوب کنترل شود.»

اجرای احکام مربوط به حریم رودخانه، کنترل برداشت‌ها و شفاف‌شدن تخصیص آب، سه مطالبه اصلی کشاورزان گرمسار است.

پمپ‌هایی که آب می‌مکند

«محمد مؤمنی»، فعال اجتماعی شهرستان گرمسار، نیز از برداشت‌های غیرمتعارف در بالادست می‌گوید. به گفته او، در برخی روستاها آب با استفاده از پمپ برداشت می‌شود و حتی در مواردی مسیر رودخانه را سنگ‌چین می‌کنند.

مؤمنی می‌گوید: «باید آب توسط میراب و از طریق دریچه‌های مشخص به روستاها تحویل داده شود. نبود نظارت در بالادست، خسارت‌های هنگفتی به کشاورزان پایین‌دست وارد کرده است.»

او مدیریت واحد کل حوضه آبریز حبله‌رود را یکی از راهکارهای اصلی می‌داند و انتقال آب کشاورزی و شرب از طریق لوله را نیز راهی برای کاهش برداشت‌های غیرمجاز عنوان می‌کند.

وقتی زمین دیم، آبی می‌شود

«علی جورابلو»، رئیس جهاد کشاورزی گرمسار، بخش مهمی از فشار بر منابع آب را به توسعه کشت در بالادست مرتبط می‌داند.

به گفته جورابلو، در برخی مناطق، اراضی‌ای که قابلیت کشت دیم داشته‌اند، به کشت آبی تبدیل شده‌اند؛ تغییری که بدون تأمین آب قانونی، فشار بیشتری بر منابع سطحی ایجاد می‌کند.

او همچنین از تغییر کاربری و خردشدن اراضی کشاورزی سخن می‌گوید و توضیح می‌دهد که در برخی موارد، قطعات بزرگ کشاورزی به قطعات کوچک‌تر تقسیم و برای ایجاد باغ و فعالیت‌های دیگر واگذار شده‌اند.

جورابلو تأکید می‌کند توسعه سطح زیر کشت بدون آب مجاز امکان‌پذیر نیست و میزان کشت باید متناسب با حقابه و میزان آبی باشد که در اختیار کشاورز قرار می‌گیرد.

کشاورزی زیر فشار کم‌آبی

رئیس جهاد کشاورزی گرمسار می‌گوید حقابه مردم این شهرستان از حبله‌رود حدود ۳۳۰ سنگ عنوان می‌شود، اما بخش قابل‌توجهی از این آب در عمل به کشاورزان نمی‌رسد.

به گفته او، کشاورزان گرمسار در حال حاضر با کاهش شدید آب سطحی روبه‌رو هستند و «کشت بهاره» در بسیاری از موارد امکان‌پذیر نیست.

او می‌گوید آبی که در برخی مقاطع به منطقه می‌رسد نیز ممکن است به‌دلیل شوری، برای کشاورزی قابل‌استفاده نباشد و همین مسئله وابستگی کشاورزان به چاه‌های زیرزمینی را افزایش داده است.

جورابلو درباره تولید محصولات کشاورزی نیز می‌گوید سال گذشته حدود سه هزار هکتار از اراضی گرمسار زیر کشت گندم، جو و پنبه بوده است و تولید گندم و جو، از حدود ۴۰ هزار تن مورد انتظار، به حدود ۲۰ هزار تن کاهش یافته است.

این ارقام، تصویری از اثر مستقیم کاهش آب بر اقتصاد کشاورزی منطقه ارائه می‌دهد؛ اقتصادی که بخش مهمی از آن به جریان حبله‌رود وابسته است.

۱۵۶ حکم قلع‌وقمع

یکی از ادعاهای مطرح‌شده از سوی جورابلو، وجود ۱۵۶ حکم قلع‌وقمع در بالادست است. او می‌گوید بخشی از این احکام، به‌دلیل نگرانی از پیامدهای اجتماعی، هنوز اجرا نشده‌اند.

جورابلو همچنین از وجود تصاویر و مستندات متعدد درباره برداشت آب از رودخانه و کانال‌ها سخن می‌گوید.

شاه‌حسینی، رئیس منابع طبیعی گرمسار، نیز ریشه بخشی از مشکلات حبله‌رود را در بالادست می‌داند.

او می‌گوید در فیروزکوه بخش‌هایی از اراضی ملی تصرف شده است و در مواردی این تصرفات به حریم رودخانه نیز رسیده است.

به گفته او، برای کاهش آثار خشکسالی و تقویت منابع آب، باید عملیات آبخیزداری در بالادست جدی‌تر دنبال شود. اجرای طرح‌های آبخیزداری، خشک‌چین و سنگ‌وملات در مناطق مناسب و رفع تصرف اراضی ملی، از جمله راهکارهایی است که او بر آن‌ها تأکید دارد.

شاه‌حسینی همچنین مدیریت آبخوان‌های دشت را ضروری می‌داند و معتقد است حفاظت از منابع آب زیرزمینی نمی‌تواند جدا از مدیریت روان‌آب و آبخیزداری در بالادست باشد.

بهرام میرآخوری، کارشناس دادگستری و منابع طبیعی، معتقد است مسئله اصلی این حوضه، آشفتگی مدیریت در بالادست است.

او می‌گوید: «در دنیا مدیریت حوضه‌ها به‌صورت یکپارچه انجام می‌شود. برای حبله‌رود هم کلید حل معما، مدیریت یکپارچه است.»

از نگاه میرآخوری، مدیریت آب باید از بالاترین نقطه آبریز آغاز شود و تا دشت گرمسار ادامه پیدا کند؛ نه اینکه هر استان و شهرستان، بر اساس مرزهای سیاسی خود، درباره بخشی از رودخانه تصمیم بگیرد.

او می‌گوید: «استان بالادست هرچه آب می‌آید، مدیریت و استفاده می‌کند. وقتی به استان سمنان و گرمسار می‌رسد، دیگر آبی وجود ندارد که بخواهند مدیریت کنند.»

به اعتقاد او، این شیوه مدیریت از نظر فنی و اقتصادی پاسخ‌گوی شرایط امروز نیست.

میرآخوری، علاوه بر توسعه باغ‌ها و تصرف اراضی ملی، به تغییر کارکرد بخش‌هایی از مسیر حبله‌رود اشاره می‌کند: «این مسیر در گذشته محل عبور عشایر بوده و نیزارها و چمنزارهایی داشته است، اما طی سال‌های گذشته بخشی از این اراضی دستخوش تصرف شده‌اند. همچنین فعالیت‌های آب‌بر در بالادست، در شرایطی که منابع آب محدود است، باید با حساسیت بیشتری مدیریت شود.»

خشکسالی چقدر مقصر است؟

میرآخوری حجم آب حبله‌رود را در دوره‌های پرآبی حدود ۲۷۰ میلیون مترمکعب و در خشکسالی حدود ۲۱۰ میلیون مترمکعب عنوان می‌کند و بر اساس این ارقام معتقد است کاهش بارش به‌تنهایی نمی‌تواند توضیح‌دهنده وضعیت امروز رودخانه باشد.

احمد محمدی، نماینده خانه کشاورز، نیز با اشاره به مطالعات انجام‌شده درباره حوضه می‌گوید توسعه کشت و احداث باغ در بالادست از ابتدای دهه ۸۰، هم‌زمان با خشکسالی، فشار بر منابع آب را افزایش داده است.

او به نقل از مشاور این مطالعات، سهم خشکسالی را حدود ۲۰ درصد و سهم عوامل انسانی را بیشتر عنوان می‌کند.

مصوبات باید اجرا شوند

محمدی، نماینده خانه کشاورز، معتقد است بخش قابل‌توجهی از راه‌حل حبله‌رود در اجرای قوانین و مصوبات موجود است.

او بر اجرای قانون توزیع عادلانه آب در شهرستان فیروزکوه و اجرای مصوبات معاونت عمرانی استان‌های تهران و سمنان تأکید می‌کند.

به گفته محمدی، مصوبه پنج‌بندی معاون اول قوه قضائیه نیز باید اجرا شود.

او تشکیل شعبه ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های حبله‌رود را پیشنهاد می‌کند و معتقد است ایجاد سازوکاری مانند «پلیس آب» می‌تواند اجرای مصوبات و کنترل برداشت‌ها را تقویت کند. او می‌گوید: «برای حل این مسئله، یک اراده ملی لازم است.»

تهران و سمنان پای یک میز

در همین شرایط، نشست مشترک محمدجواد کولیوند، استاندار سمنان، و معتمدیان، استاندار تهران، با حضور نماینده مردم گرمسار و آرادان در مجلس، فرمانداران گرمسار، آرادان و فیروزکوه و مدیران دستگاه‌های تخصصی برگزار شد.

یکی از مهم‌ترین مصوبات این نشست، اختصاص ۵۰ میلیارد تومان از محل اعتبارات در اختیار استانداری تهران برای تکمیل ۱۰ سردهنه حبله‌رود بود.

بر اساس اعلام استانداری سمنان، اعتبار مربوط باید در اختیار شرکت آب منطقه‌ای استان تهران قرار گیرد، عملیات اجرایی آغاز شود و این پروژه‌ها حداکثر ظرف سه ماه به بهره‌برداری برسند.

همچنین مقرر شد کمیته مشترک تخصصی با مسئولیت معاونان هماهنگی امور عمرانی دو استانداری تشکیل شود. مدیران آب منطقه‌ای، جهاد کشاورزی، منابع طبیعی و دیگر دستگاه‌های مرتبط نیز در این کمیته حضور خواهند داشت.

این کمیته مأمور شده است موضوعات مرتبط با مدیریت سد نمرود، حوضه آبریز حبله‌رود و اختلافات میان گرمسار و فیروزکوه را به‌صورت تخصصی پیگیری کند.

از دیگر مصوبات، پیگیری تخصیص دو هزار میلیارد تومان برای تکمیل سد نمرود است؛ اعتباری که بنا بر اعلام استانداری سمنان، در چارچوب مصوبات سفر رئیس‌جمهوری به شهرستان فیروزکوه دنبال می‌شود.

همچنین قرار است استانداران تهران و سمنان و نمایندگان مجلس، در نامه‌ای مشترک، اعتبارات مورد نیاز برای تکمیل سد نمرود و تملک اراضی مورد نیاز را در بودجه سال آینده پیگیری کنند.

معاونان عمرانی دو استانداری نیز قرار است همراه مدیران دستگاه‌های اجرایی از منطقه بازدید و روند اجرای مصوبات را بررسی کنند.

این تصمیم‌ها می‌تواند نقطه شروعی برای کاهش اختلافات میان دو استان باشد، اما اجرای آن‌ها اهمیت بیشتری از خود مصوبات دارد.

تکمیل سردهنه‌ها و سد نمرود، هر دو پروژه‌های مهمی برای مدیریت منابع آب حوضه‌اند؛ اما مسئله حبله‌رود فقط کمبود زیرساخت نیست.

اگر برداشت‌های غیرمجاز ادامه داشته باشد، اگر توسعه کشت بدون آب قانونی متوقف نشود، اگر اراضی ملی و حریم رودخانه تعیین تکلیف نشوند و اگر تخصیص آب میان کشاورزی، شرب، صنعت و محیط زیست شفاف نباشد، هیچ پروژه‌ای به‌تنهایی نمی‌تواند بحران را حل کند.

از سوی دیگر، پایین‌دست نیز نمی‌تواند بدون توجه به ظرفیت واقعی حوضه، به توسعه کشت‌های پرمصرف ادامه دهد. اصلاح الگوی کشت، افزایش راندمان آبیاری و کاهش هدررفت آب باید بخشی از برنامه احیای حوضه باشد.

بحران حبله‌رود محصول یک عامل واحد نیست. در بالادست، توسعه کشت و باغ، تغییر کاربری و برداشت آب مطرح است. در مسیر رودخانه، مسئله نظارت بر پمپ‌ها و کانال‌ها وجود دارد. در پایین‌دست، کشاورزان با کاهش آب سطحی و محدودیت کشت مواجه‌اند و در دشت، افت آبخوان، شوری و فرونشست به نگرانی‌های قدیمی اضافه شده‌اند.

راه‌حل نیز باید به همین اندازه چندلایه باشد: اجرای قانون، شفافیت حقابه‌ها، کنترل برداشت، اجرای احکام، حفاظت از اراضی ملی، آبخیزداری، اصلاح الگوی کشت، افزایش بهره‌وری و مدیریت یکپارچه حوضه.

حالا با تشکیل کمیته مشترک تهران و سمنان، اختصاص اعتبار برای سردهنه‌ها و پیگیری تکمیل سد نمرود، فرصتی ایجاد شده است تا مدیریت حبله‌رود از مرحله اختلاف و جلسه به مرحله اجرا برسد.

اما آزمون واقعی این تصمیم‌ها نه در صورت‌جلسه‌ها، بلکه در رودخانه و مزرعه خواهد بود؛ جایی که کشاورز گرمساری باید بتواند نتیجه تصمیم‌ها را در آب ورودی به زمین خود ببیند.

بحران حبله‌رود در نهایت فقط بحران یک رودخانه نیست؛ بحران حکمرانی بر یک حوضه آبریز است؛ حوضه‌ای که برای نجات آن باید از مدیریت تکه‌تکه عبور کرد و از سرچشمه تا دشت، یک رودخانه و یک حوضه را دید.

یک فعال اجتماعی گرمسار:
باید آب توسط میراب و از طریق دریچه‌های مشخص به روستاها تحویل داده شود
نبود نظارت در بالادست خسارت‌های هنگفتی به کشاورزان پایین‌دست وارد کرده است

یک کارشناس منابع طبیعی:
مسئله اصلی این حوضه، آشفتگی مدیریت در بالادست است
در دنیا مدیریت حوضه‌ها به‌صورت یکپارچه انجام می‌شود برای حبله‌رود هم کلید حل معما مدیریت یکپارچه است

بخش۸

۳۵_پلاک ۳۱۵فرعی از ۷ اصلی خانم زهره بهرامی فرزند عبدالرضا به شماره ملی ۰۰۵۹۶۱۱۸۱۲ نسبت به دوشعیر ویک چهارم شعیرمشاع از۹۶شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۱ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۳۶_ پلاک ۳۴۲ فرعی از ۷ اصلی اقای اشکان مینایی فرزند یداله به شماره ملی ۰۵۳۳۴۸۹۰۱۶ نسبت به دو شعیر و یک چهارم شعیر مشاع از نود و شش شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۲۶/۲۱ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۳۵_پلاک ۳۴۹ فرعی از ۷ اصلی خانم معصومه رهبری نژاد فرزند غلامعباس به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۴۱۷۹ نسبت به دو شعیر و یک چهارم شعیر مشاع از نود و شش شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۹/۶۷ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۳۶_پلاک ۳۷۱ فرعی از ۷ اصلی اقای محمد شیخی مهرابادی فرزند نوراله به شماره ملی ۰۰۸۰۴۶۸۶۲۴ نسبت به دو شعیر یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۲۰ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۳۷-پلاک۳۷۲فرعی از ۷ اصلی اقای پرهام شیخی مهرابادی فرزند علیرضا به شماره ملی ۰۱۱۰۶۲۳۳۳۹ نسبت به دو شعیر یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۰۲ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۳۸-پلاک ۳۷۳ فرعی از ۷ اصلی اقای مجید نقوی فرزند محمد به شماره ملی ۰۰۸۱۰۳۷۴۰۰ نسبت به دو شعیر یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۹۱ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۳۶_ پلاک ۳۷۶ فرعی از ۷ اصلی اقای امیر محمد انقانی فرزند نعمت اله به شماره ملی ۰۵۲۰۸۲۲۷۲۲ نسبت به دو شعیر یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی (گلخانه) به مساحت ۲۷۰۲/۴۷۱ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۴۲_پلاک ۴۰۳ فرعی از ۷ اصلی خانم اعظم بهرامی فرزند محمدحسن به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۴۸۲ نسبت به دو و یک چهارم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت (۵۵۸/۴۵)ششصدوچهل وشش متروسی وشش دسیمترمربع واقع در بخش هشت اراک

۴۳_پلاک ۴۰۴ فرعی از ۷ اصلی اقای محمد قلعه نوئی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۲۰۲۲۱۰۰۱ نسبت به دو و یک چهارم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۴۱۶/۲۵ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۴۴_پلاک ۴۱۶ فرعی از ۷ اصلی اقای داریوش رضائی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۱۰۵ نسبت به دو و یک چهارم سهم مشاع از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۸/۹۷ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۴۵-پلاک ۴۱۷ فرعی از ۷ اصلی اقای داریوش رضائی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۱۰۵ نسبت به دو و یک چهارم سهم مشاع از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۰۶۵/۱۲ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۴۶_پلاک ۴۱۸ فرعی از ۷ اصلی اقای عبدالرضا بهرامی فرزند محمد حسین به شماره ملی ۰۵۳۳۹۹۲۱۶۸ نسبت به دو شعیر و یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۸۳۱/۹۳ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۴۷_پلاک ۴۳۶ فرعی از ۷ اصلی اقای محمد قلعه نوئی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۲۰۲۲۱۰۰۱ نسبت به دو و یک چهارم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۵۷/۲۵ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۴۸_پلاک ۴۳۷ فرعی از ۷ اصلی اقای محمد قلعه نوئی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۲۰۲۲۱۰۰۱ نسبت به دو و یک چهارم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۷۹ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۴۹_پلاک ۴۳۸ فرعی از ۷ اصلی اقای محمد قلعه نوئی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۲۰۲۲۱۰۰۱ نسبت به دو و یک چهارم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۶۸/۱۰ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۰_پلاک ۴۴۰ فرعی از ۷ اصلی اقای علیرضا رضائی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۱۱۳ نسبت به دو و یک چهارم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت(۷۵۳/۰۵)ششصدوچهل وشش متروسی وشش دسیمتر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۱-پلاک ۴۴۲ فرعی از ۷ اصلی اقای غلامعباس قلعه نوئی فرزند محمد رضا به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۸۸۱ نسبت به دو شعیرو یک چهارم شعیرمشاع از ۹۶شعیرششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۵۷/۱۰ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۲_ پلاک ۴۴۳ فرعی از ۷ اصلی اقای غلامعباس قلعه نوئی فرزند محمدرضا به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۸۸۱ نسبت به دو شعیر و یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۷۰/۸۵ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۳_پلاک ۴۴۴ فرعی از ۷ اصلی اقای غلامعباس قلعه نوئی فرزند محمدرضا به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۸۸۱ نسبت به دو شعیر و یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۵۷/۱۰ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۴_پلاک ۴۴۵ فرعی از ۷ اصلی اقای غلامعباس قلعه نوئی فرزند محمدرضا به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۸۸۱ نسبت به دو شعیر و یک چهارم شعیر مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۷۱/۶۵ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۵_ پلاک ۷ فرعی از ۸ اصلی اقای داریوش رضایی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۱۰۵ نسبت به سه و یک ششم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۵۷۵/۳۸ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۶_پلاک ۸ فرعی از ۸ اصلی اقای داریوش رضایی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۳۱۰۵ نسبت به سه و یک ششم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۲۴۲۳/۹۶ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۷_پلاک ۹ فرعی از ۸ اصلی اقای محمد جواد فرید نژاد فرزند امین اقا به شماره ملی ۰۵۳۱۲۷۲۶۳۱ نسبت به سه و یک ششم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۵۶۴۲/۳۳ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۸_پلاک ۱۰ فرعی از ۸ اصلی اقای ابوالقاسم نوری فرزند محمدحسین به شماره ملی ۰۶۲۱۲۲۹۲۶۱ نسبت به سه و یک ششم سهم از ۹۶ سهم یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۵۶۴۲/۳۳ متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۵۹-پلاک ۶۲۷ فرعی از ۱۱ اصلی اقای علی بابایی فرزند امین به شماره ملی ۰۵۳۳۷۸۹۰۵۲ نسبت به ۵/۵دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۷۷۵/۶۲متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۶۰-پلاک ۶۲۸ فرعی از ۱۱ اصلی اقای علی بابایی فرزند امین به شماره ملی ۰۵۳۳۷۸۹۰۵۲ نسبت به ۵/۵دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۷۰۷/۵۸متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۶۱-پلاک ۶۲۹ فرعی از ۱۱ اصلی اقای علی بابایی فرزند امین به شماره ملی ۰۵۳۳۷۸۹۰۵۲ نسبت به ۵/۵دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۲۶۱/۳۹متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۶۲-پلاک ۶۳۰ فرعی از ۱۱ اصلی اقای علی بابایی فرزند امین به شماره ملی ۰۵۳۳۷۸۹۰۵۲ نسبت به ۵/۵دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۰۶۵/۴۵متر مربع واقع در بخش هشت اراک

۶۳-پلاک ۶۳۱ فرعی از ۱۱ اصلی اقای عباس یارمحمدی فرزند محمد رحیم به شماره ملی ۰۵۳۰۶۲۹۶۳۱ نسبت به ۵/۵دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۶۰ متر مربع واقع در بخش هشت ا

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
رییس ثبت منطقه یک اراک
عبدی
شناسه آگهی:۲۲۲۹۷۳۲

نوبت اول

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی

قوه قضائیه

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۴۰۰۳۵۵۶ - ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ مستقر در واحد ثبتی جویبار به کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۰۰۱۴۰۰۰۶۰۹ ماده یک قانون مذکور، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مسعود استادی جویباری فرزند محمدعلی نسبت به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۱۸۰ مترمربع قسمتی از پلاک --- فرعی از ۱۰- اصلی واقع در قریه جویبار بخش هفت ثبت جویبار خریداری از یوسف سفری محرز گردید. لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نماید در غیر اینصورت اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
رئیس ثبت جویبار - قدیر یوسفی‌نیا
شناسه آگهی: ۲۲۵۷۰۹۸

آگهی مفقودی

سند کمپانی و کارت خودرو، خودرو سواری: وانت، سیستم: مزدا، تیپ: CARA2000I به رنگ: سفید - روغنی، مدل: ۱۳۹۶ به شماره موتور: E2J8A7826 و شماره شاسی: NAGP2PC31HA255462 به شماره پلاک: ۳۵۱ س ۷۶ ایران:۶۵ به نام: علی حبیبی فتح‌آبادی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهربابک

تغییر اقلیم نیاز ساختمان‌های ایران به گرمایش و سرمایش را دگرگون می‌کند

خانه‌های ایران در اقلیم آینده

تا سال ۲۱۰۰ ارومیه گرم‌تر می‌شود و بندرلنگه به سرمایش بیشتری نیاز پیدا می‌کند
کرمان در اقلیم آینده از کولر آبی بی‌نیاز و به سرمایش دومرحله‌ای نیازمند می‌شود

| پیام ما | ایران در حال تجربه اقلیمی متفاوت از گذشته است. افزایش دما، تغییر الگوی بارش، طولانی‌تر شدن دوره‌های خشکسالی و افزایش رخدادهای گرمایی، شرایط اقلیمی بسیاری از مناطق کشور را تغییر داده است. داده‌های اقلیمی از گرم‌تر شدن هوا و تغییر ویژگی بارش‌ها و دوره‌های خشک و تر حکایت دارد. در این شرایط، جدا از تأثیر این پدیده بر منابع آب و کشاورزی، یکی از عرصه‌های متأثر از تغییراقلیم، محیط زندگی انسان است. خانه‌ای که برای الگویی مشخص از دما، بارش و فصل‌های گرم و سرد طراحی شده، در اقلیمی که همین متغیرها در حال تغییرند، ممکن است دیگر همان کارایی گذشته را نداشته باشد. با این توصیف، آیا معماری مسکونی امروز ایران می‌تواند پاسخ‌گوی اقلیم آینده باشد؟

تغییر اقلیم تا سال ۲۱۰۰ چه تأثیری بر راهبردهای طراحی اقلیمی مسکن در پهنه‌های مختلف خواهد داشت و چه دستورالعمل‌های طراحی را می‌توان برای سازگاری با این تغییرات ارائه کرد؟ مطالعه «تأثیر تغییر اقلیم بر راهبردهای طراحی معماری مسکونی در پهنه‌های اقلیمی ایران: تحلیل نمودارهای آسایش حرارتی در ۱۱ شهر منتخب» که به‌تازگی در شماره ۲۶ فصلنامه علمی دانشگاه گلستان منتشر شده، نشان می‌دهد تغییر اقلیم تا پایان قرن، با تغییر دمای هوا و الگوی بارش، طراحی خانه‌های ایران و میزان انرژی مورد نیاز برای تأمین آسایش حرارتی را دگرگون می‌کند.

«مطهره کریم‌آبادی»، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه گلستان، و «محمد فرخ‌زاد»، دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده مهندسی دانشگاه گلستان، نویسندگان این مقاله علمی، با بررسی ۱۱ شهر در پنج پهنه اقلیمی و مقایسه شرایط اقلیمی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰ با دوره ۲۰۷۱ تا ۲۱۰۰، پیش‌بینی می‌کنند نیاز به سرمایش فعال در تمام پهنه‌های کشور افزایش و نیاز به گرمایش کاهش یابد. بر این اساس، فراوانی ساعات آسایش حرارتی در بیشتر شهرهای مورد مطالعه کاهش می‌یابد؛ به‌طوری‌که در بندرلنگه این کاهش به ۶.۲ درصد و در رامسر به ۳.۳ درصد می‌رسد. در مقابل، ارومیه که اکنون نیازی به سرمایش فعال ندارد، در آینده به استفاده از سیستم‌های سرمایشی نیاز پیدا می‌کند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد در مناطق گرم و خشک، استفاده از کولرهای تبخیری دومرحله‌ای بیشتر می‌شود و در مناطق گرم و مرطوب، سیستم‌های سرمایشی مجهز به رطوبت‌زدایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. بنابراین، در چشم‌انداز اقلیمی ترسیم‌شده در این پژوهش، نقش راهکارهای طراحی برای کاهش گرمای ورودی و تأمین آسایش حرارتی در بسیاری از مناطق ایران پررنگ‌تر می‌شود.

در کرمان سهم کولرهای آبی از ۱۹.۶ درصد در شرایط فعلی به صفر در دوره منتهی به ۲۱۰۰ می‌رسد و در مقابل نیاز به سیستم‌های تبخیری دومرحله‌ای به ۲۹.۴ درصد افزایش می‌یابد

خانه‌های آینده در پنج اقلیم

بخش ساختمان با سهمی بیش از یک‌سوم از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان و بیش از ۴۰ درصد مصرف انرژی، در روند تغییراقلیم نقش مهمی دارد. از طرف دیگر، خود ساختمان‌ها هم از پیامدهای این پدیده تأثیر می‌پذیرند؛ به‌طوری‌که افزایش دما، تشدید امواج گرما و تغییر الگوی باد و بارش می‌تواند عملکرد حرارتی ساختمان، میزان مصرف انرژی و آسایش ساکنان را تحت تأثیر قرار دهد. مطالعات بسیاری پیش‌بینی می‌کنند در دهه‌های آینده، تقاضای انرژی برای سرمایش در بسیاری از مناطق جهان به‌طور چشمگیری افزایش یابد و نیاز به گرمایش کاهش پیدا کند. در کشورهای گرم هم افزایش دما می‌تواند مصرف انرژی ساختمان‌ها را تا ۳۰ درصد افزایش دهد و فشار بیشتری بر شبکه برق وارد کند. در سرزمین خشک و نیمه‌خشک ایران هم شرایط اقلیمی، ضرورت بازنگری در شیوه طراحی و تأمین آسایش حرارتی ساختمان‌ها را بیشتر می‌کند.

نویسندگان برای بررسی اثر تغییر اقلیم بر مسکن، شرایط حرارتی رامسر و بابلسر در پهنه خزری، ارومیه و بجنورد در پهنه سرد و کوهستانی، مشهد، یزد و کرمان در پهنه گرم و خشک، ایرانشهر و دزفول در پهنه گرم و نیمه‌مرطوب و بندرلنگه و بندر بوشهر در پهنه گرم و مرطوب را بررسی کرده‌اند. یکی از معیارهای اصلی در این بررسی، «آسایش حرارتی» است؛ مفهومی که به شرایطی اشاره دارد که در آن، دما، رطوبت و دیگر عوامل محیطی برای بیشتر افراد نه بیش از حد گرم و نه بیش از حد سرد است و فرد بدون نیاز جدی به گرمایش یا سرمایش مکانیکی احساس راحتی می‌کند. بر پایه تحلیل‌های این پژوهش، تغییر اقلیم تأثیر معناداری بر سهم هر یک از راهبردهای طراحی در تأمین آسایش حرارتی دارد؛ چنان‌که درصد ساعات سال که در محدوده آسایش حرارتی قرار دارند، در بیشتر شهرهای مورد مطالعه تا دوره منتهی به ۲۱۰۰ کاهش می‌یابد، اما شدت این کاهش در پهنه‌های مختلف متفاوت است. بر این اساس، بیشترین کاهش فراوانی آسایش مربوط به پهنه‌های گرم و مرطوب، بندرلنگه با کاهش ۶.۲ درصدی، و خزری، رامسر با کاهش ۳.۳ درصدی، است. در مقابل، در برخی شهرهای پهنه گرم و خشک، مانند کرمان، افزایش فراوانی آسایش، به میزان ۲.۸ درصد، مشاهده می‌شود که می‌تواند ناشی از کاهش رطوبت نسبی در این مناطق باشد.

واکنشی متفاوت در هر اقلیم

طبق پیش‌بینی‌های این پژوهش، در پهنه خزری، تغییراقلیم با افزایش دما و تغییر در الگوی رطوبت، به دگرگونی معنادار در اولویت راهبردهای طراحی اقلیمی منجر شده و نیاز به استفاده از سایبان‌های خورشیدی در رامسر و بابلسر افزایش یافته است. این افزایش در رامسر حدود ۲.۳ درصد و در بابلسر ۲.۸ درصد برآورد می‌شود و بیانگر تشدید بار تابشی و ضرورت کنترل آن است. هم‌زمان، نیاز به سیستم‌های سرمایشی فعال همراه با رطوبت‌زدایی نیز افزایش قابل‌توجهی را نشان می‌دهد؛ به‌طوری‌که این نیاز در رامسر حدود ۱۰.۳ درصد و در بابلسر ۱۰.۵ درصد افزایش یافته است. این به معنای تقویت شرایط گرم و مرطوب و کاهش کارایی تهویه طبیعی است. در مقابل، سهم راهبردهای گرمایشی به‌طور محسوسی کاهش یافته و نیاز به گرمایش در رامسر از ۲۸.۹ درصد به ۱۷.۶ درصد تنزل پیدا کرده است که از کاهش شدت و فراوانی دوره‌های سرد سال حکایت دارد. همچنین نیاز به بهره‌گیری از گرمایش خورشیدی غیرفعال از طریق دریافت و ذخیره تابش خورشید در جرم حرارتی کاهش یافته است که این موضوع نیز در راستای کاهش تقاضای گرمایشی و تغییر در تراز انرژی ساختمان قابل تفسیر است.

در پهنه سرد و کوهستانی هم نیاز به سیستم‌های گرمایشی کاهش می‌یابد، اما هم‌زمان نشانه‌های ورود سرمایش به اقلیمی که تاکنون بیشتر با مسئله سرما مواجه بوده، دیده می‌شود. در ارومیه، سهم گرمایش فعال از ۳۸.۸ درصد به ۳۱.۴ درصد کاهش می‌یابد و نیاز به سایبان خورشیدی در این شهر ۳.۸ درصد افزایش پیدا می‌کند، اما یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌ها، ظهور نیاز به سرمایش فعال در مناطقی است که پیش‌تر چنین نیازی نداشتند؛ به‌طوری‌که در ارومیه، سهم سیستم‌های سرمایش همراه با رطوبت‌زدایی در دوره منتهی به ۲۱۰۰ به ۳.۴ درصد می‌رسد. هم‌زمان، نیاز به گرمایش غیرفعال روندی کاهشی دارد و در ارومیه از ۲۶.۶ درصد به ۲۳.۴ درصد تنزل یافته است. این الگو نشان می‌دهد که در اقلیم سرد و کوهستانی هم به‌تدریج از شدت نیاز به تأمین گرمایش کاسته می‌شود و این اقلیم با تقاضای فزاینده برای خنک‌سازی روبه‌رو خواهد شد.

کولر آبی هم از تغییر اقلیم در امان نیست

در پهنه گرم و خشک، شامل مشهد، یزد و کرمان، تغییراقلیم با افزایش محسوس دمای تابستان و کاهش نسبی رطوبت همراه است و همین تغییر، نوع سیستم سرمایشی مورد نیاز ساختمان‌ها را هم دگرگون می‌کند. در مشهد و کرمان، سهم استفاده از کولرهای تبخیری تک‌مرحله‌ای یا همان کولرهای آبی به‌شدت کاهش می‌یابد و سیستم‌های تبخیری دومرحله‌ای جای آن‌ها را می‌گیرند. در کرمان، سهم کولرهای آبی از ۱۹.۶ درصد در شرایط فعلی به صفر در دوره منتهی به ۲۱۰۰ می‌رسد، درحالی‌که سهم سیستم‌های دومرحله‌ای به ۲۹.۴ درصد افزایش می‌یابد. هم‌زمان، نیاز به سایبان‌های خورشیدی در هر سه شهر افزایش پیدا می‌کند. این افزایش در مشهد ۳.۴ درصد، یزد ۱.۹ درصد و کرمان ۴.۴ درصد برآورد شده است که نشان‌دهنده اهمیت بیشتر کنترل تابش خورشید در ساختمان‌های آینده است. در مقابل، نیاز به سیستم‌های گرمایشی و گرمایش خورشیدی غیرفعال کاهش می‌یابد؛ تغییری که با کوتاه‌تر شدن دوره‌های سرد سال و کاهش نیاز به راهکارهای گرمایشی هم‌خوان است.

در پهنه گرم و نیمه‌مرطوب، شامل ایرانشهر و دزفول، افزایش هم‌زمان دما و رطوبت، نوع سرمایش مورد نیاز ساختمان‌ها را تغییر می‌دهد. در ایرانشهر، سهم سیستم‌های سرمایشی تبخیری از ۴۹.۴ درصد به ۲۵.۹ درصد کاهش می‌یابد و در مقابل، نیاز به سرمایش همراه با رطوبت‌زدایی از ۵.۱ درصد به ۱۸.۲ درصد افزایش پیدا می‌کند. در دزفول نیز سهم سرمایش همراه با رطوبت‌زدایی از ۱۵.۲ درصد به ۳۳.۵ درصد می‌رسد. در همین پهنه، نیاز به گرمایش فعال کاهش قابل‌توجهی دارد؛ در ایرانشهر از ۳.۳ درصد به ۱.۲ درصد و در دزفول از ۸.۶ درصد به ۳.۹ درصد می‌رسد. در مقابل، تهویه طبیعی خنک‌کننده در دزفول که در شرایط فعلی سهمی ندارد، در دوره منتهی به ۲۱۰۰ با سهمی ۴ درصدی ظاهر می‌شود. با این حال، پژوهش تأکید می‌کند که تهویه طبیعی در این شرایط، بیشتر می‌تواند نقشی مکمل در کنار سرمایش فعال داشته باشد.

رطوبت‌زدایی، نیاز آینده خانه‌های جنوبی

در پهنه گرم و مرطوب، شامل بندرلنگه و بندر بوشهر، تغییراقلیم بیشترین تأثیر را بر نیازهای سرمایشی ساختمان‌ها می‌گذارد. سهم سیستم‌های سرمایش فعال همراه با رطوبت‌زدایی در بندرلنگه از ۵۵.۲ درصد به ۶۰.۴ درصد و در بوشهر از ۴۶.۶ درصد به ۵۳.۴ درصد افزایش می‌یابد. در مقابل، نیاز به سیستم‌های گرمایشی در بندرلنگه از ۰.۱ درصد به صفر و در بوشهر از ۳.۲ درصد به ۱.۱ درصد کاهش پیدا می‌کند.

در همین حال، نیاز به دریافت و ذخیره تابش خورشید در جرم حرارتی کاهش می‌یابد و تهویه طبیعی خنک‌کننده در بندرلنگه تنها افزایش جزئی دارد. پژوهش نشان می‌دهد تهویه طبیعی به‌تنهایی برای تأمین آسایش حرارتی در این اقلیم کافی نیست و بیشتر می‌تواند به‌عنوان راهکاری مکمل در کنار سرمایش فعال عمل کند. در مجموع، در اقلیم گرم و مرطوب، وابستگی ساختمان‌ها به سیستم‌های سرمایشی فعال بیشتر می‌شود و بخشی از راهکارهای غیرفعال گرمایشی اهمیت خود را از دست می‌دهند.

نسخه واحدی برای خانه‌های آینده وجود ندارد

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تغییر اقلیم در همه پهنه‌های مورد مطالعه به افزایش نیاز به سرمایش و کاهش نیاز به گرمایش منجر می‌شود، اما شدت و شکل این تغییرات در مناطق مختلف یکسان نیست. افزایش نیاز به سایبان‌های خورشیدی، کاهش نقش راهکارهای غیرفعال گرمایشی و تغییر نوع سیستم‌های سرمایشی از مهم‌ترین تغییراتی است که باید در طراحی خانه‌های آینده مورد توجه قرار گیرد. در عین حال، تهویه طبیعی در برخی مناطق می‌تواند همچنان به‌عنوان راهکاری مکمل در کنار سیستم‌های سرمایشی مورد استفاده قرار گیرد.

نویسندگان بر ترکیب راهکارهای غیرفعال و فعال و متناسب‌کردن آن‌ها با ویژگی‌های هر پهنه اقلیمی تأکید دارند؛ ازجمله توجه به جهت‌گیری و فرم ساختمان، ابعاد و جهت بازشوها، سایه‌اندازی، مصالح و فضاهای نیمه‌باز و انتخاب سیستم سرمایشی متناسب با اقلیم آینده. بنابراین، نمی‌توان برای مسکن آینده ایران یک نسخه واحد پیچید و راهکارهای طراحی باید متناسب با شرایط اقلیمی هر منطقه تدوین شوند.

با این حال، همه راهکارهای پیشنهادی بدون چالش قابل اجرا نیستند. برای نمونه، پژوهش استفاده بیشتر از سیستم‌های تبخیری دومرحله‌ای را در پهنه گرم و خشک پیشنهاد می‌کند، اما محدودیت منابع آب در این مناطق می‌تواند اجرای این راهکار را با چالش مواجه کند. از این رو، سازگاری معماری با اقلیم آینده را نمی‌توان فقط بر اساس دما و مصرف انرژی سنجید و محدودیت منابع، به‌ویژه آب، نیز باید در انتخاب راهکارهای سرمایشی در نظر گرفته شود. این مطالعه بر اساس سناریوی RCP۴.۵، یعنی سناریوی انتشار متوسط گازهای گلخانه‌ای با فرض کاهش تدریجی انتشارها در نیمه دوم قرن، و با بررسی ۱۱ شهر انجام شده است. نویسندگان هم اشاره می‌کنند که در زمان انجام پژوهش، داده‌های آینده مبتنی بر سناریوهای جدید SSP برای شهرهای ایران در قالب مورد نیاز مطالعه در دسترس نبوده است. با وجود این محدودیت، نتایج پژوهش می‌تواند به‌عنوان یکی از مبناهای بازنگری ضوابط طراحی اقلیمی مسکن در ایران و توجه جدی‌تر به تغییر اقلیم آینده مورد استفاده قرار گیرد. معماری مسکن آینده ایران ناگزیر است گرما، انرژی و محدودیت منابع، به‌ویژه آب، را هم‌زمان در طراحی خانه‌ها در نظر بگیرد.

جدول ۳: تغییرات فراوانی آسایش حرارتی در شهرهای مورد مطالعه (بر اساس نمودار استاندارد ASHRAE-55)

پهنه اقلیمی	شهر	فراوانی آسایش ۲۰۲۰ (درصد)	فراوانی آسایش ۲۱۰۰ (درصد)	تغییرات (درصد)
خزری	رامسر	۵/۱	۱/۸	۳/۳
خزری	بابلسر	۵/۴	۴	۱/۴
سرد و کوهستانی	ارومیه	۱۵/۴	۱۵/۷	+۰/۳
سرد و کوهستانی	بجنورد	۱۷/۸	۱۸	+۰/۲
گرم و خشک	مشهد	۱۸/۵	۱۸/۸	+۰/۳
گرم و خشک	یزد	۲۰/۸	۱۸/۲	۲/۶
گرم و خشک	کرمان	۱۹/۷	۲۲/۵	+۲/۸
گرم و نیمه‌مرطوب	ایرانشهر	۱۹/۵	۱۸	۱/۵
گرم و نیمه‌مرطوب	دزفول	۱۸/۴	۱۷/۶	۰/۸
گرم و مرطوب	بندرلنگه	۲۰/۶	۱۴/۴	۶/۲
گرم و مرطوب	بندر بوشهر	۱۷/۲	۱۷/۸	+۰/۶

جدول ۴: خلاصه تغییرات راهبردهای طراحی اقلیمی در پنج پهنه اصلی ایران (۲۱۰۰ ← ۲۰۲۰)

پهنه اقلیمی	سرمایش فعال	گرمایش فعال	سایبان	گرمایش خورشیدی غیرفعال	تهویه طبیعی
خزری	↑↑افزایش	↓↓کاهش	↑افزایش	↓کاهش	-
سرد و کوهستانی	↑افزایش (ظهور)	↓کاهش	↑افزایش	↓کاهش	-
گرم و خشک	تغییر نوع (تک‌مرحله‌ای ← دو مرحله‌ای)	↓کاهش	↑افزایش	↓کاهش	-
گرم و نیمه‌مرطوب	تغییر نوع (تبخیری ← رطوبت‌زدا)	↓↓کاهش	↑افزایش	↓کاهش	↑افزایش
گرم و مرطوب	↑↑↑افزایش شدید	↓↓کاهش (حذف)	↑افزایش	↓کاهش	↑افزایش جزئی

جدول ۵. جمع‌بندی دستورالعمل‌های طراحی اقلیمی بر اساس سناریوی تغییر اقلیم در پهنه‌های ایران

پهنه اقلیمی	دستورالعمل‌های طراحی اقلیمی
پهنه خزری	تأکید بر بازشوهای متقاطع با ارتفاع بلند، سقف شیبدار با پیش‌آمدگی مناسب، استفاده از سایبان‌های افقی، ایوان‌ها و تراس‌های حفاظتی، و استفاده از مصالح سبک و متخلخل
پهنه سرد و کوهستانی	تأکید بر عایق‌بندی حرارتی جداره‌ها، استفاده از بازشوهای کوچک با سایبان‌های لوور، بهره‌گیری از جرم حرارتی بالا در مصالح داخلی، طراحی پلان با فضاهای واسط در جداره‌های غربی
پهنه گرم و خشک	تأکید بر استفاده از بادگیر، سقف‌های مسطح با رنگ روشن، حیاط مرکزی، فضاهای نیمه‌باز همراه با فواره‌های مه‌پاش، استفاده از مصالح با جرم حرارتی بالا، و استفاده از کولرهای تبخیری دو مرحله‌ای
پهنه گرم و نیمه‌مرطوب	تأکید بر تهویه متقاطع، پلان‌های یک‌لایه با کشیدگی شرقی غربی، استفاده از زیرزمین، سایبان‌های افقی با پره‌های عمودی، و استفاده از سیستم‌های سرمایش همراه با رطوبت‌زدایی
پهنه گرم و مرطوب	تأکید بر ایوان‌های گسترده، سقف‌های بلند، بازشوهای بلند متقابل، فضاهای نیمه‌باز وسیع، مصالح سبک، و استفاده از سیستم‌های سرمایش همراه با رطوبت‌زدایی

| خبر |

«سیاه‌خروس قفقازی» زیر ذره‌بین حفاظت

تشکیل کمیته ملی حفاظت از سیاه‌خروس قفقازی و به‌روزرسانی برنامه عملیاتی این‌گونه، در حالی کلید خورده است که برآوردهای فعلی از وجود ۱۵۰ تا ۱۹۰ قطعه از این پرنده در ایران حکایت دارد؛ گونه‌ای که ارسباران جنوبی‌ترین محدوده پراکنش آن در جهان محسوب می‌شود و دشواری مشاهده و سرشماری آن، همچنان یکی از چالش‌های اصلی حفاظت از آن است.

سیاه‌خروس قفقازی یکی از گونه‌های ارزشمند پرندگان ایران است که زیستگاه آن در کشور به محدوده ارسباران در آذربایجان شرقی محدود می‌شود؛ موضوعی که حفاظت از این زیستگاه را به بخش جدایی‌ناپذیر برنامه‌های حفاظت از این‌گونه تبدیل کرده است.

«نسیبه‌السادات میرباقر»، رئیس گروه پرندگان دفتر حفاظت و مدیریت حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به اولویت حفاظت از پرندگان در معرض تهدید می‌گوید: «هدف از به‌روزرسانی برنامه عملیاتی سیاه‌خروس قفقازی، افزایش انسجام در اجرای اقدامات حفاظتی و ارتقای هم‌زمان سطح حفاظت از گونه و زیستگاه آن است.»

به گفته او، بررسی وضعیت جمعیت، تعیین محدوده زیستگاهی، مطالعه رفتارشناسی و بررسی ویژگی‌های اکولوژیک سیاه‌خروس قفقازی از مهم‌ترین محورهای علمی و پژوهشی این برنامه است.

این میان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حفاظت از سیاه‌خروس، دستیابی به آمار دقیق جمعیت آن است. «معصومه صفایی»، معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به اینکه حدود ۱۵۰ تا ۱۹۰ قطعه سیاه‌خروس در ایران وجود دارد، می‌گوید: «پیش از انقلاب در مطالعات درک اسکات (پرنده‌شناس) جمعیت سیاه‌خروس در ایران حدود ۲۰۰ قطعه برآورد شده بود و در حال حاضر وضعیت این‌گونه در ایران بد نیست.»

بااین‌حال، رسیدن به عددی دقیق برای جمعیت سیاه‌خروس چندان ساده نیست. به گفته صفایی، این‌گونه بیشتر زمان‌ها در پوشش جنگلی باقی می‌ماند و تنها در فصل زادآوری، یعنی اردیبهشت‌ماه برای جلب‌توجه ماده از جنگل خارج و وارد بوته‌زارها می‌شود. در همین دوره است که نرها با آوازخوانی و انجام رفتارهای نمایشی برای جلب ماده، فرصت مناسبی برای مشاهده و شمارش در اختیار کارشناسان قرار می‌دهند؛ بنابراین بخش مهمی از پایش جمعیت این پرنده به همین بازه زمانی محدود می‌شود.

صفایی با اشاره به اینکه سیاه‌خروس در ایران تنها یک زیستگاه دارد، می‌گوید: «این‌گونه فقط در ارسباران مشاهده می‌شود و به همین دلیل دبیرخانه کمیته فنی سیاه‌خروس در استان آذربایجان شرقی قرار دارد.»

در برنامه جدید، علاوه بر مطالعات جمعیتی و زیستگاهی، بر نقش جوامع محلی نیز تأکید شده است. میرباقر معتقد است طراحی الگوهای استاندارد آموزشی برای جوامع هدف و تعیین شاخص‌های دقیق آموزشی برای جوامع محلی و سایر ذی‌نفعان می‌تواند روند دستیابی به اهداف برنامه حفاظتی را سرعت ببخشد. قرار است پایش مستمر، به‌روزرسانی شاخص‌های برنامه عمل و طراحی مدل‌های استاندارد برای پایش و سرشماری نیز در دستور کار کمیته ملی قرار گیرد؛ اقداماتی که می‌تواند به شناخت دقیق‌تر وضعیت جمعیت سیاه‌خروس و ارزیابی روند تغییرات آن کمک کند. | ایسنا

"آگهی مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای"
به شماره مرجع ۳۴-۱۴۰۵

وزارت نیرو
شرکت برق منطقه‌ای فارس

شرکت برق منطقه‌ای فارس در نظر دارد "کابل بمنظور افزایش ظرفیت پستهای انتقال" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره ثبت سامانه ستاد "۲۰۰۵۰۰۱۰۴۶۰۰۰۰۴۶" خریداری نماید. کلیه مراحل فرایند مناقصه از دریافت اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و گشایش پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لذا مناقصه‌گران در زمینه موضوع مناقصه می‌توانند جهت اخذ اسناد به ترتیب اطلاعات زمانی ذکر شده در ذیل به سامانه ستاد مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت و پس از تکمیل، همراه با اسناد و مدارک خواسته شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه، مراحل ثبت‌نام در سامانه و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. به پیشنهادهای واصله خارج از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و همچنین به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات موردنیاز به شرح ذیل اعلام می‌گردد.

۱-تاریخ اولین انتشار اسناد مناقصه در سامانه: از ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۳۱
۲-آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: تا ساعت ۱۲ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۳
۳-آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه در سامانه: تا ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۴
۴- آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهاد به‌صورت فیزیکی: ساعت ۹ صبح روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۵
۵-تاریخ گشایش پاکات پیشنهادها: ساعت ۹:۳۰ صبح روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۵ خواهد بود.
۶-نوع کمیت و کیفیت خدمات موردنظر: وفق اسناد مناقصه خواهد بود
۷- نحوه برگزاری مناقصه: عمومی - یک‌مرحله‌ای همراه با ارزیابی ساده
۸- مدت انجام کار: ۵ ماه هجری شمسی
۹-مبلغ برآورد انجام کار: ۱۳۰،۳۳۳،۵۹۹،۱۸۵ ریال
۱۰- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: به‌صورت یک یا ترکیبی از تضامین بندهای الف، ب، پ، ج، چ، ح و خ ماده ۴ آئین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه شماره ۵۲۱۱/ت ۵۷۵۹۲ هـ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ مصوب هیات وزیران به مبلغ شش میلیارد و پانصد و شانزده میلیون و ششصد و هفتاد و نه هزار و نهصد و پنجاه و نه (۶،۵۱۶،۶۷۹،۹۵۹) ریال می‌باشد. به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۱- مدت اعتبار پیشنهادها: پیشنهادها باید از هرحیث برای مدت ۹۰ روز بعد از تاریخ تعیین شده برای صدور ضمانتنامه معتبر باشند و این مدت برای ۹۰ روز دیگر قابل‌تمدید می‌باشد.
۱۲- نشانی این شرکت جهت ارسال پاکت‌های "الف"، "ب" و "ج": شیراز - خیابان زند - نبش خیابان فلسطین - شرکت برق منطقه‌ای فارس - دبیرخانه مرکزی (تذکر مهم، ارسال یک نسخه از اصل پاکت‌های "الف (اصل ضمانتنامه)" و "ب به‌صورت CD" و "ج (برگ پیشنهاد قیمت موجود در اسناد به‌صورت فیزیکی و جداول مقادیر و قیمت‌ها به‌صورت CD) به‌صورت لاک‌ومهر شده الزامی است)
۱۳- محل برگزاری مناقصه: شیراز، خیابان زند، نبش خیابان فلسطین، شرکت برق منطقه‌ای فارس، امور تدارکات و قراردادها
۱۴- نام و نشانی مشاور: شرکت مشاورین توسعه برق و انرژی کهربا به نشانی: تهران، آرژانتین، خیابان دهم غربی، پلاک ۱۱، واحد ۵
۱۵- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است. ضمناً چنانچه در مورد مفهوم قسمتی از اسناد مناقصه ابهام یا سئوالی وجود داشته باشد می‌توانند با شماره فکس ۳۲۳۵۹۰۴۷-۰۷۱ دبیرخانه مرکزی شرکت برق منطقه‌ای فارس (امور تدارکات و قراردادها) مکاتبه نمایند.
۱۶- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۷-اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: تلفن مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه ۱۴۵۶ می‌باشد.

شرکت برق منطقه‌ای فارس
شناسه آگهی: ۲۲۵۶۲۷۴

«پیام ما» مرگ‌های قابل پیشگیری کودکان کرمانی را روایت می‌کند

کودکان در محاصــره خطرهای آشنا

در سال ۱۴۰۴، سوانح و حوادث جان ۳۳ کودک یک تا ۵۹ ماهه را در محدوده دانشگاه علوم پزشکی کرمان گرفت. هم‌زمان، ۹۳۷ استخر کشاورزی، مرکز آموزشی و محل بازی ناایمن شناسایی شده‌اند اما مسئولیت رفع خطر میان خانواده‌ها، مالکان و دستگاه‌های متولی سرگردان مانده است

| ایرنا |

| پیام ما | «رستا» فقط ۱۴ ماه داشت. ظهر پنجشنبه روی صندلی جلوی خودرو، در آغوش مادرش نشسته بود. پدر در جاده «هفت‌باغ علوی» رانندگی می‌کرد که خودرو به بلوک‌های کنار مسیر برخورد کرد و از کنترل خارج شد. نه صندلی ایمنی کودک در خودرو بود و نه کمربندی که بتواند بدن کوچک رستا را از ضربه حفظ کند. سرش به داشبورد خورد و دچار خونریزی مغزی شد. نیروهای اورژانس او را به «بیمارستان شهید باهنر کرمان» رساندند، اما رستا زنده نماند. نام او یکی از ۳۳ نامی است که در آمار مرگ کودکان بر اثر سوانح و حوادث سال ۱۴۰۴ ثبت شده است. همه آنها بین یک تا ۵۹ ماه داشتند و در محدوده زیر پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان زندگی می‌کردند. در یک سال، تقریباً هر ۱۱ روز یک کودک جان باخت.

تعداد این مرگ‌ها در سال ۱۴۰۳، ۳۰ مورد بود؛ یعنی آمار در فاصله یک سال ۱۰ درصد افزایش یافته است.

آمار درباره این مرگ‌ها یک واقعیت را پیش چشم می‌گذارد: حادثه معمولاً در جایی دور و ناآشنا رخ نمی‌دهد. خودرو، موتورسیکلت، کوچه، حیاط خانه، زمین کشاورزی، استخر ذخیره آب، مدرسه، مهدکودک و پارک، همان جاهایی هستند که کودکان هر روز در آنها حضور دارند. گاهی فاصله یک روز عادی تا حادثه‌ای جبران‌ناپذیر، فقط یک صندلی ایمنی نصب‌نشده، دری باز، استخری بدون حصار یا وسیله بازی فرسوده است.

هر ۲۰ روز یک قربانی ترافیکی

بیش از نیمی از کودکان جان‌باخته، قربانی حوادث مرتبط با حمل‌ونقل شده‌اند. از مجموع ۳۳ مرگ ثبت‌شده در سال ۱۴۰۴، ۱۸ مورد با خودرو، موتورسیکلت، تراکتور یا دیگر وسایل نقلیه ارتباط داشته است. سهم حوادث حمل‌ونقل از کل مرگ‌ها به ۵۴٫۵ درصد می‌رسد.

به بیان ساده‌تر، تقریباً هر ۲۰ روز یک کودک زیر پنج سال در محدوده دانشگاه علوم پزشکی کرمان در حادثه‌ای مرتبط با وسیله نقلیه جان باخته است.

این آمار در سال ۱۴۰۳، ۱۴ مورد بود. شمار قربانیان ترافیکی طی یک سال، چهار نفر، معادل حدود ۲۸٫۶ درصد، افزایش یافته است. بنابراین، کاهش بعضی شاخص‌های عمومی مرگ کودکان برای اعلام موفقیت کافی نیست. مرگ‌هایی که با اقداماتی ساده و شناخته‌شده می‌توان از آنها جلوگیری کرد، همچنان تکرار می‌شوند.

از ۱۸ قربانی حوادث حمل‌ونقل در سال ۱۴۰۴، ۱۲ کودک در حوادث مربوط به خودروهای سواری جان باختند. چهار کودک قربانی حوادث موتورسیکلت شدند و مرگ دو کودک نیز با تراکتور و ماشین‌آلات کشاورزی ارتباط داشت.

همه این حوادث در جاده‌های بین‌شهری و بر اثر برخوردهای پرسرعت اتفاق نیفتاده‌اند. خیابان، کوچه، حیاط خانه، اطراف محل سکونت و زمین کشاورزی نیز در میان محل‌های حادثه دیده می‌شوند. کودکی سرنشین خودرویی بوده که صندلی ایمنی متناسب با سن او نداشته، کودکی دیگر به‌عنوان عابر وارد مسیر وسیله نقلیه شده و کودکی نیز به‌دلیل قد کوتاهش در نقطه کور راننده خودرو یا ماشین کشاورزی قرار گرفته است.

عبارت «حادثه ترافیکی» در گزارش‌های رسمی، کوتاه و کلی است، اما پشت آن چند کاستی کنار هم قرار دارد: خودرویی که برای حضور کودک ایمن نشده، موتورسیکلتی که خردسال را بدون وسیله حفاظتی جابه‌جا می‌کند، کوچه‌ای که فضای بازی کودک را از مسیر خودرو جدا نمی‌کند و راننده‌ای که پیش از حرکت، اطراف وسیله نقلیه را ندیده است.

والدین در این میان مسئولیت دارند. نشاندن کودک روی صندلی جلو یا در آغوش یک بزرگسال، استفاده‌نکردن از صندلی ایمنی و جابه‌جایی خردسال با موتورسیکلت، احتمال آسیب و مرگ را افزایش می‌دهد. اما نمی‌توان تمام ماجرا را به «بی‌احتیاطی خانواده» خلاصه کرد.

قیمت و دسترسی به صندلی استاندارد کودک، نظارت بر ایمنی خودرو، طراحی کوچه و خیابان، آموزش عمومی و اجرای مقررات نیز در پیشگیری از این مرگ‌ها نقش دارند. خانواده یکی از حلقه‌های حفاظت از کودک است، نه تنها حلقه آن.

خانه همیشه امن نیست

۱۵ مرگ دیگر ارتباطی با حمل‌ونقل نداشته‌اند. مسمومیت با هفت قربانی، پس از حوادث ترافیکی، دومین علت عمده مرگ بوده است. غرق‌شدگی و سقوط نیز هرکدام جان دو کودک را گرفته‌اند. برق‌گرفتگی و حیوان‌گزیدگی هم در میان علل ثبت‌شده دیده می‌شوند.

بسیاری از این حوادث در محیط‌هایی آشنا اتفاق افتاده‌اند. خانه برای یک کودک خردسال فقط محل استراحت و آسایش نیست. داروها، مواد شوینده، بخاری، سیم برق، پریز، پله، پنجره و اشیای کوچک، هرکدام ممکن است به خطری جدی تبدیل شوند؛ خطرهایی که کودک هنوز توان تشخیص آنها را ندارد.

همین وضعیت در زمین‌های کشاورزی وجود دارد. استخر ذخیره آب، تراکتور و ماشین‌آلات برای بزرگسالان بخشی عادی از محیط کارند، اما حضور آزادانه کودک در کنار آنها ممکن است به حادثه‌ای مرگ‌بار منجر شود.

کودک یک تا ۵۹ ماهه نمی‌تواند عمق آب را بسنجد، سرعت نزدیک‌شدن خودرو را تخمین بزند یا ماده خوراکی را از ماده سمی تشخیص دهد. آموزش مستقیم به کودک در این سن کافی نیست. بزرگسالان باید پیش از حضور او، محیط را ایمن کنند.

نگهداری دارو و مواد شیمیایی در محفظه‌ای بسته و دور از دسترس، پوشاندن پریزها، نصب حفاظ برای پله و پنجره، کنترل وسایل گرمایشی، حصارکشی استخر و جداکردن فضای بازی از محل عبور ماشین‌آلات، کارهای پیچیده‌ای نیستند. بااین‌حال، اجرای دائمی آنها به آموزش خانواده‌ها و الزام مالکان و بهره‌برداران نیاز دارد.

مرز مسئولیت خانواده و نهاد عمومی نیز همیشه روشن نیست. خانواده موظف به مراقبت از کودک است، اما نمی‌تواند استحکام نرده مدرسه، استاندارد وسیله بازی پارک یا ایمنی استخری در نزدیکی محل زندگی را ارزیابی و اصلاح کند. در چنین مواردی، حفاظت از کودک دیگر یک وظیفه صرفاً خانوادگی نیست و به حوزه سلامت عمومی، مدیریت شهری، آموزش، کشاورزی، استاندارد و نظارت مربوط می‌شود.

۹۳۷ نشانی روی نقشه خطر

آمار مکان‌های ناایمن، ابعاد دیگری از مسئله را نشان می‌دهد. در محدوده دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دست‌کم ۹۳۷ مکان ناایمن یا پرخطر برای کودکان شناسایی شده است: ۶۱۲ استخر کشاورزی غیرایمن، ۱۹۸ مدرسه و مهدکودک ناایمن و ۱۲۷ پارک و محل بازی پرخطر.

این آمار به این معنا نیست که ۳۳ کودک جان‌باخته الزاماً در همین ۹۳۷ مکان دچار حادثه شده‌اند. داده‌های موجود چنین ارتباطی را اثبات نمی‌کنند. اهمیت عدد ۹۳۷ در این است که صدها خطر پیش از آنکه به مرگ یا آسیب کودکی منجر شوند، شناسایی و ثبت شده‌اند.

استخرهای کشاورزی با ۶۱۲ مورد، بزرگ‌ترین بخش این فهرست را تشکیل می‌دهند. این استخرها برای ذخیره آب ساخته شده‌اند، اما نبود حصار مناسب، ورودی کنترل‌شده، علامت هشدار و تجهیزات نجات می‌تواند آنها را به تله‌ای در دسترس کودکان تبدیل کند. دیواره صاف و لغزنده بعضی از استخرها، خروج از آب را حتی برای بزرگسالان دشوار می‌کند.

حصارکشی، نصب درِ قفل‌دار، محدودکردن راه دسترسی، قرار دادن تجهیزات نجات و بازرسی دوره‌ای، حداقل اقدامات لازم برای ایمن‌کردن چنین مکان‌هایی است. تابلوی هشدار نمی‌تواند از کودکی محافظت کند که هنوز خواندن نمی‌داند یا مفهوم خطر را درک نمی‌کند.

در بخش دیگری از این فهرست، نام ۱۹۸ مدرسه و مهدکودک ناایمن دیده می‌شود. خانواده با سپردن کودک به مدرسه یا مهدکودکی دارای مجوز، انتظار دارد خطرهای قابل پیش‌بینی آن محیط پیش‌تر بررسی شده باشند. راه خروج نامناسب، پله و پنجره بدون حفاظ، تأسیسات برق و گرمایش پرخطر، ساختمان فرسوده و تجهیزات ناایمن، این اعتماد را از بین می‌برد.

البته شدت خطر در تمام این مراکز یکسان نیست. ممکن است نقصی با یک تعمیر کوتاه‌مدت برطرف شود و نقصی دیگر به مقاوم‌سازی اساسی نیاز داشته باشد. آنچه باید برای خانواده‌ها روشن شود، نوع خطر، اقدام موقت برای کاهش آن و زمان پایان اصلاحات است.

۱۲۷ پارک و محل بازی پرخطر، بخش سوم این آمار را تشکیل می‌دهند. وسیله بازی ممکن است هنگام نصب استاندارد بوده باشد، اما استفاده مداوم، شرایط جوی و نگهداری نامناسب، آن را به خطری تازه تبدیل کند. کف‌پوش آسیب‌دیده، لبه تیز، اتصال معیوب، فاصله نامناسب تجهیزات، روشنایی ناکافی و دسترسی مستقیم به خیابان، هرکدام برای کودکان خطرسازند.

نصب تابلوی «والدین مراقب کودکان باشند» جای تعمیر و نگهداری تجهیزات را نمی‌گیرد. مراقبت والدین یک لایه حفاظتی است، اما شهرداری یا بهره‌بردار نیز باید وسایل معیوب را تعمیر کند، بازرسی دوره‌ای انجام دهد و تجهیزات خطرناک را تا زمان اصلاح از دسترس کودکان خارج کند.

وقتی همه مسئول‌اند و کسی پاسخ نمی‌دهد

شناسایی ۹۳۷ مکان ناایمن نشان می‌دهد با مجموعه‌ای از خطاهای پراکنده خانوادگی روبه‌رو نیستیم. دانشگاه علوم پزشکی و شبکه بهداشت می‌توانند خطرها را شناسایی و پیامدهای حوادث را ثبت کنند، اما اختیار حصارکشی استخر، مقاوم‌سازی مدرسه، تعطیلی موقت مهدکودک یا تعمیر وسیله بازی را ندارند. انجام این کارها به مالکان و دستگاه‌های دیگری مربوط می‌شود.

اگر مسیر پیگیری روشن نباشد، مسئولیت میان نامه‌های اداری گم می‌شود. یک دستگاه خطر را گزارش می‌کند، دستگاه دیگر مالک را مسئول می‌داند، مالک از کمبود اعتبار می‌گوید و نهاد ناظر اعلام می‌کند که اختیار محدودی دارد. در تمام این مدت، کودک همچنان به محیط ناایمن دسترسی دارد.

برای هر مکان شناسایی‌شده باید پنج موضوع مشخص شود: نشانی و نوع خطر، مالک یا بهره‌بردار، دستگاه ناظر، مهلت رفع نقص و نهادی که پس از اصلاح، ایمنی محل را دوباره بررسی می‌کند.

بدون چنین سازوکاری، همین عددها ممکن است هر سال در جلسات تکرار شوند، بی‌آنکه کسی بگوید چند استخر حصارکشی شده، چند مرکز آموزشی از فهرست ناایمن‌ها خارج شده و چند وسیله بازی تعمیر یا جمع‌آوری شده است.

انتشار اطلاعات نیز بخشی از فرایند ایمن‌سازی است. دستگاه‌های مسئول باید به‌طور دوره‌ای اعلام کنند چند نقطه ناایمن شناسایی شده، چند مورد اصلاح شده، چند مورد در حال اصلاح است و در چند مکان هنوز اقدامی صورت نگرفته است. چنین گزارشی امکان نظارت رسانه‌ها، شوراهای شهر و خانواده‌ها را فراهم می‌کند.

اطلاع‌رسانی نباید پس از مرگ کودک آغاز شود. وقتی خطری پیش‌تر شناسایی شده، دستگاه مسئول باید توضیح دهد چه اقدامی انجام داده و رفع کامل نقص چه زمانی پایان می‌یابد.

مرگ رستا و ۳۲ کودک دیگر را نمی‌توان به یک علت نسبت داد. در بعضی حوادث، رفتار خانواده نقش داشته است. در بعضی دیگر، ناایمنی محیط عامل اصلی بوده و در مواردی نیز ضعف نظارت، نبود تجهیزات، دسترسی آسان کودک به خطر و عادی‌شدن رفتارهای پرریسک در کنار هم به حادثه منجر شده‌اند.

خانواده باید از کودک مراقبت کند، اما نمی‌تواند به‌تنهایی خیابان را ایمن کند، استاندارد وسیله بازی را بسنجد، ساختمان مدرسه را مقاوم سازد یا مالک استخر کشاورزی را به نصب حفاظ وادار کند. این مسئولیت بر عهده نهادهایی است که مجوز می‌دهند، بودجه می‌گیرند، بر فعالیت‌ها نظارت می‌کنند و اختیار الزام به رفع نقص یا توقف فعالیت را دارند.

در سال ۱۴۰۴، تقریباً هر ۱۱ روز نام کودکی به آمار قربانیان سوانح و حوادث اضافه شد. در سوی دیگر، ۹۳۷ نشانی وجود دارد که خطر در آنها پیشاپیش دیده شده است. اکنون باید روشن شود مسئول ایمن‌کردن هر نشانی کیست، تا چه زمانی فرصت دارد و اگر اقدامی نکرد، چه ضمانت اجرایی وجود خواهد داشت.

در سال ۱۴۰۴، تقریباً هر ۲۰ روز یک کودک زیر پنج سال در محدوده دانشگاه علوم پزشکی کرمان در حادثه‌ای مرتبط با حمل‌ونقل جان باخت حوادثی که فقط در جاده‌ها رخ ندادند و تا کوچه، حیاط خانه و زمین کشاورزی امتداد داشتند

شناسایی ۹۳۷ محیط ناایمن نشان می‌دهد بخش بزرگی از خطرها پیشاپیش دیده شده‌اند اکنون باید مسئول هر مکان، مهلت رفع نقص، گزارش اقدامات انجام‌شده و مرجع بازرسی دوباره به‌طور شفاف مشخص شود

| یادداشت |

متروی مجانی برای چیست؟

| احسان امینائی چترودی |
| پژوهشگر حوزه توسعه اجتماعی |

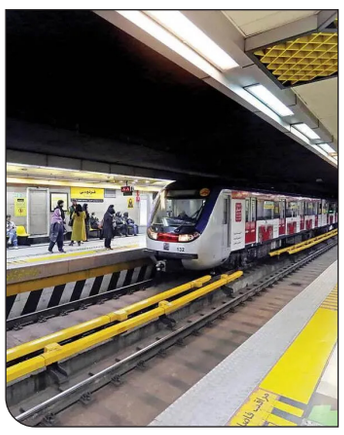

از زمان جنگ ۴۰روزه، مترو و به‌دنبال آن اتوبوس‌های BRT رایگان شده است؛ یعنی بیش از پنج ماه! علت این تصمیم چه بوده است؟ اگر رضایت شهروندان مدنظر است، چه بازخورد و نتیجه‌ای در پی داشته است؟ اگر هدف، التیام آثار گوناگون جنگ و ویرانی بوده، مرهم کدام زخم بوده است؟ اگر هدف، تشویق به استفاده از حمل‌ونقل عمومی بوده که تفاوت چندانی در ترافیک تهران حاصل نشده است. اگر هدف، کمک به سالمندان، بازنشستگان و اقشار کم‌درآمد است که این قشر محترم و نیازمند جامعه، کارت‌های مخصوص به خود را دارند و در ثانی، تعداد دفعات استفاده آنان از مترو و اتوبوس آن‌چنان زیاد نیست. اگر هدف، کمک به خانوارهای ایرانی است که رایگان‌کردن یکی از ارزان‌ترین وسایل حمل‌ونقل عمومی در جهان ـ به گفته مسئولان مرتبط ـ کاری عبث و بیهوده است و با توجه به قیمت بلیت، درصد اندک و ناچیزی از هزینه ماهانه را شامل می‌شود؛ یعنی حدود ۱/۲۲ حقوق ماهانه قشر کارگری زیر خط فقر، آن‌هم درصورتی‌که هر روز از مترو استفاده کند.

سؤال اصلی نگارنده که در این مدت از خود پرسیده، این است که هزینه سیستم عریض‌وطویل متروی تهران از کجا باید تأمین شود؟ شهرداران سابق همواره از اختصاص‌نیافتن بودجه کافی به حمل‌ونقل شهری تهران شکایت داشتند. تبلیغات شهری هم تا حدود زیادی به شعارهای سیاسی و عقیدتی اختصاص یافته است. تبلیغات بیلبوردها هم که به بازی نامفهوم و خطرناک با الفبای فارسی مشغول است. کسب درآمد از چه طریقی است؟ احتمالاً عوارض و فروش تراکم.

نکته اینجاست که اگر قرار بود این روش‌های پوپولیستی (عوام‌فریبانه) رضایت ایجاد کند و در نهایت به توسعه پایدار بینجامد، قطعاً در بلوک شرق کمونیستی جواب می‌گرفت. آن‌ها در تعاریفی همچون یکسان‌سازی، رایگان‌سازی، استفاده همگانی و رفع تبعیض طبقاتی ید طولایی داشتند، ولی هیچ‌یک از این سیاست‌ها که بدون نظرخواهی و بررسی کارشناسانه کافی انجام شد، به جایی نرسید و ناکام ماند. شایان ذکر است که روزانه بالغ بر ۱٫۲ میلیون نفر از متروی تهران استفاده می‌کنند و درآمد متوسط ماهانه پیش‌بینی‌شده مترو حدود ۲۳۳ میلیارد تومان است. اگر به فرض محال، مترو و همچنین اتوبوس تندرو به پول بلیت خود بی‌نیاز هستند، بهتر نیست آن را صرف تعداد کثیر دغدغه‌ها و اولویت‌های دیگر شهری کنیم؟ صرف هزینه برای عزیزانی که خانه، زندگی و کسب‌وکار خود را بر اثر جنگ و قطعی اینترنت از دست داده‌اند؟ صرف کودکان آنان و جبران وقفه آموزشی؛ صرف بوستان‌ها و لوازم سرگرمی کودکان که روزبه‌روز خطرناک‌تر و فرسوده‌تر می‌شوند؛ صرف کودکان کار و خیابانی امروز و بزهکاران فردا؛ صرف انبوه معتادین شیشه‌ای کارتن‌خواب. اگر در دوره‌ای کسانی توانستند با مالیات قند و شکر خط‌آهن سراسری بسازند، چرا در این زمان نتوانیم پروژه‌هایی بس کوچک‌تر، اما کارآمد ایجاد کنیم؟ رضایت از شرایط و ایجاد سرمایه اجتماعی از طریق خرید اتوبوس برقی هم حاصل نمی‌شود، چون باز مردم از خرید آن بی‌اطلاع بودند و نقشی در آن نداشتند.

حال این دور باطل حمل‌ونقل رایگان تا کی باید ادامه داشته باشد؟ بازخورد آن کی باید داده شود؟ آیا آلودگی هوای تهران کمتر شده است؟ با این پول و مشابه آن، چه تعداد تاکسی فرسوده را می‌توانستیم با خودروی باکیفیت جایگزین کنیم؟ چه تعداد شغل می‌توانستیم ایجاد کنیم؟ می‌توانستیم چه تعداد از زنان و دختران را از خیابان‌ها جمع‌آوری و سامان‌دهی کنیم؟

سخن پایانی اینکه ایرانی به هیچ‌چیز رایگان نیاز ندارد؛ نه آب مجانی، نه برق مجانی، نه متروی مجانی، نه دروازه تمدن و نه دارالقرآن اسلامی که مژده آن را در خیال خود پروراندیم، اما در عالم واقعیت محلی از اعراب نداشت. مجانی یعنی بی‌ارزش، یعنی فراوان، یعنی مفت. انرژی هیچ‌وقت نباید مجانی و رایگان باشد. ایرانی به‌جای خدمات به‌ظاهر رایگان، به واقعیت نیاز دارد؛ واقعیت از هر نوع، تلخ و شیرینش. برخلاف روحیه پنهان‌کار و واقعیت‌گریزمان، می‌توانیم در صورت ارائه گزارشی صادقانه از سوی مسئولان محترم، با آن به‌خوبی مواجه شویم و کمال همکاری را در رفع مشکل از خود بروز دهیم.

نوبت اول

اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرند

قوه قضائیه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان زرند تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است لذا مشخصات ایشان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱-عذرا مرادعلی زاده فرزند اکبر ششدانگ باغ به مساحت ۳۹۵۹٫۵ متر مربع از پلاک ۷ فرعی از ۲۸۷ اصلی در مزرعه خانوک زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر مراد علیزاده

۲- غلامحسین زمانی بابگهری فرزند محمد ششدانگ باغ به مساحت ۲۶۴۶٫۳۵ مربع از پلاک ۱۷۷۸ اصلی در اراضی ابراهیم‌آباد زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی حسین بلوچ ارباب مومنی

۳- محمد ایزدی خالق آبادی فرزند صفر ششدانگ باغ به مساحت ۱۲۰۳٫۸۵ مترمربع از پلاک ۶۵۸۰ اصلی در اراضی خیرآباد زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی امیرارجمند کرمانی

۴- هائیده مهرابی‌زاده هنرمند فرزند قاسم ششدانگ باغ به مساحت ۳۸۸۳٫۷۵ مترمربع از پلاک ۷۵۵۴ اصلی در اراضی فردوس زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی (متقاضی خود مالک رسمی است)

۵- محمدجواد محمدی فرزند حمید ششدانگ ساختمان گاوداری به مساحت ۱۰۲۷۲٫۹۳ متر مربع از پلاک ۷۷۰۷ اصلی در اراضی همت‌آباد زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی احمد افتخاری

۶- عصمت قلیزاده حسین‌آبادی فرزند حسن ششدانگ باغ به مساحت ۱۲۳۷٫۸۷ مترمربع از پلاک ۸۴۷۴ اصلی مکرر در اراضی مشاعی واسط زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی حمید سلطانی

۷- مهدی مهدوی فرزند محمد ششدانگ باغ به مساحت ۵۷۹۷ مترمربع از پلاک ۹۰۵۳ اصلی در اراضی نصرت‌آباد زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی فخر الزمان فاخری

۸- حسین‌پور میرزایی زرندی فرزند غلامحسین ششدانگ باغ به مساحت ۶۰۰۴٫۱۷ مترمربع از پلاک ۱۰۳۸۵ اصلی در اراضی رحمت‌آباد زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عباس بهرام‌زاده ابراهیمی

۹- سمیرا سام زاده فرزند عبدالحسین ششدانگ باغ به مساحت ۳۴۰۲۹۲٫۵۰ مترمربع از پلاک ۱۸۷۷۶ اصلی در اراضی محمدآباد گلشن زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمدرضا نظریان

۱۰- امیرعلی نظریان فرزند محمدرضا ششدانگ باغ به مساحت ۱۰۱۶۲۹٫۱۹ مربع از پلاک ۱۸۷۷۶ اصلی در محمدآباد گلشن زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمدرضا نظریان

۱۱- حمید جعفرزاده بهاءآبادی فرزند ابراهیم ششدانگ زمین زراعی (فاقد کشت) به مساحت ۶۲۸۷٫۲۵ مترمربع از پلاک ۱۸۸۶۱ اصلی در اراضی هادی‌آباد زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی سید علی‌اکبر تهامی

۱۲- عباس رمضان‌زاده زرندی فرزند علی ششدانگ باغ به مساحت ۱۱۷۱٫۰۴ مترمربع از پلاک ۱۹۳۹۹ اصلی در زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد زعیم باشی

۱۳- فاطمه سادات مصطفوی دهزوئی فرزند حسن ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۱۲۵۵٫۵۰ مترمربع از پلاک ۱۹۳۹۹ اصلی در زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر رهنما

۱۴- کامران نخعی فرزند حسین ششدانگ باغ مشتمل بر خانه به مساحت ۴۵۰۰ متر مربع از پلاک ۳۶۹۴ اصلی در اراضی بابتنگل بادیز زرند بخش ۱۴ کرمان خریداری از مالک رسمی عباس بهرام‌زاده ابراهیمی

۱۵- کامبیز مهرابی کرمانی فرزند داریوش ششدانگ باغ به مساحت ۵۵۲٫۳۴ مترمربع از پلاک ۳۸ فرعی از ۳۰۵ اصلی در اراضی حسین‌آباد کوهبنان بخش ۱۶ کرمان خریداری از مالک رسمی فاطمه امین الرعایا

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۱۵
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرند
شناسه آگهی: ۲۲۵۷۱۳۴

روزنامه پیام ما

www.payamema.ir

● شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۴۷۴ ●

روزنامه سیاسی - اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتونیست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۴۲۲ ۷۱۰۵-۰۲۱

تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲

برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۶)

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴

ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema @payamema ۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

| پیام ما دیروز |

حاشیه

بیانیه «کانون کارگردانان سینمای ایران» درباره طرح اخیر مجلس

سینما برای زنده ماندن به امنیت نیاز دارد

«کانون کارگردانان سینمای ایران» در پی طرح اخیر مجلس، بیانیه‌ای منتشر کرد. در این بیانیه گفته شده است: «سینما به امنیت اندیشه و امکان آفرینش آزاد هنری نیاز دارد.» در ادامه بیانیه آمده است: «مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره مجازات و محرومیت دائمی فیلم‌سازان و فعالان حوزه فرهنگ و هنر، نگرانی‌هایی جدی را در سطح جامعه سینما و اهالی فرهنگ و هنر ایجاد کرده است. البته بدیهی است حمایت از امنیت ملی و مقابله با هرگونه مداخله یا نفوذ بیگانه ضرورت دارد، اما این ضرورت نباید بهانه و دستاویزی برای ایجاد عناوین مجرمانه مبهم و قابل‌تفسیر و تعیین مجازات‌های سنگین و مادام‌العمر برای فعالیت‌های هنری و حرفه‌ای شود.» در این بیانیه گفته شده است هنر و سینما عرصه اندیشه، روایت و بیان است: «فیلم‌ساز را نباید صرفاً به‌دلیل ساخت یک اثر یا نوع نگاه خود، از حق فعالیت حرفه‌ای محروم کرد. محرومیت مادام‌العمر از شغل و حرفه یا خدمات دولتی، مجازاتی بسیار سنگین است که با اصل تناسب جرم و مجازات و نیز حق انتخاب شغل، که در اصل ۲۸ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده، در تعارض است.» در بخش دیگری از این بیانیه تأکید شده است قانون‌گذار باید توجه داشته باشد در حوزه هنر، مرز میان نقد، روایت، بازنمایی یک واقعیت و تخیل هنری با آنچه ممکن است «سیاه‌نمایی» یا عناوین مشابه آن تلقی شود، بسیار باریک است: «نمی‌شود با تعابیر کلی و بدون معیارهای روشن، آن را جرم‌انگاری کرد و برایش مجازات در نظر گرفت. قانون باید روشن و دقیق باشد تا هنرمند نگران نباشد چه چیزی در اندیشه و اثرش ممکن است بعدها جرم باشد و مستوجب مجازاتی شود که تمام آینده حرفه‌ای او را از بین ببرد. سینمای ایران در طول دهه‌ها با تلاش کارگردانان، نویسندگان و دیگر دست‌اندرکاران خود شکل گرفته و بخش مهمی از اعتبار فرهنگی کشور را در جهان به دست آورده است. اختلاف‌نظر با یک فیلم یا نقد محتوای آن، امری طبیعی است؛ اما پاسخ به یک اثر هنری نباید سلب موقت یا همیشگی امکان آفرینش از هنرمند باشد.»

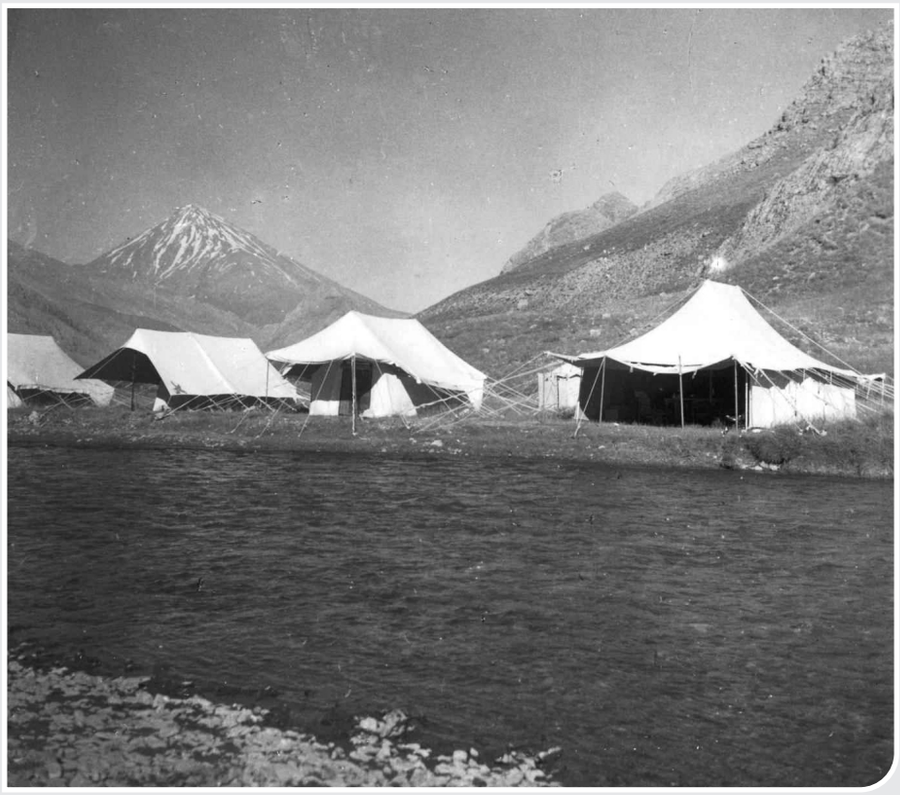

منبع عکس: نگارستان «پایگاه رقومی اسناد تصویری تاریخ شهر و معماری ایران»

عکس نوشت

حمیدرضا محمدی ـ روزنامه‌نگار: این قاب بشکوه برای درست ۹۰ سال پیش است و اثر «آنه‌ماری شوارتسنباخ» (Annemarie Schwarzenbach)، مترجم و عکاس و روزنامه‌نگار سوئیسی، که در ۲۸ سالگی، طی سومین سفرش به ایران ثبت کرد. او که شیفتهٔ این دیو سپید پای‌دربند شده بود، چنین به توصیفش برخاست: «رشته‌کوه‌ها پدیدار شدند و در کنار هم صف کشیدند؛ از بنفش تیره و رنگ فولاد تقریباً سیاه تا زرد و آبی لطیف. سرانجام «دماوند» در فاصله‌ای دویست‌کیلومتری، که گویی تقریباً در ابرها حل شده بود، نمایان شد. ما بر فراز تپه‌ای منتظر ماندیم تا خورشید، که پیشاپیش با اشعه‌هایی نورانی خبر داده می‌شد، سیاه‌وار و مدور از لبهٔ سرخ‌رنگ زمین سر برآورد.»

گوشه دنیا

کوهی میان آتش و یخ

| مریم لاوی |
| راهنمای گردشگری |

در شمال «تانزانیا»، جایی که دشت‌های ساوانا زیر آفتاب گسترده شده‌اند، چیزی در دوردست به چشم می‌آید که انگار به این سرزمین تعلق ندارد؛ قله‌ای سفید که از میان ابرها بیرون آمده است. نزدیک‌تر که می‌شوی، تناقض بزرگ «کلیمانجارو» (Mount Kilimanjaro) آشکار می‌شود؛ کوهی پوشیده از یخ در نزدیکی خط استوا؛ جایی که می‌توان در یک مسیر، از باغ‌های سبز دامنه، جنگل‌های مه‌آلود و زمین‌های خشک و سنگی گذشت و سرانجام به جهانی از برف و سکوت رسید. اینجا «کلیمانجارو» است؛ بلندترین نقطه آفریقا با ارتفاع ۵۸۹۵ متر، بزرگ‌ترین توده آتشفشانی مستقل جهان و کوهی که به‌تنهایی بالاتر از دشت‌های اطراف ایستاده است. «پارک ملی کلیمانجارو» با وسعت حدود ۷۵ هزار هکتار، در سال ۱۹۸۷ به‌عنوان میراث طبیعی جهانی «یونسکو» ثبت شد؛ به‌دلیل ترکیب کم‌نظیر قله پوشیده از برف، انزوای چشمگیر در میان دشت‌ها و مجموعه‌ای از زیست‌بوم‌های متفاوت از دامنه تا قله.

«کلیمانجارو» یک قله ساده نیست؛ داستان آن از دل آتش آغاز شده است. این کوه از سه مخروط آتشفشانی شکل گرفته است: «شیرا» (Shira)، قدیمی‌ترین بخش که در گذر میلیون‌ها سال فرسایش، امروز بیشتر به‌صورت پهنه‌ای مرتفع در غرب کوه باقی مانده است؛ «مائنزی» (Mawenzi)، مخروط شرقی با دیواره‌های تیز و سنگی؛ و «کیبو» (Kibo)، بلندترین بخش کوه که تاج سفید «کلیمانجارو» را بر دوش می‌کشد. بلندترین نقطه آفریقا، «اوهورو پیک» (Uhuru Peak)، بر فراز همین مخروط «کیبو» قرار دارد. این نام، به‌معنای «آزادی» در زبان سواحیلی، پس از استقلال «تانزانیا» به این نقطه داده شد؛ نامی که کوه را به بخشی از حافظه ملی این کشور تبدیل کرد.

اما شگفتی «کلیمانجارو» فقط در ارتفاع آن نیست؛ در راهی است که تا قله طی می‌شود. کسی که از دامنه بالا می‌رود، انگار در چند روز از چند جهان متفاوت عبور می‌کند. پایین کوه، روستاهای «چاگاها» (Chagga) در میان باغ‌های موز و قهوه پراکنده‌اند و خاک آتشفشانی حاصلخیز، قرن‌هاست کشاورزی را ممکن کرده است. کمی بالاتر، جنگل‌های کوهستانی آغاز می‌شوند؛ جهانی مرطوب و مه‌آلود که درختان بلند، خزه‌ها، پرندگان و جانورانی مانند میمون‌های کلوبوس سیاه‌وسفید (Black-and-white Colobus) را در خود جای داده است.

با افزایش ارتفاع، درختان جای خود را به بوته‌زارهای مرتفع و گیاهانی عجیب مانند سنسیوهای غول‌پیکر (Giant Senecio) می‌دهند؛ گیاهانی که انگار از جهانی دیگر آمده‌اند. سپس منظره به بیابان آلپی تبدیل می‌شود؛ سرزمینی از سنگ و سکوت که تنها گونه‌های مقاوم توان زندگی در آن را دارند. در نهایت، برف و یخ قله نمایان می‌شود؛ یادآوری شگفت‌انگیز اینکه حتی در نزدیکی خط استوا نیز می‌توان به قلمرو سرما رسید.

«کلیمانجارو» فقط مقصد کوهنوردان نیست؛ «چاگاها»، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های قومی «تانزانیا»، نسل‌هاست در دامنه‌های آن زندگی می‌کنند. برای آنها کوه، سرچشمه آب، خاک و زندگی است. قهوه عربیکای دامنه‌های «کلیمانجارو»، در کنار موز و دیگر محصولات کشاورزی، بخش مهمی از اقتصاد محلی را شکل داده و گردشگری کوهستان نیز برای بسیاری از خانواده‌ها فرصت‌های اقتصادی ایجاد کرده است.

هر سال هزاران نفر از سراسر جهان راه صعود «کلیمانجارو» را در پیش می‌گیرند؛ بعضی برای فتح بلندترین نقطه آفریقا و بعضی برای تجربه عبور از این تغییر شگفت‌انگیز اقلیم‌ها. این سفر، مسیری است از زمین‌های گرم استوایی تا سکوت یخچال‌هایی که امروز نشانه‌ای از تغییر اقلیم‌اند. یخ‌های قله که قرن‌ها بخشی از تصویر این کوه بوده‌اند، در دهه‌های اخیر به‌سرعت عقب‌نشینی کرده‌اند و آینده تاج سفید «کلیمانجارو» را با پرسش‌هایی جدی روبه‌رو کرده‌اند.

«کلیمانجارو» کوهی است که زندگی پیرامونش شکل گرفته است. «کلیمانجارو» نماد پیوند انسان با طبیعت است، اما روح «تانزانیا» فقط در چشم‌اندازهای طبیعی آن خلاصه نمی‌شود. در بخش دیگری از این سرزمین، جایی که موج‌های اقیانوس هند به ساحل می‌رسند، داستان مردمانی شکل گرفته که فرهنگشان از قرن‌ها سفر و هم‌نشینی ساخته شده است. در شماره بعدی «گوشه دنیا»، به سراغ این بخش کمتر دیده‌شده از «تانزانیا» می‌رویم؛ جایی که تاریخ، موسیقی و زندگی روزمره هنوز در کنار هم نفس می‌کشند.

«کلیمانجارو» فقط مقصد کوهنوردان نیست؛ «چاگاها» یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های قومی «تانزانیا»، نسل‌هاست در دامنه‌های آن زندگی می‌کنند برای آنها کوه، سرچشمه آب خاک و زندگی است قهوه عربیکای دامنه‌های کلیمانجارو، بخش مهمی از اقتصاد محلی را شکل داده و گردشگری کوهستان نیز برای بسیاری از خانواده‌ها فرصت‌های اقتصادی ایجاد کرده است

قفسه

نشست نقد و بررسی کتاب «صرف فعل مجهول» برگزار شد

فاعل گمشده

| پیام ما | «کاغذ سفید، دشمن است؛ مثل آدمی است که حرف نمی‌زند، اما تو را به جنون می‌کشد.» نویسنده می‌خواهد بنویسد، اما نمی‌تواند. این ناتوانی فقط گرفتاری یک نویسنده با کلمات نیست؛ انگار چیزی در جهان داستان، فاعل بودن را از آدم‌ها گرفته است. «صرف فعل مجهول» نوشته «سهند ایرانمهر»، رمانی درباره آدم‌هایی است که می‌خواهند حرف بزنند، بنویسند و روایت کنند، اما مدام با دیوارهایی نامرئی روبه‌رو می‌شوند. در این داستان، زبان هم میدان کشمکش است؛ جایی که خودسانسوری، حرف‌های ناگفته و حذف عاملیت، آدم‌ها را به سکوت می‌رساند. روز چهارشنبه، ۲۸ مردادماه، نشست نقد و بررسی کتاب «صرف فعل مجهول» با حضور نویسنده، «محمد فاضلی»، جامعه‌شناس؛ «محمود فرجامی»، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده و «فیاض زاهد»، روزنامه‌نگار و پژوهشگر، برگزار شد و حاضران درباره این کتاب سخنرانی کردند.

«صرف فعل مجهول»، روایتی تأمل‌برانگیز از مواجهه با نوشتن، تردید و اضطراب است؛ روایتی که نشان می‌دهد نوشتن همیشه آغاز یک شاهکار نیست. زبان کتاب، مخاطب را قدم‌به‌قدم با ذهنیتی همراه می‌کند که سال‌ها در آستانه آغاز باقی مانده و اکنون تصمیم گرفته است از مرز سکوت عبور کند.

«سهند ایرانمهر» در این نشست، با اشاره به اینکه در ذهن برخی، رمان‌نوشتن کاری عبث و بیهوده است، گفت: «بخشی از جامعه ما به عمق و اهمیت برخی از مسائل، از جمله رمان، پی نبرده‌اند. رمان سراغ خود انسان می‌رود و در درون انسان‌ها اثر می‌کند. همه انسان‌ها در درون خود دردها و رنج‌هایی دارند.»

در ادامه، «محمد فاضلی» درباره عنوان کتاب گفت: «این اثر روایت جامعه‌ای است که آدم‌های آن حس می‌کنند پیش از آنکه فاعل زندگی باشند، قلم از آنها گرفته شده است و در رمان، «فاعل» مشخص نیست. در طول رمان کاملاً روشن است که انسان‌ها درگیر خودسانسوری هستند، اما اینکه چه چیزی باعث سانسور شده، گم شده است.» از دیدگاه او، در رمان، حذف عاملیت موجب حذف مسئولیت می‌شود: «در جامعه‌ای که عاملیت در آن حذف شده، جامعه‌ای که پر از حرف‌های نگفته است، آدم‌ها احساس می‌کنند کسی آنها را نمی‌بیند و درباره آنها نمی‌نویسد. در نهایت، شخصیت زن رشد می‌کند، از حالت قبلی بیرون می‌آید و «نویسا» می‌شود و همچنین از زیر دست نویسنده مرد خارج می‌شود. زن از «موضوع روایت» به «نویسنده روایت» تبدیل می‌شود.»

به اعتقاد این جامعه‌شناس، مجموعه‌ای که کتاب را شکل می‌دهد، هم ردپای تجربه‌های شخصی نویسنده را در خود دارد و هم بازتابی از تلاش بخشی از جامعه ایران برای بازپس‌گیری عاملیت خویش است.

به گزارش ایرنا، «فیاض زاهد» در بررسی رمان «صرف فعل مجهول»، آن را سخت‌خوان دانست و گفت: «جدا از اینکه نویسنده فکور و اهل چالش است، خواندن رمان سخت بود. در رمان می‌بینیم که پویش آمدوشدها در ایران چه سرانجامی دارد؟ ما همان‌طور که سیطره زبانی را حفظ کردیم، سیطره نژادی را هم در سراسر ایران حفظ کردیم.»

«محمود فرجامی»، دیگر سخنران این نشست، درباره کتاب «گزارش آخرین تابستان»، دیگر کتاب ایرانمهر، توضیحاتی ارائه داد.

دیدگاه

دانشجویان سفیران سبز محیط‌زیست

| یونس خسروبیگی |
| کنشگر محیط‌زیست |

دانشجویان، به‌عنوان موتور محرک و آینده‌سازان ایران، همواره روح نوآوری و پویایی جامعه را زنده نگه داشته و پیش می‌برند. آنان یکی از ظرفیت‌های بی‌بدیل برای حفاظت از محیط‌زیست و ترویج فرهنگ و نگرش توسعه پایدار هستند که کمتر به آن پرداخته و از آن استفاده شده است.

دانشجویان هر یک می‌توانند سفیری سبز و تغییرآفرین برای ایران باشند. بسط نگرش و پیوست محیط‌زیستی در تمام رشته‌های تحصیلی، فرصتی مناسب برای بهره‌مندی از ظرفیت و بستر تمام رشته‌ها در راستای مقابله با بحران‌ها و چالش‌های محیط‌زیستی فراهم می‌کند و با رویکردی میان‌رشته‌ای، درک کامل‌تری از ابعاد و نحوه صحیح مواجهه با آن‌ها به ما می‌دهد.

دانشجویان، به‌عنوان قشری که همواره به‌دنبال توسعه بوده‌اند و هستند و در این مسیر با خلاقیت و انرژی با مسائل موجود برخورد می‌کنند، به‌خوبی می‌توانند با رویکردی محیط‌زیستی در ساحت‌های گوناگون علم، از شاخه‌های علوم انسانی گرفته تا ریاضی و فنی، پایداری این مسیر را تضمین کنند.

اما این مهم جز با فراهم‌آوردن بستر مناسب فعالیت برای آنان، رفع موانع و ارائه آموزش‌های لازم تحقق نمی‌یابد؛ موضوعی که تا امروز در حد مطلوب صورت نگرفته است. برای مثال، یکی از نمودهای آن کم‌بودن مجموع کانون‌ها و انجمن‌های علمی محیط‌زیستی دانشجویی در مقایسه با مجموع دانشگاه‌ها و دانشجویان یا کمبود آموزش‌ها و واحدهای درسی محیط‌زیست در تمام رشته‌های تحصیلی است.

سرمایه ارزشمند دیگر این قشر فرهیخته، روحیه کنشگری و مطالبه‌گری آنان از مسئولان در مقابله با اقدامات بعضاً نادرست و غیرکارشناسی است. این روحیه کمک شایانی به حفاظت از محیط‌زیست می‌کند.

در این میان، از نقش و تأثیر اساتید هم نباید غافل شد؛ اساتیدی که علاوه بر تولید علم در ساحت‌های گوناگون و درنظرگرفتن ملاحظات محیط‌زیستی در آن، به‌عنوان الگویی مؤثر برای دانشجویان، می‌توانند نقش مهمی در علاقه‌مند و دغدغه‌مندکردن آنان نسبت به محیط‌زیست داشته باشند.

سازمان حفاظت محیط‌زیست باید به دانشگاه‌ها به‌عنوان پایگاهی مؤثر در جامعه و یاریگر خود بنگرد و از فعالیت‌های دانشجویی در این زمینه حمایت کند. همچنین زمینه‌های همکاری و ارتباط دانشجویان با سازمان حفاظت محیط‌زیست و سمن‌ها را تسهیل و تقویت و به‌طور کلی، ارتباط مؤثرتری با نهاد دانشگاه برای حل مسائل خود برقرار کند.

اگر بناست برای بحران‌های محیط‌زیستی راه‌حلی پایدار و اجرایی پیدا کنیم، دانشگاه و دانشجو نباید در حاشیه سیاست‌گذاری محیط‌زیست قرار داشته باشند، بلکه باید به یکی از ارکان اصلی آن تبدیل شوند.

در پایان، گمان می‌کنم همکاری میان سه دستگاه متولی، یعنی سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، از طریق گنجاندن آموزش‌های پایه محیط‌زیست در رشته‌های مختلف، تعریف پروژه‌های واقعی محیط‌زیستی برای پایان‌نامه‌ها و طرح‌های دانشجویی، ایجاد مسیری مشخص برای مشارکت دانشجویان در تصمیم‌سازی‌های محیط‌زیستی و حمایت مالی و اجرایی از کانون‌ها و انجمن‌های محیط‌زیستی دانشجویی، اتفاقات مثبتی را در این حوزه رقم می‌زند.

آگهی مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی سواری پراید صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۸۲ رنگ سفید به شماره موتور ۰۰۵۷۵۲۰۴ و شماره شاسی ۰۰۱۳۰۰۲۴ شماره پلاک ۵۶ ایران ۶۵۵ ق ۴۸ به نام آقای رضا پورعلی لالمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قزوین

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند و کارت موتورسیکلت، کاربری: موتورسیکلت، سیستم: هوندا، تیپ: ۱۵۰ سی‌سی به رنگ: آبی، مدل: ۱۳۸۳ به شماره موتور: ۱۶۷۵۴ و شماره تنه: ۸۳۰۲۵۱۷۱۸ به شماره پلاک: فاقد پلاک به نام: کاظم رئیسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهربابک

نوبت اول

آگهی شرکت در مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای) شهرداری برازجان

اجرای طرح ذیل مطابق فهرست‌بهای رشته پسماند (انعقاد پیمان کارهای پسماند...) بوده و از آن تبعیت می‌کند.

ردیف	شرح پروژه	نوع طرح	شماره فراخوان (شماره ثبت در سامانه)	حداقل رتبه	مبلغ برآورد (ریال) (فهرست بها ۱۴۰۴)	مبلغ تضمین (ریال)	شرح عملیات
۱	واگذاری بخشی از وظایف خدمات شهری شهرداری برازجان	بودجه داخلی سال ۱۴۰۵	۲۰۰۵۰۹۰۷۶۸۰۰۰۰۰۶	پسماند ۵ یا کد ۴ خدمات شهری	۳۶۴,۴۸۷,۱۷۵,۰۰۰	۱۸,۲۲۴,۳۵۸,۷۵۰	واگذاری بخشی از وظایف خدمات شهری شهرداری برازجان

مدارک لازم جهت دریافت اسناد:
* هزینه خرید اسناد رایگان می‌باشد
* مدت اعتبار پیشنهادها سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهاد بوده و شهرداری در رد یا قبول هر یک پیشنهادها مختار است.
* سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقصه مندرج است.
* مدت اجرای پروژه ۱۲ ماه و تخصیص پروژه از محل بودجه داخلی سال ۱۴۰۵ شهرداری برازجان
* ضمانتنامه شرکت در مناقصه فقط به‌صورت ضمانتنامه بانکی به نفع شهرداری برازجان می‌باشد.
* تمامی مناقصات در سامانه ستاد ثبت شده و تمام مراحل فروش، تحویل و بازگشایی اسناد به‌صورت تمام الکترونیکی انجام خواهد شد.

زمان اولین انتشار آگهی / ارسال به صفحه اعلان عمومی: ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
پایان مهلت دریافت اسناد: ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۳
مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهاد: ساعت ۱۴ روز شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
زمان اعتبار پیشنهاد: ۱۴۰۵/۰۹/۱۵
مکان بازگشایی پاکت: برازجان - بلوار شهید مزارعی - میدان شهدا - ساختمان شهرداری - طبقه دوم - اتاق شهردار

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

روابط عمومی شهرداری برازجان

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

اداره کل امور عشایری جنوب کرمان در نظر دارد مناقصه عمومی ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس "www.setadiran.ir" انجام خواهد شد.

یک مرحله ای -۱۴۰۵

شماره فراخوان (شماره مناقصه)	عنوان پروژه	مبلغ برآورد (ریال)	خدمات با فهرست بهاء	مبلغ تضمین ریال
۲۰۰۵۰۰۴۷۸۱۰۰۰۰۱۹	آسفالت راه عشایری گاورسین شهرستان عنبرآباد	۱۲۱,۲۸۵,۹۶۸,۴۱۷	۱۴۰۴	۶,۰۶۴,۲۹۸,۴۲۰

اطلاعات زمانی

*زمان اولین انتشار آگهی/ارسال به صفحه اعلان عمومی	1405/05/31	ساعت	08:00	*مهلت دریافت اسناد 1405/06/03 ساعت 12:00
*مهلت ارسال پاکت های پیشنهاد	1405/06/19	ساعت	09:00	
*زمان بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی	1405/06/21	ساعت	09:00	
*زمان اعتبار پیشنهاد	1405/07/25	ساعت	09:00	مدت زمان اعتبار پیشنهاد 37 روز

نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: شامل ضمانت نامه بانکی و سایر موارد مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ که مدت اعتبار آن سه ماهه و این مدت حداکثر برای یک نوبت برابر مدت پیش بینی شده قابل تمدید می باشد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف: اداره کل امور عشایری جنوب کرمان به نشانی: جیرفت - بلوار امام خمینی (ره) روبروی سپاه پاسداران شهرستان جیرفت شماره تماس ۰۳۴۴۳۳۱۳۸۲۸
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس - ۱۴۵۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

شناسه آگهی: ۲۲۵۵۸۲۸

اداره کل امورعشایری جنوب کرمان